

تدوین الگوی سلامت روانی بر مبنای سازه‌های روان‌شناختی مثبت‌نگر

a.karimiyan110@yahoo.com

علی کریمی‌ان صیقلانی / دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه گیلان

Drbahmanakbari@yahoo.com

بهمن اکبری / دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران

دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۰۳

چکیده

اساتید دانشگاه به‌عنوان متولیان دانش و الگوی دانشجویان، بر قشر جوان جامعه تأثیر دارند. بنابراین توجه به سلامت این قشر می‌تواند نقش مؤثری در پیشبرد اهداف جامعه و دستیابی به سعادت و کمال جمعی داشته باشد. این پژوهش با هدف تدوین الگوی سلامت روانی بر مبنای سازه‌های روان‌شناختی مثبت‌نگر اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ انجام گرفت. نمونه آماری شامل ۱۵۰ نفر بود که به‌صورت تمام شمار از بین جامعه آماری پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش، شامل پرسش‌نامه سلامت روانی دروگاتیس، لیپمن و کوری، آزمون بهزیستی معنوی پالوتزین و الیسون، مقیاس امیدواری اشنايدر، آزمون خوش‌بینی شیر، کارور، و پرسش‌نامه سرسختی بارتون بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش معادلات ساختاری و نوشتار ۱/۱۸ نرم‌افزار لیزرل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که می‌توان سلامت روانی را از طریق مؤلفه‌های روان‌شناختی مثبت‌نگر شامل بهزیستی معنوی، امیدواری، و تعهد تبیین نمود.

کلیدواژه‌ها: سلامت روانی، مثبت‌نگری، بهزیستی معنوی، امیدواری، تعهد.

رتال جامع علوم انسانی

امروزه بیش از هر زمان دیگری شاهد تجارب فشارزایی هستیم که سلامت افراد جامعه را با مخاطره مواجه ساخته و موجب بروز مشکلات روحی و روانی بشر شده است. آمار سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که ۵۲ میلیون نفر از مردم جهان در سنین گوناگون از بیماری‌های جسمی و روانی رنج می‌برند که در ایران نیز وضعیت مناسب‌تر از این کشورها نیست (آقاجانی و مقتدر، ۱۳۹۶، ص ۱۹). درحالی‌که عدم وجود سلامت در جامعه، علاوه بر ایجاد مشکلات فراوان فردی، به عوارض اجتماعی گسترده‌ای منجر می‌شود که پدیده طلاق، گرایش به اعتیاد و بزهکاری، افزایش هزینه‌های بهداشتی کشور و کاهش کیفیت نیروی کار، تنها بخشی از مشکلات ناشی از وجود بیماری و اختلالات مختلف روان‌شناختی است (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۵). در عین حال، سلامتی، لازمه یک زندگی مفید، مؤثر و رضایت‌بخش فردی بوده و سلامت اقشار یک جامعه، به‌خصوص اقشار مؤثر و سازنده آن، در پویایی، بالندگی و اعتدالی جامعه نقشی اساسی دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

برای تعریف موجود، «سلامت روان» به معنای رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی است که سه جنبه آن تأثیر متقابل و پویایی بر یکدیگر دارند. این تعریف، به این معنی است که در ارزیابی سلامتی، نباید تنها به شاخص‌های سستی سلامت یعنی «تخریب ابتلای به بیماری» و «هرگومیر» توجه نمود، بلکه باید کیفیت زندگی افراد را نیز در نظر گرفت (قاسمی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹). برخی نیز سلامت روانی را شامل سازگاری مداوم با شرایط متغیر و تلاش برای تحقق اعتدال بین تضادهای درونی و الزامات محیطی در حال تغییر می‌دانند. فریوید، نشانه سلامت روانی را وجود تعادل و هماهنگی بین «نهاد»، «من» و «من برتر» و همچنین سطوح خودآگاهی و ناخودآگاهی در نظر می‌گیرد. در نهایت، سازمان بهداشت جهانی سلامت روانی را قابلیت ارتباط هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به‌طور منطقی، عادلانه و مناسب تعریف می‌کند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰).

با توجه به اینکه یکی از محورهای ارزیابی سلامت جوامع مختلف، وضعیت بهداشت روانی آن جامعه است و سلامت روانی، نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی جامعه دارد و با توجه به مسائلی همچون افزایش شیوع اختلالات روانی در کشورهای درحال توسعه، از قبیل شهرنشینی، فروپاشی خانواده‌های گسترده و مشکلات اقتصادی و جایگزینی بیماری‌های غیرواگیر همچون بیماری‌های روانی بر بیماری‌های واگیردار، انجام مطالعات در زمینه سلامت روانی ضروری است (همان). براین اساس، بررسی‌ها نشان می‌دهد که چند عامل در دستیابی انسان به وضعیت سلامتی مطلوب نقش دارد که عبارتند از: امیدواری نسبت به آینده، معناداری زندگی (نصیری و جوکار، ۱۳۸۷)، ورزش و فعالیت‌های جسمی (شیخ و همکاران، ۱۳۸۹)، حمایت اجتماعی (حمیدی، ۱۳۸۹)، سطح عزت نفس، الگوهای فرزندپروری، شادکامی و هوش هیجانی. به علاوه، خوش‌بینی نسبت به خود، دیگران، جهان و خداوند نیز در حفظ و ارتقاء سلامت عمومی و بهداشت روان افراد نقش‌های بسیار مؤثری دارد (بیسر و زایلر هیل (Besser & Zeigler-Hill)، ۲۰۱۲؛ کانورسانو (Conversano) و همکاران، ۲۰۱۰؛ تندال (Tindale) و همکاران، ۲۰۰۹؛ سولبرگ و ایوانس (Solberg & Evans)، ۲۰۰۹).

اصطلاح «مثبت‌نگری» و «خوش‌بینی»، از زمانی در پژوهش‌های علمی مورد توجه قرار گرفت که روان‌شناسی نوین، تلاش کرد توجه خود را صرفاً به اختلالات روانی معطوف نسازد و بیشتر بر جنبه‌های مثبت زندگی تأکید کند. یکی از اهداف اصلی روان‌شناسی مثبت که توسط *مارتین سلیگمن* در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی و آغاز قرن ۲۱ ارائه شد، این است که به جای توجه مفرط به ضعف‌های انسان، بر نیروهای مانند شاد زیستن، لذت بردن، قدرت حل مسئله و خوش‌بینی تمرکز شود (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۳). در سال‌های اخیر این رویکرد، هدف نهایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال دارد (سوری و همکاران، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد، این تعاریف از سلامت روان قابل ارتقاء بوده و باید جنبه‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی بیشتری در آنها لحاظ شود. برای نمونه، در این تعاریف نه تنها سهم عادلانه‌ای برای همه ابزارهای شناخت به چشم نمی‌خورد، بلکه به وجود ساحت‌های گوناگون هستی، اهمیت و موقعیت هر یک از آنها، رابطه آنها با افعال انسانی و حتی نقش افعال انسان در سعادت‌مندی دنیوی و اخروی هیچ اشاره‌ای نشده است. اینکه اندیشمندانی مانند *ویلیام جمیز بر اساس* مکتب پراگماتیسم، سلامت روانی را در حد رضایت‌مندی انگاره‌ای از زندگی دنیوی و مواهب آن یا سلامت کامل جسمی بدانند (آذربایجانی و موسوی‌اصل، ۱۳۹۵، ص ۳۸) و در کنار آن، به واقعیتی همچون سعادت‌مندی انسان و ملاک آن و نقش افعال متناسب با آن توجه نکنند، نه تنها معیار ناقصی را برای داوری در خصوص سلامت روانی ارائه نکرده‌اند، بلکه نخواهند توانست انسان جویای معنویت و سعادت را اقناع کرده، دل و روان مضطرب او را آرامش بخشند؛ زیرا امروزه بخش بسیار قابل توجهی از اضطراب‌ها و افسردگی‌های بشر، ریشه در دوری از معنویت راستین و فاصله گرفتن از خداوند دارد. در نگاه انسان‌شناختی قرآنی، انسان نه تنها فقر وجودی و ذاتی به خداوند و معنویت دینی دارد، بلکه با دور شدن از این خواست درونی و بعضاً ناهشیار، احساس خلع و ناامنی روانی خواهد کرد. از این‌رو، سلامت روانی از منظر قرآن، عبارت است از: بهره‌مندی فرد و از وضعیت مطلوب جسمی، روان‌شناختی، اجتماعی و معنوی، به گونه‌ای که افراد را به یک زندگی رضایت‌بخش و سعادت‌مند، رهنمون شود (کاوایی و پناهی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۹).

همان‌طور که گفته شد، سلامت عمومی شامل وضعیت مناسب فرد از نظر سطح اضطراب و افسردگی، مشکلات مربوط به خواب، و عملکرد اجتماعی است. اما آیا برای رسیدن به این حد متعادل یا برطرف کردن بیش از حد آن، انگاره‌های روان‌پزشکان که با دید پزشکی است یا انگاره‌های روان‌شناسان که عموماً با نگاهی رفتاری و مشاهده رفتار ظاهری به سرانجام می‌رسد، کافی است؟ آیا در حوزه معرفت‌شناختی، نباید برای معرفت دینی و وحی غیرمحرّف، سهمی در معرفت‌بخشی و ملاک‌آفرینی برای تعیین سلامت روانی قائل شد؟ آیا نباید از منظر قرآن جست‌وجو کرد که بیشترین عذاب‌های روحی انسان ناشی از چیست؟ در چه صورتی قلب او آرام می‌گیرد و چه عنصری است که نقش اصلی دارد و با نبود آن، حتی اگر همه عناصر در تعاریف روان‌شناسان و روان‌پزشکان معاصر برای سلامت روانی وجود داشته باشد، انسان احساس سلامت روانی نخواهد کرد و با بودن آن، حتی اگر از

سلامت جسمی و مادی مانند امنیت شغلی و جانی و حتی بسیاری دیگر از امور معنوی مانند عشق و... برخوردار نشود، احساس رضایتمندی واقعی خواهد کرد؟ برای نمونه، می‌توان به مصائبی که بر اولیای الهی در مسیر انجام وظیفه وارد می‌شود، اشاره کرد که با همهٔ محرومیت‌ها، به شدت بر راه خود مصر بوده و در کوتاهی از آن، احساس اضطراب و افسردگی به ایشان دست می‌دهد. از این‌رو، در ارزیابی سلامت روانی، نخست باید با یک نگاه معرفت‌شناسی واقع‌نما و معرفت‌بخش، هم باید به بُعد مادی زندگی انسان توجه کرد و هم به بُعد معنوی آن. در هر صورت، در کنار مسئلهٔ رضایتمندی و لذت بردن از زندگی، عنصر سعادتمندی را بیشتر مورد اهتمام قرار داد.

از سوی دیگر، مثبت‌نگری را می‌توان استفاده کردن از تمامی ظرفیت‌های ذهنی مثبت و امیدوارکننده در زندگی، برای تسلیم نشدن در برابر عوامل منفی ذهنی و واقعی تعریف کرد. به عبارت دیگر، مثبت‌نگری نوعی خوش‌بینی نسبت به جهان، دیگران و خود است؛ به‌عنوان یک واقعیت، وضعیت جسمی، روانی و چگونگی تجربهٔ درد یا شادی، از آرایش ذهنی و سبک اندیشهٔ انسان نشئت می‌گیرد. ما هر چه سالم‌تر و زیباتر فکر کنیم، زندگی عینی خودمان را گسترده‌تر، عمیق‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌سازیم (صادقی و الهیاری‌نژاد، ۱۳۹۲). البته خوش‌بینی، تنها مثبت بودن سطحی نیست، بلکه افراد خوش‌بین، مشکل‌گشایند و نقشه‌هایی برای فعالیت طراحی کرده و سپس طبق آن عمل می‌کنند که این خود، موجب می‌شود فرد در حل مسائل و مشکلات زندگی موفق‌تر عمل کند و در مقابل، مسائل و مشکلات حالت انفعالی به خود بگیرد و نسبت به دیگران نگرش مثبت بیشتری داشته باشد. افراد خوش‌بین، نسبت به افراد بدبین اجتماعی‌تر هستند، از مهارت‌های بین‌فردی مطلوب‌تری برخوردارند، معاشرتی هستند و به راحتی می‌توانند یک شبکه اجتماعی حمایت‌گر در پیرامون خود ایجاد کنند. همچنین، مشخص شده است که افراد بدبین نسبت به افراد خوش‌بین، بیشتر افسرده می‌شوند و در زمینهٔ شغل و ورزش کمتر از آنچه که استعداد دارند پیشرفت می‌کنند (پورسردار و همکاران، ۱۳۹۲).

گاهی به منابع اسلامی نشان می‌دهد که مفهوم «مثبت‌نگری»، به‌طور مکرر در منابع اسلامی مورد توجه بوده است، با این تفاوت که مثبت‌نگری اسلامی، بر اساس منابع و مفاهیم اسلامی مانند قرآن کریم، نهج‌البلاغه، و انتظار فرج، تلاش می‌کند تا نگرش افراد را مورد بازبینی و اصلاح قرار دهد؛ زیرا فضای کلی آموزه‌های اسلامی، مثبت‌انگاری است و برای نمونه خداوند در قرآن بیشتر مشوق است تا منتقم (کاوایی و پناهی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۳). به‌علاوه، مثبت‌نگری اسلامی به بُعد معنوی و آخروی تغییر نگرش‌ها، نگاه ویژه‌ای دارد و در کنار تجویز مثبت‌نگری برای دستیابی به فواید مادی، نگرش مثبت و خوش‌بینی را برای نیل به اهداف معنوی نیز پیشنهاد می‌کند. اما هر دوی آنها بر تغییر نگرش افراد از نگاه منفی به مثبت تأکید دارند و به این نکته می‌پردازند که چگونگی نگرش انسان به زندگی می‌تواند بر سلامت روان فرد و موفقیت اجتماعی او تأثیرات مهمی داشته باشد (آقاجانی و خلعتبری، ۱۳۹۵).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین میزان مثبت‌نگری با ابعاد مختلف سلامت روانی ارتباط معناداری وجود دارد (ابوهلال و زاید، ۲۰۱۱؛ فالاحی و اسدی، ۱۳۹۵؛ سادات و همکاران، ۱۳۹۱؛ پورسردار و همکاران، ۱۳۹۲).

برخی پژوهشگران معتقدند که مثبت‌اندیشی به‌عنوان یک سازه روان‌شناختی موجب اتحاد مؤلفه‌هایی می‌شود که در مجموع به سلامت روانی افراد منجر می‌گردد (کیم و همکاران، ۲۰۱۷). بهزیستی معنوی، امید به زندگی و تعهد نسبت به خود، دیگران، خداوند و تکالیف، اغلب مهم‌ترین مؤلفه‌های مثبت‌نگری هستند که ارتباط نزدیکی با یکدیگر داشته و ادغام آنها با یکدیگر در ایجاد ویژگی مثبت‌نگری مؤثر است (هودز و همکاران، ۲۰۱۴).

انسان‌ها در زندگی نیازهای متنوع و متفاوتی دارند. یکی از آنها، نیازهای معنوی است که معمولاً خود را زمان مواجهه به مشکلات، چالش‌ها و بحران‌ها نشان می‌دهد. پژوهشگران، نیازهایی همچون نیاز به هدف، معنا و امید در زندگی، نیاز به فراتر رفتن از شرایط موجود، نیاز به تحمل فقدان، نیاز به مذهب، نیاز به همراهی و یاری، نیاز به چشم‌انداز مثبت در زندگی را از جمله نیازهای معنوی می‌دانند. در این زمینه، یکی از مسیرهایی که انسان با آن احساس معناداری و هدفمندی می‌کند، معنویت و مذهب است (برجلی‌لو و همکاران، ۱۳۹۲). طبق بررسی‌ها، رابطه مشخصی بین مؤلفه‌های معنوی با سلامت روانی وجود دارد که این موضوع، پژوهش‌های گسترده‌ای را شامل شده و در اکثر آنها بر این نکته تأکید شده است که اعتقاد و نگرش مثبت به نیروی فراتر از همه نیروهای هستی، این قابلیت را دارد که سلامتی انسان را در برابر بسیاری از اختلالات روانی تضمین کند (کاوایانی و پناهی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۴). انسان با ایجاد ارتباط با خداوند و نگرش‌های دینی، نیروی محدود خویش را با توسل به منبع نامحدودی مانند قدرت خداوند، افزایش داده و این احساس موجب ایجاد آرامش و سلامت جسمی و روانی انسان می‌گردد.

طرفداران نقش معنویت در بهبود سلامت روانی و سازگاری بین‌فردی نیز برای برقراری ارتباط بین دو مفهوم «سلامت» و «معنویت» تلاش‌های گسترده‌ای کرده‌اند که به طرح سازه بهزیستی معنوی منجر شده است (هارتز، ۲۰۰۵). بهزیستی معنوی، حسی از ارتباط با دیگران، داشتن معنی و هدف در زندگی و داشتن اعتقاد و ارتباط با یک قدرت متعالی است که یک سازه چندبعدی و شامل یک بُعد عمودی و یک بُعد افقی است. بُعد عمودی آن، به ارتباط با خدا و بُعد افقی آن به احساس هدفمندی در زندگی و رضایت از آن اشاره دارد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۴). به‌طور دقیق‌تر، بهزیستی معنوی دارای دو بُعد است: بهزیستی مذهبی که به‌عنوان یک عنصر مذهبی، بیانگر ارتباط با یک قدرت برتر یعنی خداوند است، و بهزیستی وجودی که عنصری روانی اجتماعی بوده و بیانگر احساس فرد از اینکه چه کسی است، چه کاری و چرا انجام می‌دهد و به کجا تعلق دارد، می‌باشد. هم بهزیستی مذهبی و هم بهزیستی وجودی شامل تعالی و حرکت فراتر از خود هستند. بُعد بهزیستی مذهبی ما را به رسیدن به خدا هدایت می‌کند، درحالی‌که بُعد بهزیستی وجودی، ما را فراتر از خودمان و به سوی دیگران و محیط‌مان سوق می‌دهد (صفائی‌راد و همکاران، ۱۳۸۹).

قرآن مجید نیز انسان را دارای دو بُعد روحی و جسمی دانسته، معتقد است: همان‌گونه که جسم او نیازمند تغذیه سالم و بهداشت است، روح او نیز باید تغذیه معنوی شود، تا رشد کند و تکامل یابد. نیازهای معنوی، مانند نیاز به اعتقاد و تعلق به خداوند (طه: ۵۰؛ انعام: ۱۰۲؛ بقره: ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۵۶ و ۲۵۶؛ مائده: ۵۴)، نیاز به حمایت و ایمنی‌بخشی از سوی خداوند (طلاق: ۳؛ فاطر: ۲؛ آل‌عمران، ۱۲۳ و ۱۲۶)، نیاز به دوستی با خداوند و دوستانش (بقره: ۱۶۵؛ مائده: ۵۴؛

آل عمران: ۳۱). اگر خود واقعی انسان، همان بُعد روحی اوست که جاودان خواهد ماند، حیات حقیقی او نیز همان حیات معنوی خواهد بود. معنویت در حقیقت، معنا و مفهوم زندگی و به‌منزله جان و روح جهان است. از این‌رو، سلامت روانی با دینداری پیوند گسترده‌ای دارد. نوع اعتقادات ما درباره خود و خدا، تسلیم بودن یا نبودن در برابر خدا و دیگر متغیرهای معنوی، می‌تواند مهک جدی درباره سلامت روانی یا عدم آن باشد؛ زیرا رفتارهای برآمده از باورهای‌های ما، دلیل دیگری بر سلامت روانی یا عدم سلامت روانی ما است. برای نمونه، عبادت کردن یا نکردن، آرامش در رفتار یا مضطرب بودن، بالا بودن یا پایین بودن ظرفیت و تحمل، انسجام یا عدم انسجام شخصیتی و ده‌ها نوع رفتار دیگر، می‌تواند برآمده از باورهای درست یا نادرست باشد که دین در خصوص برترین این باورها و رفتارها، افق‌گشایی‌های معرفت‌بخشی نموده است (کاوایی و پناهی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۴-۲۴۰). از این‌رو، اگر بهزیستی معنوی به خطر بیفتد، فرد ممکن است دچار مشکلات روانی مانند احساس تنهایی، افسردگی و از دست دادن معنا در زندگی شود که خود می‌تواند سازگاری در زندگی، به‌ویژه حیات جاوید فرد را با مشکل مواجه سازد. در مقابل، افراد دارای بهزیستی معنوی، شیوه زندگی سالم‌تری دارند و امیدوارترند. از ثبات روانی بیشتری برخوردارند و رضایت بیشتری از زندگی خود دارند (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین، نقش بهزیستی معنوی در سلامت روان افراد در پژوهش‌های مختلفی ثابت شده است (صفائی‌راد و همکاران، ۱۳۸۹؛ حسن و همکاران، ۱۳۹۳). یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تندرستی و طول عمر انسان، امید به بهبودی و تلاطم زندگی است (آقاجانی و خلعتبری، ۱۳۹۵).

در حوزه روان‌شناسی، بحث درباره امید، سال‌ها مورد بی‌توجهی بود. با اینکه ایده امید از آغاز آفرینش آدمی وجود داشت، اما بررسی علمی آن در زندگی انسان و پس از پوست‌اندازی و دگردیسی روان‌شناسی معاصر، پیشینه‌ای چندان طولانی ندارد. این سخن، بدین معنی است که حتی اگر فرض کنیم روان‌شناسی سنتی یا فلسفی، در حوزه نقش امید بر سلامت روانی، مطالب چندانی نداشته، اما کتاب غیرمنحرف آسمانی و به‌ویژه متون قطعی اسلامی مانند قرآن، به مقوله امید به‌عنوان یکی از هیجانات مثبت که مربوط به آینده است، توجه جدی کرده‌اند. مفاهیمی مانند «بشارت» (بقره: ۲۵)، «توبه» (بقره: ۳۷)، «استعانت از صبر و نماز» (بقره: ۴۵)، «دعا» (بقره: ۲۸۶)، «پیش فرستادن اعمال نیک» (بقره: ۱۱۰)، «مساوقت گمراهی با ناامید شدن از رحمت الهی» (حجر: ۵۵ و ۵۶) و... تنها بخشی از آموزه‌های امیدبخش قرآن است که می‌تواند موجبات سلامت روانی فردی و اجتماعی را فراهم سازد. با این وجود، این نکته نیز قابل انکار نیست که روان‌شناسی معاصر بر اساس مبانی و اصول پذیرفته شده غرب که برگرفته از عصر روشنگری و مدرنیته و مبتنی بر رازدایی شدن علم بود، نتوانست چندان از این ادعاها استفاده کند. بر این اساس، در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰، امید به شکل رسمی و با رویکردی علمی بررسی و مشخص شد که اگر اندیشه‌ها و هیجان‌های منفی، موجب تضعیف سلامت می‌شوند، می‌توان فرایندهایی مثبت مانند امید را به‌عنوان متغیرهایی برای افزایش سلامت انسان‌ها بررسی کرد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱).

آشنایی‌یر، بنیانگذار نظریه امید و درمان، امید را سازه‌ای مشتعل بر سه مفهوم هدف، کارگزار، و گذرگاه در نظر

گرفته (زاهد بابلان و همکاران، ۱۳۹۰) و معتقد است: افراد امیدوار، گذرگاه‌های بیشتری برای دنبال کردن اهداف خود دارند و هنگامی که با مانعی مواجه می‌شوند، انگیزه خود را حفظ کرده و از گذرگاه‌های جانسین استفاده می‌کنند. اما افراد ناامید، به دلیل اینکه گذرگاه‌های کمی دارند در برخورد با موانع به راحتی انگیزه خود را از دست می‌دهند. *فرانکل* (۱۹۶۳)، یکی از معروف‌ترین تعاریف امید به زندگی را بیان می‌کند:

هنگامی که انسان به فعالیت‌های مورد علاقه‌اش مانند تماشای آثار هنری و ادبی، ملاقات با دیگران و همچنین پناه بردن به طبیعت می‌پردازد، امید را در خود احساس می‌کند. همچنین، هنگامی که احساس می‌کند وجود هستی‌اش به یک منبع لایزال پیوند خورده و خود را متکی به تکیه‌گاه گسترده‌ای مانند مذهب می‌بیند، امیدواری را درمی‌یابد و احساس می‌کند (فرانکل، ۱۳۹۶، ص ۶۱).

امید، دارای اثرات بیولوژیک است و می‌تواند بر کنترل درد و ضعف جسمانی افراد تأثیرات مثبتی داشته باشد. امید و انتظار، موجب فعال شدن مدارهای مغزی و آزاد شدن آندروفین و در نتیجه موجب کاهش درد در بدن می‌شود. این خصوصیت، می‌تواند به فرد کمک می‌کند که علی‌رغم مشکلاتی که در راه دستیابی به اهداف وجود دارد، انگیزه خود را حفظ کند (اشنایدر و لوپز، ۲۰۰۳). در این راستا، شواهدی نیز در حمایت از نقش امیدواری نسبت به زندگی در افزایش سلامت جسمی (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲)، بهداشت روانی (علالدینی و همکاران، ۱۳۸۶)، موفقیت تحصیلی (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰)، شادکامی (پروانه و همکاران، ۱۳۹۴) وجود دارد.

انسان از بدو تولد با موقعیت‌های تنش‌زایی مواجه است که احساس ناامنی، گرسنگی، تنهایی، از دست دادن مراقب اصلی، مرگ عزیزان، و بیکاری از جمله آنهاست. با وجود این، اکثر انسان‌ها قادر به رفع فشارهای روانی زندگی خود بوده و غالباً بدون اشکال زیادی آن را برطرف می‌کنند، اما با افزایش سطح استرس، میزان تحمل افراد کاهش می‌یابد. *سوزان کوباسا* (Sozan Kobasa) (۱۹۷۹)، یکی از نخستین کسانی بود که معتقد بود چگونگی مواجهه ما با فشارهای زندگی تا حدود زیادی به ویژگی‌های شخصیتی ارتباط دارد؛ یعنی برخی افراد خصوصیات شخصیتی دارند که از آنها در برابر فشارهای روانی حمایت می‌کند. به این ترتیب، *کوباسا* مفهوم «سرسختی» را وارد روان‌شناسی کرد که «توانایی تحمل موقعیت‌های دشوار، شهامت، سخت‌کوشی و استقامت» نیز نامیده می‌شود (آقاجانی و مقتدر، ۱۳۹۶، ص ۴۰). ویژگی سرسختی از سه مؤلفه تشکیل می‌شود: تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی. در واقع، افراد سرسخت به این دلیل انسان‌هایی مقاوم در برابر مشکلات هستند که این سه مؤلفه را در یکدیگر ادغام کرده و ترکیب پویایی را به وجود می‌آورد. افرادی که در مؤلفه کنترل (نقطه مقابل ناتوانی) قوی هستند، رویدادهای زندگی را قابل پیش‌بینی و کنترل می‌دانند و بر این باورند که می‌توانند با تلاش، آنچه را که در پیرامونشان رخ می‌دهد، تحت تأثیر قرار دهند. مبارزه‌جویی (نقطه مقابل احساس خطر یا ترس) نیز باور به این موضوع است که تغییر و نه ثبات و امنیت، جنبه طبیعی زندگی است. در نهایت، شخصی که از تعهد بالایی (نقطه مقابل بیگانگی) برخوردار است، به اهمیت ارزش و معنای اینکه چه کسی هست و چه فعالیت‌هایی انجام می‌دهد، پی برده است

(آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۵). شواهد پژوهشی حاکی از این است که برخورداری از ویژگی تعهد، در افزایش امید به زندگی، انعطاف‌پذیری شناختی (تیلکی و همکاران، ۱۳۹۷)، سلامت عمومی (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۵)، افزایش توان کنترل فشار روانی (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱)، حمایت از فرد در مواجهه با فشارهای زندگی (نعمت طاووس‌سی و شریفی، ۱۳۸۸) و کاهش اضطراب مرگ (احمدی کهنعلی و باقری، ۱۳۹۴) و استرس (عمادی و همکاران، ۱۳۸۷) نقش زیادی دارد.

با توجه به اهمیت سلامت روانی برای اقشار مختلف جامعه، به خصوص قشر دانشگاهی و با عنایت به نقش سازه مثبت‌نگری در جهت ارتقای سلامت روانی افراد، این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که مثبت‌نگری و برخی از مؤلفه‌های آن که شامل بهزیستی معنوی، امید به زندگی، و تعهد است، تأثیرات خود بر سلامت روان افراد را چگونه اعمال می‌کند؟

روش پژوهش

برای اجرای این پژوهش، ابتدا با کسب مجوز از مراجع پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت از میان ۲۲۰ نفر از اساتید، ۱۵۰ نفر به شیوه تمام‌شمار انتخاب شدند؛ زیرا جامعه محدود بود. از آنجایی که بخشی از پرسش‌نامه‌ها بازگردانده نشد و یا محدودش بودند، کنار گذاشته شدند. به علاوه، تعدادی از اساتید نیز تمایلی به شرکت در مطالعه نداشتند. بنابراین، ۱۵۰ نفر به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شد. در ادامه، اعضای گروه نمونه به پرسش‌نامه‌های سلامت روانی *دروگانیس* و همکاران (۱۹۷۳)، *آزمون بهزیستی معنوی پالوتزین و الیسون* (۱۹۸۲)، *مقیاس امیدواری/شنایدر* (۱۹۹۱)، *آزمون خوش‌بینی شیر و کارور* (۱۹۹۴)، و *پرسش‌نامهٔ سرسختی بارتون* (۱۹۸۴) پاسخ دادند.

پرسش‌نامهٔ سلامت روانی: شامل ۹۰ سؤال برای ارزشیابی علائم روانی است که به‌وسیله پاسخ‌دهنده تکمیل می‌شود که اولین بار برای نشان دادن جنبه‌های روان‌شناختی بیماران جسمی و روانی طرح‌ریزی شد. فرم اولیه آزمون، توسط *دروگانیس* و همکاران (۱۹۷۳) معرفی شد و بر اساس تجربیات بالینی و تجزیه‌وتحلیل‌های روان‌سنجی آزمون، مورد تجدیدنظر قرار گرفته و فرم نهایی آن تهیه گردید. پاسخ‌هایی که آزمودنی به هر یک از ۹۰ سؤال آزمون دادند در یک مقیاس پنج درجه‌ای از میزان ناراحتی از هیچ‌گاه تا به شدت مشخص می‌گردد. ۹۰ سؤال این آزمون، شامل نه بُعد از علائم بیماری‌های روانی بود که عبارتند از: شکایات جسمانی، وسواس و اجبار، حساسیت بین‌فردی، افسردگی، اضطراب، خصومت، ترس مرضی، افکار پارانوئید، و روان‌پریشی (یعقوبی، ۱۳۸۷). در این آزمون، ثبات درونی برای افسردگی ۰/۹ و برای روان‌پریشی ۰/۷۷ گزارش شده است. روایی و پایایی این آزمون در ایران توسط *باقری‌یزدی* و همکاران (۱۳۷۳) تأیید شد و پایایی بازآزمایی آن را به فاصله یک هفته ۰/۹۷ به‌دست آورد.

آزمون بهزیستی معنوی پالوتزین و الیسون (۱۹۸۲): این آزمون دارای ۲۰ سؤال و دو خرده‌مقیاس ۱۰ سؤالی است. سؤالات فرد، مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی مذهبی بوده و میزان تجربه فرد از رابطه رضایت‌بخش با خدا را

می‌سجد. سؤالات زوج، مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی وجودی است که احساس هدفمندی و رضایت از زندگی را می‌سجد. دامنه سلامت مذهبی و وجودی، هر یک به تفکیک، صفر تا ۵۰ است. هر چه نمره به‌دست‌آمده بالاتر باشد، بیانگر سلامت مذهبی و وجودی بالاتر است. نمره سلامت معنوی، جمع این دو زیرگروه است که دامنه آن صفر تا ۱۰۰ در نظر گرفته شده است. پاسخ سؤالات، به صورت لکیرت شش گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم دسته‌بندی شد. در سؤالات منفی، نمره‌گذاری به شکل معکوس انجام شده است. در پایان، سلامت معنوی به سه سطح پایین صفر تا ۳۳، متوسط ۳۴ تا ۶۶ و بالا ۶۷ تا ۱۰۰ تقسیم‌بندی گردید. در مطالعه حاتمی‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، در بررسی خودپایایی این مقیاس، پس از اجرا روی ۱۵ دانشجو، ضریب همبستگی درونی برای کل پرسش‌نامه برابر ۰/۸۸ و برای دو بُعد مذهبی و وجودی به ترتیب، برابر ۰/۹۱ و ۰/۸۲ به‌دست آمد. پالوتین و الیسون (۱۹۸۲) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ بهزیستی معنوی و وجودی و کل مقیاس را به‌ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۹۱ و ۰/۹۳ و دهشیری و همکاران (۱۳۹۲) به‌ترتیب برابر با ۰/۹۰، ۰/۸۲ و ۰/۸۷ گزارش کردند.

مقیاس امیدواری: یک پرسش‌نامه خودگزارشی، مشتمل بر ۱۲ سؤال است که توسط شنائیر (۱۹۹۱) ساخته شده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن مورد تأیید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس قابل قبول است (برای امیدواری کل، ۰/۸۶، برای بُعد تصمیم هدف‌مدار، ۰/۸۲ و برای راهبردها ۰/۸۴). پایایی بازآزمایی در طی ۱۰ هفته ۰/۸۲ به‌دست آمد. تحقیقات زیادی از پایایی و روایی این پرسش‌نامه به‌عنوان مقیاس اندازه‌گیری امیدواری حمایت می‌کنند. این پرسش‌نامه، در ایران در نمونه‌ای ۱۰۰ نفری مورد استفاده قرار گرفته و روایی و پایایی آن رضایت‌بخش گزارش شده است (علالدینی و همکاران، ۱۳۸۶).

آزمون خوش‌بینی: از آزمون بازنگری شده جهت‌گیری زندگی شیر و کارور (۱۹۹۴) استفاده شد. این آزمون، تفاوت‌های فردی در خوش‌بینی را می‌سجد و شامل ۶ ماده است: سه عبارت مثبت و سه عبارت منفی. پرسش‌نامه خوش‌بینی، ابزاری خودگزارشی است. شیر و کارور (۱۹۹۴)، همسانی درونی ۶ ماده پرسش‌نامه ۰/۷۸ به‌دست آوردند که ضریب قابل قبولی است. همچنین، پایایی آزمون به روش بازآزمایی در فاصله ۲۸ ماه ۰/۷۹ محاسبه شد که بیانگر ثبات نسبی آزمون است. در مطالعه نظری و همکاران (۱۳۹۲)، ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه خوش‌بینی، ۰/۶۷ به‌دست آمد که بیانگر همسانی درونی قابل قبول پرسش‌نامه بود.

پرسش‌نامه ۵۰ عبارتی سنجش سرسختی که توسط بارتون در سال ۱۹۸۴ طراحی شد، از سه مؤلفه مبارزه‌جویی (۱۷ عبارت)، تعهد (۱۶ عبارت) و کنترل (۱۷ عبارت) تشکیل شده است. آزمودنی‌ها باید میزان صحیح یا غلط بودن هر یک از عبارات را در یک مقیاس چهار درجه‌ای از «اصلاً صحیح نیست» تا «کاملاً صحیح است» مشخص کنند. محاسبه نمرات با تقسیم مجموع نمرات تعهد بر ۴۸، مجموع نمرات مبارزه‌جویی و کنترل بر ۵۱ انجام شد. محاسبه نمره کل سرسختی نیز با تقسیم مجموع نمرات تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی بر ۳ و ضرب نتیجه حاصل از آن در ۱۰۰ صورت گرفت. این پرسش‌نامه، در ایران توسط خراسانی و عبدی (۱۳۷۶) ترجمه و اعتباریابی شد. روایی و پایایی پرسش‌نامه سرسختی روان‌شناختی در ایران در چند پژوهش بررسی شده است. در پژوهش عمادی و همکاران (۱۳۸۷) برای سنجش روایی این

پرسش‌نامه، از اعتبار سازه نوع واگرا و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در همین زمینه، رابطه معناداری بین سرسختی و بهداشت روانی گزارش شد. در یک مطالعه دیگر، پایایی این پرسش‌نامه بر حسب آلفای کرونباخ برای سه مؤلفه مبارزه‌جویی، تعهد و کنترل به ترتیب، ۰.۶۶ و ۰.۶۰ و ۰.۶۰ درصد گزارش شد (مستغنی و سروقد، ۱۳۹۱). در این پژوهش، از میان ابعاد سرسختی روان‌شناختی، بعد تعهد مورد نظر پژوهشگران بود.

در ادامه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها و سپس آماره‌های توصیفی (میانگین، و انحراف استاندارد)، هر یک از متغیرهای پژوهش، با کمک نرم‌افزار آماري SPSS-20، انجام شد. سپس، نتایج تحلیل آماری مربوط به فرضیه‌های پژوهش که با استفاده از روش تحلیل مسیر و نوشتار ۸/۱۸ نرم‌افزار لیزرل تحلیل شده بودند، ارائه شده و معناداری آنها از لحاظ آماری مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

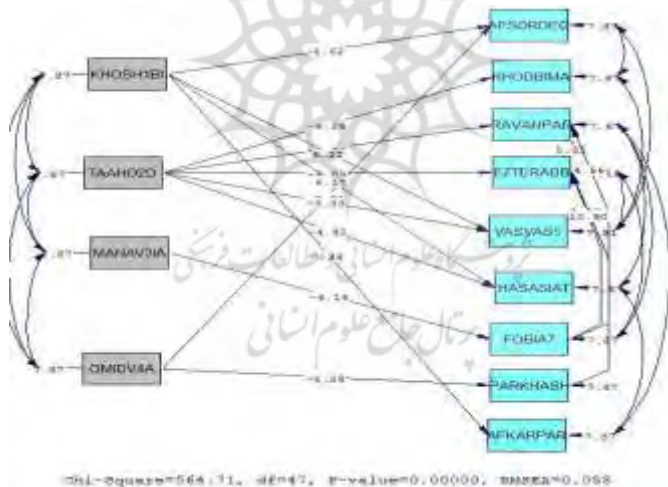
برای اطلاع از متغیرهای پژوهش و پراکندگی آنها، شاخص‌های توصیف آماری این متغیرها در جدول ۱ ارائه شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در افراد نمونه

متغیرهای کلی	متغیرها	میانگین	انحراف معیار
	افسردگی	۸/۹۴	۸/۷۶
	خودبیمارانگاری	۷/۶۹	۶/۶۷
سلامت روانی	روان‌پریشی	۴/۸۳	۶/۱۳
	اضطراب	۵/۳۵	۵/۶۶
	وسواس	۱۰/۳۴	۶/۲۵
	حساسیت بین‌فردی	۷/۹۹	۵/۵۹
	فوبیا	۲/۸۲	۴/۳۹
	پرخاصگری	۴/۳۲	۳/۹۵
	افکار پارانوئیدی	۶/۱۱	۴/۲۸
مثبت‌اندیشی	مثبت‌اندیشی	۳۰/۴۸	۵/۷۳
	تعهد	۸۷/۷۱	۱۱/۴۴
مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی	بهزیستی معنوی	۷۴/۸۹	۷/۷۲
	امید به زندگی	۳۸/۹۴	۴/۲۳

با هدف پاسخگویی به فرضیه پژوهش، از تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار Lisrel8.80 استفاده گردید. با هدف پاسخگویی به فرضیه پژوهش از تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار Lisrel8.80 استفاده گردید. در مسائلی که قصد اندازه‌گیری متغیرهای مفهومی و روابط آنها به کمک مدل نظری پژوهش وجود دارد، باید از تحلیل مسیر استفاده کرد. به عبارت دیگر، تحلیل مسیر قادر است افزون بر بیان روابط مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای پیش‌بین را بر متغیر ملاک نشان دهد و با بیان منطقی، روابط و همبستگی مشاهده شده بین آنها را تفسیر کند. در واقع، تحلیل مسیر روش آماری کاربرد ضرایب بتای استاندارد رگرسیون چندمتغیری در مدل‌های ساختاری است. ساختن یک مدل علی لزوماً به معنای وجود روابط علی در بین متغیرهای مدل نیست، بلکه این علیت بر اساس مفروضات همبستگی، نظریه و پیشینه تحقیق استوار است. بنابراین، تحلیل مسیر شیوه‌ای تحلیلی

است که برای آزمون مدل‌های علی استفاده می‌شود و نیازمند تنظیم مدلی به صورت نمودار است. قبل از طراحی مدل اولیه، باید بر اساس چارچوب نظری پژوهش، پیشینه تحقیق و همچنین دیدگاه‌های شخصی به تدوین انواع روابط بین متغیرها دست زده و به ارزیابی آنها پرداخت. سپس، می‌توان برازش مدل را بررسی نموده و با استفاده از وزن بتا که در تحلیل مسیر، ضریب مسیر خوانده می‌شوند، مقدار اثر هر متغیر را حساب کرد. در این پژوهش و در مرحله اول، روابط متغیرهای پیش‌بین (خوش‌بینی، تعهد، معنویت، امیدواری)، با متغیرهای ملاک (افسردگی، خودبیمارانگاری، روان‌پریشی، اضطراب، وسواس، حساسیت بین‌فردی، فوبیا، پرخاشگری، افکار پارانوئیدی) توسط نرم‌افزار لیزرل آزمون شد. پیش از استفاده از این روش، پیش‌فرض‌های این روش شامل حجم نمونه حداقل ۲۰۰ نفر، مقیاس فاصله‌ای و نسبتی بودن برای متغیرهای مدل، نرمال بودن داده‌ها، وجود رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین با متغیر وابسته (محاسبه ضریب همبستگی پیرسون)، وجود اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین (برون‌داد و واسطه‌ای) بر متغیر ملاک (درون‌داد)، عدم وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل (نبود همبستگی بالا بین حداقل ۲ متغیر) محقق گردید. با توجه به نمودار ۱ و قدرمطلق t valueهای محاسبه شده، کلیه ضرایب مسیر به دست آمده در جدول ۲، از لحاظ آماری معنادار است ($p < 0.01$).



جدول ۲. شاخص‌های مطلوب برازش مدل

نتیجه	دامنه مورد قبول	یافته‌ها	شاخص
تأیید مدل	$P > 0.05$	۵۶۴/۷۱	χ^2
تأیید مدل	$P \leq 2-3$	۱۲	χ^2/df
تأیید مدل	$P < 0.06$	۰/۰۵	RMSEA
تأیید مدل	$P > 0.09$	۰/۰۹	GFI
تأیید مدل	$P > 0.09$	۰/۰۹۵	NNFI یا TLI
تأیید مدل	$P > 0.09$	۰/۰۹۵	CFI
تأیید مدل	$P > 0.09$	۰/۰۹۲	AGFI

آماره^۲ خود (R²)، به حجم نمونه و انحراف از نرمال بودن چندمتغیری بسیار حساس است. وقتی حجم نمونه برابر با ۷۵ تا ۲۰۰ باشد، مقدار مجذور کای تقریباً همیشه از لحاظ آماری معنادار است. این مسئله، با توجه به اینکه در مدل‌یابی معادلات ساختاری گروه‌های نمونه با حجم زیاد توصیه می‌شود، تناقض دارد. علاوه‌براین، مجذور کای تحت تأثیر مقدار همبستگی‌های موجود در مدل نیز هست، به‌طوری‌که هر چه مقدار این همبستگی‌ها زیادتر باشد، برآزش ضعیف‌تر است. شاخص خوبی برازندگی (GFI) و شاخص تعدیل یافته^۳ خوبی برازندگی (AGFI) به حجم نمونه بستگی ندارند و بیانگر مدل تا چه اندازه نسبت به عدم وجود آن برازندگی بهتری دارد (کشکر و همکاران، ۱۳۹۰). هر چند از میان شاخص‌های بالا، به‌طور کلی شاخص RMSEA، به‌عنوان یک شاخص مطلوب و شاخص CFI به‌عنوان بهترین شاخص در نظر گرفته می‌شود، اما درباره^۴ آنها توافق وجود ندارد. مقادیر روابط (ضرایب مسیر مستقیم، سطح معناداری و ضرایب تعیین) مستقیم مدل مورد بررسی در پژوهش، در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. مقادیر روابط (ضرایب) مستقیم متغیرهای پیش‌بین بر متغیرهای ملاک (مدل نهایی)

متغیر پیش‌بین	خوش‌بینی	تعهد	معنویت	امیدواری	P	R2
متغیر ملاک						
افسردگی	۰/۲۸	-	-	-۰/۱۵	P<۰/۰۱	۰/۱۰
خودبیمارانگاری	-	-۰/۳۸	-	-	P<۰/۰۱	۰/۱۴
روان‌پریشی	-	-۰/۱۱	-	-	P<۰/۰۱	۰/۰۱
اضطراب	-	-۰/۲۵	-	-	P<۰/۰۱	۰/۰۴
وسواس	۰/۳۵	-۰/۱۹	-	-	P<۰/۰۱	۰/۱۹
حساسیت بین‌فردی	۰/۴۴	-۰/۲۵	-	-	P<۰/۰۱	۰/۳۱
فوبیا	-	-	-۰/۳۵	-	P<۰/۰۱	۰/۱۲
پرخاشگری	-	-	-	-۰/۲۰	P<۰/۰۱	۰/۰۴
افکار پارانوئیدی	۰/۵۲	-	-	-	P<۰/۰۱	۰/۲۷

همان‌طور که از نتایج جدول ۳ پیداست، متغیرهای پیش‌بین خوش‌بینی، با ضریب اثر ۰/۲۸ و امیدواری با ضریب اثر ۰/۱۵ دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک افسردگی می‌باشد. همچنین متغیرهای پیش‌بین؛ تعهد با ضریب اثر ۰/۳۸ دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک خودبیمارانگاری، تعهد با ضریب اثر ۰/۱۱- دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک روان‌پریشی، تعهد با ضریب اثر ۰/۲۵- دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک اضطراب، خوش‌بینی، با ضریب اثر ۰/۳۵ و تعهد با ضریب اثر ۰/۱۹- دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک وسواس خوش‌بینی، با ضریب اثر ۰/۴۴ و تعهد با ضریب اثر ۰/۲۵- دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک حساسیت بین‌فردی، معنویت با ضریب اثر ۰/۳۵- دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک فوبیا، امیدواری با ضریب اثر ۰/۲۰- دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک پرخاشگری. خوش‌بینی با ضریب اثر ۰/۵۲ دارای اثر مستقیم و معناداری بر متغیر ملاک افکار پارانوئیدی می‌باشند. مقادیر استاندارد شده^۵ اثرات مستقیم متغیرها نیز نشان می‌دهد که در بین متغیرها، بالاترین ضریب اثر (مسیر) مربوط به اثر متغیر پیش‌بین خوش‌بینی بر متغیر ملاک افکار

پارائونیدی می‌باشد. پس از به دست آوردن نمودارهای برازندگی مدل بر اساس مدل نهایی و پیشنهادی LISREL، شاخص‌های برازندگی آن از طریق نرم‌افزار LISREL محاسبه گردید که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

نتایج شاخص‌های برازش به دست آمده نشان می‌دهد که مقادیر به دست آمده در مدل نهایی، با داده‌ها برازش دارد. بر اساس نتایج، شاخص‌های به دست آمده، بیانگر برازندگی و تناسب خوب مدل می‌باشد. به عبارت دیگر، مدل پیشنهادی و اصلاح شده، تأیید گردیده و ضرایب به دست آمده و شاخص‌های برازش تأیید می‌کنند که مدل نهایی مناسب‌ترین مدل برای توصیف روابط متغیرهای پیش‌بین با متغیرهای ملاک است. شاخص χ^2 دو (۲٪) با توجه به $P > 0.05$ به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که مدل به حجم نمونه و انحراف از نرمال بودن چندمتغیری حساس بوده است. بررسی سایر شاخص‌های برازندگی، نشان می‌دهد که در کلیه شاخص‌ها، مقادیر به دست آمده بر اساس ملاک‌های از پیش گفته شده، قابل پذیرش بوده و در دامنه قابل قبول و مطلوب قرار دارند. شاخص RMSEA در مدل نهایی ۰/۰۵ بوده و نشان می‌دهد که مدل مورد نظر با داده‌ها برازش مطلوبی داشته و مدل تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که تمامی شاخص‌های گزارش شده، برازش مناسب و قابل قبولی برای مدل نهایی ارائه می‌دهند؛ به این معنی که روابط متغیرهای سلامت روانی، امیدواری، خوش‌بینی، بهزیستی معنوی، و تعهد پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، متغیر پیش‌بین مثبت‌اندیشی، به همراه مؤلفه‌های امیدواری، بهزیستی معنوی، و تعهد با سلامت روانی رابطه مستقیم و معناداری دارند. این یافته‌ها، با نتایج متعددی در زمینه ارتباط کلی مثبت‌اندیشی و مؤلفه‌های آن با سلامت روانی افراد همخوانی دارد.

مطالعه *ابوهلال و زاید* (۲۰۱۱) که بر روی ۱۰۳ نفر از دانش‌آموزان دو کشور امارات متحده عربی و عمان انجام گرفت، نشان داد که دانش‌آموزان خوش‌بین از سلامت جسمی و روانی بیشتری در مقایسه با دیگران برخوردار بودند. نتایج پژوهش *فلاحی و اسدی* (۱۳۹۵) که بر روی همه جوانان ۱۷ تا ۱۹ ساله خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ع) شهر شیراز انجام گرفت، حاکی از اثربخشی مثبت‌اندیشی بر افسردگی و اضطراب گروه نمونه بود. چنین نتیجه‌ای در مطالعه *سادات و همکاران* (۱۳۹۲) با گروه دانشجویان نیز تکرار شد. *پورسردار و همکاران* (۱۳۹۱)، در پژوهشی با محوریت خوش‌بینی، سلامت روانی و رضایت از زندگی، ۱۷۸ نفر از شاغلین مشغول به تدریس در مراکز آموزش و پرورش رامشیر نشان دادند که خوش‌بینی به‌واسطه افزایش سطح سلامت روانی، موجب رضایت از زندگی است. علاوه بر این، نتایج مطالعه *آقاجانی و خلعتبری* (۱۳۹۵) که بر روی زنان دچار سوء‌مصرف مواد انجام شد، نشان داد که آموزش و تقویت مثبت‌نگری برگرفته از مفاهیم قرآنی می‌تواند موجب افزایش عزت نفس و احساس امیدواری زنان شود؛ چرا که خود مثبت از منظر قرآن و متون دینی؛ یعنی خودی که

دارای عزت نفس (نهیج‌البلاغه، ح ۴۹۹)، اعتماد به نفس (نساء: ۱۰۰) است. از سوی دیگر، این آموزه‌ها، سرشار از آموزه‌هایی در خصوص اجتناب از تبیین‌های بدبینانه و محدود نکردن شادی خود با معیارهای غلط است.

مثبت‌اندیشی واحد نیست و با مضامین آن مشخص می‌شود؛ زیرا در مورد هر فرد آنچه به‌عنوان خوش‌بینی در نظر گرفته می‌شود، به چیزهایی که برای او مطلوب و خواستنی است، بستگی دارد. افرادی که تفکر مثبت دارند، از زندگی و کار خود بیشتر سود می‌گیرند و سالم‌تر هستند و روابط بهتری با دیگران نیز دارند. این افراد با دید مثبت به زندگی می‌نگرند و به جای اینکه افسوس گذشته را بخورند، با رضایت به آن می‌نگرند و به جای شک و تردید با امیدواری و خوش‌بینی به آینده نگاه می‌کنند. این امر نشاط را به فرد هدیه می‌کند. مثبت‌اندیشی از طریق کاهش استرس، رسیدن اطلاعات جدید به مغز، افزایش خلاقیت، غلبه بر عقده‌های خودکم‌بینی، کاهش بی‌قراری و شتاب، مغتنم دانستن فرصت‌ها و لحظه‌ها و با نگاه کردن از منظر یک انسان قدرتمند به موضوع زمینه‌ساز موفقیت، بهبود و افزایش امید و نشاط در اجتماع می‌گردد (یاراحمدی، ۱۳۸۸).

یکی دیگر از نتایج این پژوهش، تأثیر بهزیستی معنوی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی، بر سلامت روانی افراد بود. نتایج مطالعه صفائی‌راد و همکاران (۱۳۸۹) که بر روی ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد همدان انجام گرفت، نشان داد که بین بهزیستی معنوی و سلامت روان، همبستگی معناداری وجود دارد. به علاوه، ۰/۳۷ درصد از واریانس سلامت روانی به وسیله بهزیستی مذهبی تبیین می‌شود. همچنین، حسن و همکاران (۱۳۹۳) مطالعه‌ای با محوریت نقش بهزیستی معنوی بر سلامت رفتاری دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر کرج با نمونه ۲۷۸ نفری انجام دادند که به نتایج مشابهی رسیدند. چنین نتایجی در مطالعه آفاجانی و همکاران (۱۳۹۵) که با محوریت بررسی تأثیر آموزش مفاهیم سبک زندگی اسلامی و زیستن به شیوه معنوی - اسلامی انجام شد، تکرار گردید. در تبیین این یافته می‌توان گفت: معنویت که گاهی آن را با عنوان سلامت معنوی تعبیر می‌کنند به‌مثابه آگاهی از هستی یا نیرویی فراتر از جنبه‌های مادی زندگی است و احساس عمیقی از وحدت یا پیوند با کائنات را به وجود می‌آورد (باموتی و همکاران، ۲۰۱۶). برخی مطالعات، بیانگر این است که بدون سلامت معنوی، سایر ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی نمی‌تواند عملکرد درستی داشته یا به حداکثر ظرفیت خود برسد. در نتیجه، بالاترین سطح کیفیت زندگی، قابل دستیابی نخواهد بود (جانسون و همکاران، ۲۰۱۱). در سال‌های اخیر تحقیقات در گستره وسیعی در این زمینه صورت گرفته که مذهب و معنویت، چگونه بر جنبه‌های گوناگون سلامت جسمی و روانی مؤثرند. آزمودنی‌هایی که در معنویت نمرات بالاتری کسب می‌کنند، در مقیاس ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با سلامتی و خودشکوفایی نیز نمرات بالاتری اخذ می‌کنند. این نتایج، نشان می‌دهد که بهزیستی معنوی می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در حل مسئله و کاهش آشفتگی باشد. این امر به نوبه خود، بهزیستی ذهنی و رضامندی زندگی را افزایش می‌دهد. در واقع، بهزیستی معنوی یک زندگی سرشار از یقین در ارتباط با خداست و شامل یک ترکیب مذهبی، اجتماعی و روانی می‌شود (موهر و همکاران، ۲۰۰۶). رفتار مثبت از منظر قرآن، رفتار مطابق واقع و

مثبت‌نگر با خود، خداوند، سایر انسان‌ها و محیط زیست است و با واژه‌هایی همانند «کار خیر» یا «عمل صالح» و در نظام فلسفی، با عناوینی مانند «حسن فعلی» یا «حسن فاعلی» مورد توجه قرار گرفته است (کاویانی و پناهی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۰). زیستن به شیوه‌ی اسلامی که اغلب در پژوهش‌های گوناگون با مفهوم سبک زندگی اسلامی شناخته می‌شود نیز با ایجاد یک چارچوب کنترل شده و منظم علاوه بر اینکه تأثیر مؤلفه‌های سلامت را افزایش می‌دهد، از بروز رفتارهای مخربی که سلامت افراد را تهدید می‌کند، پیشگیری می‌کند (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۵). نقش امیدواری در ارتقاء نگرش مثبت و در نتیجه حفظ سلامت روانی، یکی دیگر از نتایج این پژوهش بود. *علیزاده* و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی ۲۰ نفر از بیماران مرد دچار اچ‌آی‌وی مثبت را که به مرکز مشاوره بیماری‌های رفتاری عفونی مشهد مراجعه کرده بودند، مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این پژوهش، مؤید اهمیت نقش امید به زندگی در بیماران بود. در مطالعه‌ی پروانه و همکاران (۱۳۹۴)، جامعه‌ی آماری شامل همه‌ی سالمندان مقیم سراهای سالمندان شهر کرمانشاه بود که از میان آنان، سرای سالمندان فرزندگان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. با توجه به معیارهای ورود به مطالعه ۲۴ سالمند با میانگین سنی ۶۴ سال انتخاب، و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. اعضای گروه آزمایش به مدت هشت جلسه تحت امیددرمانی قرار گرفتند. نتایج این پژوهش، حاکی از تأثیر افزایش سطح احساس امیدواری بر میزان شادکامی افراد بود. *علاالدینی* و همکاران (۱۳۸۶)، در تحقیقی با محوریت امید و سلامت روانی، به این نتیجه رسیدند که امیدواری نسبت به زندگی، می‌تواند موجب کاهش ناراساکنش‌وری اجتماعی و افسردگی افراد شود، اما هیچ نقشی در کاهش سطح اضطراب و بی‌خوابی و نشانه‌های جسمانی ندارد. در تبیین اهمیت امید به زندگی در سلامت روان افراد می‌توان گفت: امید به زندگی، یکی از مفاهیم بسیار نزدیک به خوش‌بینی و یکی از ویژگی‌های زندگی است که افراد را به جست‌وجوی فردای بهتر هدایت می‌کند. امید، یعنی انتظار موفقیت و آینده‌ی بهتر، یعنی دلیلی برای زیستن، وقتی امید در دل و ذهن وجود دارد، اشتیاق زندگی نیز وجود خواهد داشت (علاالدینی و همکاران، ۱۳۸۶). محققان دریافته‌اند که نقش امید از اینکه تنها نیروی تسلی‌بخش در اوج احساس غم‌زدگی باشد، فراتر است. امید، نقش مقتدرانه و شگفت‌آوری در زندگی ایفا می‌کند و در قلمروهای گوناگون از موفقیت تحصیلی گرفته تا تحمل مشاغل پرزحمت، مزایایی به همراه دارد. امید از نظر علمی، از چشم‌اندازی روشن و به‌معنای اینکه همه چیز به خوبی پیش می‌رود، فراتر است (همان). امید، روندی فعال و آموختنی است؛ شیوه‌ای از اندیشیدن که رفتارهای خاصی را به دنبال دارد. امید، روندی فکری است که تعیین هدف را ساده می‌کند و به ما یاری می‌دهد تا در راه رسیدن به هدف‌های خود، به طرز مؤثری بکوشیم. امید با سه جزء به هم پیوسته‌ی اندیشیدن؛ یعنی «تعیین هدف، نیروی راهیابی، و نیروی اراده» تعریف می‌شود. بدون این سه جزء به هم پیوسته، امید شکل نمی‌گیرد.

تأثیر برخورداری از تعهد، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم مثبت‌اندیشی بر سلامت روانی افراد نیز از نتایج این تحقیق بود. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های متعددی همسو بود. اگرچه تعهد معمولاً در چارچوب نظریه و ویژگی

سرسختی روان‌شناختی مطرح می‌شود، اما در اکثر بررسی‌ها به همراه دو مؤلفه دیگر؛ یعنی مبارزه‌جویی و کنترل، به‌عنوان یک عامل مقاوم‌ساز در نگرش مثبت و همچنین سلامت روانی افراد نقش‌های برجسته‌ای دارد. آقاجانی و همکاران (۱۳۹۵)، در مطالعه خود ارتباط سرسختی با سلامت عمومی گروه نمونه ۱۱۰ نفری را بررسی کردند که نتایج حاکی از نقش تعهد و سایر مؤلفه‌ها در کاهش اضطراب و مشکلات خواب و در مقابل، بهبود عملکرد اجتماعی افراد بود. در مطالعه بیرامی و همکاران (۱۳۹۱)، با گروه نمونه ۹۷ نفری، مشخص شد که سرسختی و مؤلفه تعهد، به‌عنوان یک منبع مقاومت در برابر فشارهای روانی عمل می‌کند. چنین نتیجه‌ای در مطالعه عمادی و همکاران (۱۳۸۷) با تعداد نمونه ۱۶۵ نفری، و پژوهش نعمت‌طاوسی و همکاران (۱۳۸۸) مجدداً تأیید شد. در مطالعه احمدی‌کهنعلی و باقری (۱۳۹۴)، رابطه منفی بین مؤلفه تعهد و اضطراب مرگ مشاهده شد.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت: اساتید متعهد، بیش از دیگران نسبت به سلامت جسمی و روانی خود احساس مسئولیتی می‌کنند؛ چراکه تعهد موجب معناداری زندگی و ایجاد انگیزه برای انجام تکالیف و وظایف می‌شود. به‌علاوه، آنان با در پیش گرفتن سبک زندگی متعهدانه، از انجام رفتارهای پرخطر و غیراخلاقی اجتناب می‌کنند؛ چراکه پذیرفته‌اند در جامعه و محیط آموزشی نقش مشخص و مؤثری بر عهده دارند و سلامت بسیاری از اعضای جامعه به نحوه تفکر و رفتار آنان بستگی دارد. انتخاب سبک زندگی سالم و معنوی، موجب پیشرفت فردی و اجتماعی افراد می‌شود که سلامت روانی به‌عنوان یکی از پیامدهای مثبت این شیوه زندگی، نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن است.

نتایج این پژوهش، اهمیت توجه به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری خصوصیات مثبتی مانند خوش‌بینی شامل بهزیستی معنوی، احساس امیدواری، و تعهد را حفظ و ارتقاء سلامت روان برجسته می‌سازد. بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر وجود ارتباط بین مؤلفه‌های مثبت‌نگری در شکل‌گیری ویژگی مثبت‌اندیشی با سلامت روان تأیید می‌شود. از این رو، نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمایی در جهت به‌کارگیری روش‌های معنوی و پرورش احساس امیدواری و تعهد با هدف افزایش مثبت‌نگری و در نهایت حفظ سلامت روان باشد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود که مطالعات مشابهی با حجم نمونه بیشتر در سایر مراکز علمی، به تفکیک جنسیت و در سطح ملی انجام شود.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- آذربایجانی، مسعود و سیدمهدی موسوی اصل، ۱۳۹۵، *روان‌شناسی دین*، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سمت.
- آقاجانی، محمدجواد و جواد خلعتبری، ۱۳۹۵، «اثربخشی آموزش مثبت‌نگری بر اساس مفاهیم قرآنی بر عزت نفس و امید به زندگی زنان معنادر، *زنان و خانواده*، سال یازدهم، ش ۳۷، ص ۹۳-۱۱۲.
- آقاجانی، محمدجواد و همکاران، ۱۳۹۵، «*ارتباط رفتار دعاکردن و سرسختی روان‌شناختی با سلامت عمومی سالمندان بازنشسته*»، دومین کنگره فرهنگ و اندیشه دینی، تهران، مؤسسه فرهنگی سفیران مبین.
- آقاجانی، محمدجواد و لیلا مقتدر، ۱۳۹۶، *مقدمه‌ای به اصول بهداشت روانی*، تهران، سرو.
- ابراهیمی، نسرين و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه امید با موفقیت تحصیلی دانشجویان»، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، سال هفدهم، ش ۲، ص ۱-۱۶.
- احمدی کهنعلی، حمیده و مسعود باقری، ۱۳۹۴، «پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس سرسختی روان‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی»، *شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ش ۹، ص ۹۵-۱۱۴.
- احمدی، حبیب و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه شیراز»، *جامعه‌شناسی*، ش ۱، ص ۹-۳۵.
- باقری‌یزدی، سیدعباس و همکاران، ۱۳۷۳، «بررسی اپیدمیولوژی اختلال‌های روانی در مناطق روستایی میبد یزد»، *اندیشه و رفتار*، ش ۱، ص ۳۲-۴۱.
- برجلی‌لو، سمیه و همکاران، ۱۳۹۲، «مراقبت، تجارب روزانه و بهزیستی معنوی در پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران»، *روان‌شناسی و دین*، سال ششم، ش ۴، ص ۱۱۹-۱۳۳.
- بیرامی منصور و همکاران، ۱۳۹۱، «پیش‌بینی راهبردهای مقابله با فشار روانی دوران بارداری در زنان باردار نخست‌زا بر اساس مؤلفه‌های سرسختی و حمایت اجتماعی»، *پژوهش پرستاری*، سال هفتم، ش ۲۷، ص ۱-۹.
- پرچم، اعظم و همکاران، ۱۳۹۱، «بعاد سه‌گانه نظریه امید استایدر و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء*، سال دهم، ش ۱، ص ۱-۲۹.
- پروانه، الهام و همکاران، ۱۳۹۴، «اثربخشی امیددرمانی بر افزایش شادکامی سالمندان»، *روان‌شناسی بیری*، سال اول، ش ۱، ص ۴۱-۴۷.
- پورسردار، نوراله و همکاران، ۱۳۹۲، «تأثیر خوش‌بینی بر سلامت روانی و رضایت از زندگی: یک مدل روان‌شناختی از بهزیستی»، *تحقیقات نظام سلامت حکیم*، سال شانزدهم، ش ۱، ص ۴۲-۴۹.
- تیلکی، مهدیس و همکاران، ۱۳۹۷، «اثربخشی آموزش پذیرش و تعهد بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و ناگویی هیجانی زنان مبتلا به درد مزمن»، *مطالعات روان‌شناختی*، سال چهاردهم، ش ۳، ص ۱۶۳-۱۸۷.
- جعفری، عیسی و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش بهزیستی معنوی و راهبردهای مقابله با استرس در پیش‌بینی رضایت شغلی پرستاران»، *بالیبی پرستاری و مامایی*، سال چهارم، ش ۱، ص ۵۰-۵۸.
- حاتمی‌پور، خدیجه و همکاران، ۱۳۹۵، «ارتباط سلامت معنوی با اضطراب دانشجویان پرستاری در اولین تجربه کارآموزی»، *پژوهش پرستاری*، سال یازدهم، ش ۲، ص ۶۷-۸۸.
- حسن، جعفر و همکاران، ۱۳۹۳، «نقش بهزیستی معنوی و راهبردهای مقابله‌ای در رفتارهای پرخطر نوجوانان»، *اندیشه و رفتار*، سال نهم، ش ۳۳، ص ۱۷-۲۶.
- حسینی، سیدحمید و همکاران، ۱۳۸۹، «سلامت روان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی و عوامل مرتبط با آن»،

مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، سال دوم، ش ۳، ص ۲۳-۲۸.

حمیدی، فریده، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روانی در زنان سرپرست خانوار در کارکنان یک دانشگاه نظامی»، *روان‌شناسی نظامی*، سال اول، ش ۲، ص ۵۱-۶۰.

خدادادی سنگده، جواد و همکاران، ۱۳۹۳، «اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر به شیوه گروهی بر افزایش شادکامی مادران کودکان با نیازهای ویژه»، *روان‌شناسی خانواده*، دوره اول، ش ۱، ص ۵۳-۶۲.

دهشیری، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۲، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه‌ی بهزیستی معنوی در میان دانشجویان»، *مطالعات روان‌شناختی*، دوره نهم، ش ۴، ص ۷۳-۹۸.

زاهد بابلان، عادل و همکاران، ۱۳۹۰، «نقش بخشش و سرسختی روان‌شناختی در پیش‌بینی امید»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال دوازدهم، ش ۳، ص ۱۹۴۸-۱۲.

سادات جعفر طباطبایی، تکتم و همکاران، ۱۳۹۱، «تأثیر آموزش خوش‌بینی بر اضطراب و افسردگی دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند»، *مراقبت‌های نوین*، سال اول، ش ۱۰، ص ۳۴-۴۲.

سوری، حسین و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای خوش‌بینی»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال پانزدهم، ش ۱، ص ۵-۱۵.

شیخ، محمود و همکاران، ۱۳۸۹، «تأثیر فعالیت جسمانی سازمان‌یافته بر سلامت روانی دانش‌آموزان متوسطه شهر شیراز»، *پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش*، ش ۴، ص ۴۵-۵۱.

صادقی، رقیه و مریم الهیاری‌نژاد، ۱۳۹۲، «هشت‌نگری و خوش‌بینی در نهج‌البلاغه»، *پژوهش‌های نهج‌البلاغه*، سال اول، ش ۱، ص ۶۳-۷۴.

صفائی‌راد، ایرج و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه بهزیستی معنوی با سلامت روان در دانشجویان»، *خدمات بهداشتی درمانی سبزوار*، سال هفدهم، ش ۴، ص ۲۷۴-۲۸۰.

علالدینی، زهره و همکاران، ۱۳۸۶، «بررسی اثربخشی امید‌درمانی گروهی بر میزان امید و سلامت روانی»، *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، سال اول، ش ۴، ص ۶۷-۷۶.

علیزاده، مرتضی و همکاران، ۱۳۹۲، «اثربخشی امید‌درمانی گروهی بر افزایش امید به زندگی در مبتلایان به ویروس HIV»، *روان‌شناسی سلامت*، سال دوم، ش ۴، ص ۷۰-۸۲.

عمادی، شیرازه و همکاران، ۱۳۸۷، «رابطه بین گروآباری نقش و سرسختی روان‌شناختی با استرس شغلی در بین کارکنان کارخانه سیمان فارس»، *همایش روان‌شناسی و کاربرد آن در جامعه*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

فرانکل، ویکتور، ۱۳۹۶، *انسان در جست‌وجوی معنا*، ترجمه نهضت صالحیان و میهن میلانی، تهران، درسا.

فلاحی، معصومه و الهه اسدی، ۱۳۹۵، «اثربخشی مثبت‌اندیشی و دعا بر اضطراب و افسردگی جوانان ۱۷ تا ۱۹ ساله»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال هفدهم، ش ۳، ص ۱۱۸-۱۲۵.

قاسمی‌پور، مریم و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه حمایت اجتماعی و سلامت روان در دانشجویان شهرستان خرم‌آباد»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان*، سال دوازدهم، ش ۱، ص ۵۷-۶۴.

کلویانی، محمد و علی محمد پناهی، ۱۳۹۵، *روان‌شناسی در قرآن: مفاهیم و آموزه‌ها*، چ هشتم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کشکر، سارا و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه تحصیلات با میزان شرکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی»، *مدیریت ورزشی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۳۱-۱۱۷.

مستغنی، سارا و سیروس سروقد، ۱۳۹۱، «رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سرسختی روان‌شناختی با فشار روانی شغلی پرستاران بیمارستان‌های دولتی شیراز»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال سیزدهم، ش ۴، ص ۱۲۴-۱۳۲.

- نریمانی، محمد و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش بهزیستی معنوی و پایبندی مذهبی در پیش‌بینی رضامندی زناشویی پرستاران»، *بالیبی پرستاری و مامایی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱-۱۰.
- نصیری، حبیب‌اله و بهرام جوکار، ۱۳۸۷، «معناداری زندگی، امید، رضایت از زندگی و سلامت روان در زنان»، *پژوهش زنان*، دوره ششم، ش ۲، ص ۱۵۷-۱۷۶.
- نظری‌چگنی، اکرم و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه سبک دل‌بستگی ایمن، خوش‌بینی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی در دانش‌جویان دختر»، *زن و فرهنگ*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۴۵-۵۷.
- نعمت طاوسی، محترم و محمدعلی شریفی، ۱۳۸۸، «سرسختی به‌منزله یک منبع حمایتی در محیط کار یک متغیر پیش‌بین عوامل تنیدگی زای حرفه‌ای»، *تحقیقات روان‌شناختی*، ش ۴، ص ۴۹-۶۲.
- یاراحمدی، مهدی، ۱۳۸۸، «اثرات اجتماعی مثبت‌اندیشی»، *مساویر*، سال سیزدهم، ش ۱۸۳، ص ۲۰۲-۲۰۴.
- یعقوبی، حمید، ۱۳۸۷، «غربالگری اختلالات روانی: جایگاه آزمون‌ها و نحوه تعیین نمره برش و اعتباریابی»، *سلامت روان*، سال اول، ش ۱، ص ۳۹-۵۲.
- Abu-hilal, M, & Zayed, K, 2011, Optimism and Pessimism of Physical Education and non-Physical Education Student: Invariance of structure, *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*, 9(3), p. 1267-1284.
- Bamonti, P, et al, 2016, Spirituality attenuates the association between depression symptom severity and meaning in life, *Journal of Aging & Mental Health*, 20 (5), p. 494-499.
- Besser, A, & Zeigler-Hill, V, 2012, Positive Personality Features and Stress among First-Year University Students: Implications for Psychological Distress, Functional Impairment, and Self-Esteem, *Journal of Self and Identity*, n. 13, p. 24-44.
- Conversano, C, et al, 2010, Optimism and Its Impact on Mental and Physical Well-Being, *Journal of Clinical Practice and Epidemiology in Mental Health*, n. 6, p. 25-29.
- Ghotbzadeh Kermani N, Banna Zadeh Mahani N, 2014, Relationship between psychological hardiness, their resiliency and hope to psychological well-being of nursing students of Kerman Razi University in the academic Year 2014-2015, *Journal UMP Social Sciences and Technology Management*, 3 (3), p. 193-196.
- Hartz GW, 2005, *Spirituality and Mental Health: Clinical Applications*, New York, Haworth press.
- Hutz, C, et al, 2014, The Relationship of Hope, Optimism, Self-Esteem, Subjective Well-Being, and Personality in Brazilians and Americans, *Journal of Psychology*, 5, p. 514-522.
- Johnson, K, et al, 2011, Which domains of spirituality are associated with anxiety and depression in patients with advanced illness?, *Journal of General Internal Medicine*, 26 (7), p. 751-758.
- Kim, E, et al, 2017, Optimism and Cause-Specific Mortality: A Prospective Cohort Study, *American Journal of Epidemiology*, 185 (1), p. p. 21-29.
- Mohr, S, et al, 2011, Spirituality and religiousness as predictive factors of outcome in schizophrenia and schizo-affective disorders, *Journal of Psychiatry Research*, 30 (186), p. 177-182.
- Mohr, W, et al, 2006, Spiritual issues in psychiatric care, *Perspectives in Psychiatric Care*, 42(3), p. 174-183.
- Paloutzian, RF, et al, 1982, spiritual well-being and the quality of life, In: Peplau, LA.; Perlman, D., editors. Loneliness: A sourcebook of current theory, research, and therapy, New York, *Wiley-Interscience*, 6(2), p. 224-237.
- Scheier, F, & Carver, S, 1994, Distinguishing optimism from neul roticism (and trait anxiety, self-mastery, and self-esteem): Reevaluation of the oriental tion test, *Journal of Personality And Social Psychology*, 67, p. 1063-1078.
- Snyder, CR, & Lopez, S, 2003, Striking a balance: A complementary focus on human eakness

- and strength, Models and measures of positive assessment, Washington, *DC: American Psychological Association*, 9 (2), p. 298-306.
- Solberg Nes, L, & Evans, D, 2009, Optimism and college retention:Mediation by motivation, performance, and adjustment, *Journal of Applied Social Psychology*, 39, p. 1887-1912.
- Tindale, A, et al, 2009, Optimism, cynical hostility, and incident coronary heart disease and mortality in the Women's Health Initiative, *Circulation*, 120, p. 656-662.



نقش همانندی / تضاد ویژگی شخصیتی درون‌گرایی / برون‌گرایی و پابندی مذهبی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی

جواد مصلحی / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، جامعه‌المصطفی العالمیه، ایران، قم javadmoslehi1@gmail.com

حسین رضاییان بی‌بندی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ایران، قم

h.rezaeiyan60@gmail.com

امین رحمتی / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی، جامعه‌المصطفی العالمیه، ایران، قم Rahmaty2000@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۶ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش همانندی / تضاد ویژگی شخصیتی درون‌گرایی / برون‌گرایی و پابندی مذهبی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی بود. این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی می‌باشد و به روش پس‌رویدادی انجام شده است. بدین منظور، ۲۳۲ نفر (۱۱۶ زوج) از دانشجویان دانشگاه بجنورد و دانش‌پژوهان مؤسسه امام خمینی که حداقل یک سال از زندگی مشترک آنها گذشته بود، با استفاده از پرسش‌نامه‌های «شخصیت نو» کاستا و مک‌کری، «پابندی مذهبی» جان‌بزرگی و «رضایت زناشویی اسلامی» جدیری مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها به کمک شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T، آزمون F، آزمون LSD و تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی درون‌گرایی / برون‌گرایی تأثیر خاص و معناداری بر سطح رضامندی زناشویی ندارد. همچنین میان همانندی / تضاد این ویژگی شخصیتی با رضامندی زناشویی نیز رابطه‌ای پیدا نشد. بنابراین، ترکیب مطلوبی از زوجین را برای پیش‌بینی بیشترین سطح رضامندی زناشویی نمی‌توان ارائه داد. نتیجه دیگر اینکه در زوجینی که از نظر درون‌گرایی / برون‌گرایی با یکدیگر متفاوت بودند، پابندی آنان به مذهب نیز متفاوت می‌شد. همچنین افراد درون‌گرا و برون‌گرا در میزان پابندی مذهبی متفاوت‌اند، اما میان پابندی مذهبی زوجین با رضامندی زناشویی آنها رابطه معنادار مثبت وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: رضایت زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی، درون‌گرایی، برون‌گرایی، پابندی مذهبی.

خانواده به‌عنوان واحدی اجتماعی، دربرگیرنده بیشترین و عمیق‌ترین مناسبات انسانی است. علاوه بر اینکه، منبع اولیه نیازهای اساسی فرد محسوب می‌شود، موقعیت‌های متعددی را برای یادگیری و شکل‌گیری نگرش‌ها و تشکیل باورهای فرد فراهم می‌آورد. در کنار مسئولیت آموزشی و تربیتی، خانواده در رفع نیازهای جسمانی و روانی و انتقال ارزش‌های اجتماعی نقش بسیار مؤثری دارد. فرد در بستر خانواده خواست‌های جامعه را می‌آموزد و این شناخت او را به‌گزینه رفتارهای معین رهنمون می‌سازد (مصلحی، ۱۳۹۱، ص ۱).

ازدواج، یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی است که فرد در طی زندگی خود با آن مواجه می‌شود و رضایتمندی از ازدواج یکی از اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی و شروع شکل‌گیری یک دوران جدید در زندگی فرد است. برای رضامندی زناشویی، تعاریف متعددی ارائه شده است. وینچ بر این باور است که رضایتمندی زوجین، انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است؛ یعنی انطباق بین انتظاراتی که فرد از زندگی زناشویی دارد و آنچه در زندگی خود تجربه می‌کند (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰). کسی که در فکر ازدواج است و یا ازدواج می‌کند، انتظار دارد که این زندگی با خوشبختی و سعادت و رضایت همراه باشد و از همه لحظات زندگی خود لذت ببرد. بنابراین، آنچه از خود ازدواج اهمیت بیشتری دارد، موفقیت در ازدواج و رضامندی میان زوجین است. در دهه ۹۰ میلادی، مطالعات علمی پیرامون رضایت زناشویی توجه زیادی را به خود جلب کرد. در مقایسه با یافته‌های علمی دهه‌های گذشته، در دهه ۹۰ میلادی حجم بسیاری از مطالعات به جنبه‌های مختلف رضایت زناشویی اختصاص داشته است (برادبری (Bradbery) و همکاران، ۲۰۰۰، ص ۹۶۶). سینه‌ها و ماکرجس (Sinha & Mukerjes) (۱۹۹۰) معتقدند: رضامندی زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. سازگاری از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش، درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۴). لاسول و لاسول، آن را فرایندی می‌دانند که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید؛ زیرا لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت ویژگی‌های شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مروده‌ای است (همان). بریچلر (Brichler)، معتقد است که تأثیر فراوان رضایت زناشویی بر تداوم خانواده و عمق ارتباط بر کم بودن اختلافات زناشویی که بر فضای روحی زوجین و طرز تربیت فرزندان تأثیرگذار است، در سایه میزان شناخت زوجین از یکدیگر صورت می‌گیرد (موسوی و همکاران، ۱۳۸۶).

در اسلام، پیمان زناشویی، محکم‌ترین قرارداد اجتماعی است که می‌توان آن را ناشی از روابط شدید و رحمت متقابل بین زن و شوهر دانست که در قرآن به آن اشاره شده است: «و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند» (روم: ۲۱). با توجه به اینکه رابطه زناشویی و ازدواج، در واقع پیوند دو شخصیت است، بنتلر و نیوکمب (Bentler & Newcomb)، در یافته‌های

پژوهشی خود نشان دادند که عوامل و ابعاد شخصیتی بهتر از متغیرهای تقویمی مانند سن، تحصیلات یا سابقه جدایی در گذشته، کیفیت رابطه زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (محمدزاده ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷).

یکی از مهم‌ترین عوامل رضامندی زناشویی، شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی زوجین است. به هنگام انتخاب همسر، علاوه بر عوامل عینی نظیر مذهب، طبقه اجتماعی، نحوه لباس پوشیدن، سن، قیافه و سطح تحصیلات، باید به عوامل زیربنایی از جمله ویژگی‌های شخصیتی نیز توجه شود (نظری، ۱۳۸۸، ص ۵۸). در عین حال، نقش عوامل و متغیرهای کلانی همچون وضعیت اقتصادی، کاهش درآمد خانوار، بیکاری، تحصیلات، مذهب، سن و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی را نباید در افزایش نارضایتی‌ها و ناسازگاری‌های زناشویی نادیده گرفت. اکثر پژوهشگران، از عواملی مانند صفات و ویژگی‌های شخصیتی که در بلندمدت و به صورت پایدارتری رضایت زوجین از زندگی زناشویی‌شان را متأثر می‌سازد، غفلت کرده‌اند. به همین دلیل، ضروری است با دیدگاهی آسیب‌شناختی به علل درون‌فردی ناسازگاری‌ها و نارضایتی‌های زناشویی و عدم موفقیت در ازدواج‌ها پرداخته و نقش عوامل شخصیتی در رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گیرد (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). ویژگی‌های شخصیتی، به‌عنوان مجموعه سازمان‌یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و پایدار در افراد که بر روی هم، یک فرد را از فرد یا افراد دیگر متمایز می‌سازد، می‌تواند بر رضامندی زناشویی تأثیرگذار باشد (دانش، ۱۳۸۴).

دونلان (Donnellan) و همکاران، با اشاره به تحقیقات متعدد انجام شده، بر این نکته تأکید دارند که رضایت زناشویی بیش از همه، از ویژگی‌های شخصیتی زوجین متأثر است. در واقع، رابطه زناشویی پیوند دو شخصیت است و هر یک از همسران با پیشینه تحولی، سبک شخصیتی، ترکیب عوامل زیست‌شناختی و تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می‌گذارند (دونلان، ۲۰۰۴، ص ۴۸۳). تحقیق قلی‌زاده و همکاران، نشان داد که برون‌گرایی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد رضایت زناشویی با آن همبستگی مثبت دارد. این یافته با نتایج تحقیقاتی دیگر نیز همسو است. در توضیح این یافته به نظر می‌رسد که عامل برون‌گرایی با هیجانات مثبت از قبیل بشاش بودن، خوش‌بینی، عشق و صمیمیت ارتباط دارد. افرادی که در برون‌گرایی نمره بالایی می‌گیرند، معمولاً احساسات و عواطف خود را به‌راحتی بروز می‌دهند و دارای قدرت بازداری کمی هستند. اجتماعی بودن و فعال بودن از خصوصیات این افراد است. همه این موارد بر روابط زن و شوهر تأثیر مثبتی دارد. برون‌گرایی به‌صورت مثبت با سلامت هیجانی ارتباط دارد و کسانی که در برون‌گرایی نمره بالایی کسب می‌کنند بهتر از آنهایی که نمره کمی در برون‌گرایی کسب می‌کنند، قادر به کنار آمدن با استرس‌های روزمره هستند (قلی‌زاده، ۱۳۸۹). افراد درون‌گرا، به‌واسطه صفاتی نظیر عدم فعالیت، محتاط بودن، فکور بودن، مردم‌گریزی، بدبینی، خودداری و غیره بیشتر در درون خود و با خود سرگرم هستند و قدمی برای برقراری ارتباط بیشتر با طرف مقابل برنمی‌دارند. اگر هم اقدام به برقراری ارتباط کنند، چون نتیجه مطلوبی نمی‌گیرند، تجربه منفی حاصله موجب درون‌گرایی بیشتر در آنها می‌شود. اما برون‌گرایان به‌واسطه صفات مردم‌آمیزی، معاشرت، سهل‌گیری، سرزندگی، پرحرفی، پاسخ‌دهندگی و غیره

رضایت بیشتری از با هم و در کنار هم بودن دارند و به واسطه ویژگی‌های شخصیتی خاص، سهل‌گیر هستند و از اشتباهات دیگران چشم‌پوشی می‌کنند و چون پرحرف هستند، همیشه حرفی برای گفتن به دیگران و گذراندن ساعاتی را در کنار دیگران از جمله همسر و دوستان خود دارند (دانش، ۱۳۸۴). ساترک (Santrock) (۱۹۹۱)، مهم‌ترین عامل مؤثر در یک ازدواج موفق را تشابه در شخصیت افراد دانسته است. عامل تشابه در شخصیت در کنار عوامل دیگر همچون سن، مذهب، نژاد، نگرش، هوش و سطح فرهنگ قرار دارد (مصاحبی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱). ارزیابی صفات و ویژگی‌های شخصیتی زوجین و همین‌طور همانندی و تضاد در این ابعاد، می‌تواند نقش بسزایی در همسرگزینی‌های مناسب و جلوگیری از ناسازگاری‌ها و نارضایتی‌های زناشویی داشته باشد. شیوتا و لونسون (Shiota & Levenson) (۲۰۰۷)، در پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که شباهت بین همسران، در ابعادی مانند وضعیت اجتماعی - اقتصادی، زمینه تحصیلی و آموزشی، سن، قومیت، مذهبی، جذابیت جسمانی، هوش، نگرش‌ها و ارزش‌ها سطوح بالاتری از رضایت زناشویی و احتمال کمتری از جدایی و طلاق را پیش‌بینی می‌کند. اما آیا واقعاً این شباهت و همانندی، در شخصیت زوجین افزایش رضایتمندی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند یا تضاد آنها نیز همین نتیجه را به دنبال خواهد داشت؟ برخی مطالعات نشان می‌دهند که برخی از افراد، کسانی را به‌عنوان همسر انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های مشابه با آنان داشته باشند. اولسون و نیمچک (Olson & Nemchek) (۱۹۹۹) همچنین رابینز و همکاران (۲۰۰۰) و گاتیس (Gattis) و همکاران (۲۰۰۴) و لوو و کلونن (Luo & Klohnen) (۲۰۰۵) دریافتند که شباهت زوجین در متغیرهای شخصیتی با رضایت بیشتر در روابط زناشویی همراه بود. محمدزاده ابراهیمی و همکاران نیز در پژوهش خود نشان دادند که میان همانندی زوجین در بُعد برون‌گرایی با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه، با پژوهش‌های اولسون و نیمچک (۱۹۹۹) و لوو و کلونن (۲۰۰۵)، همسو است. اما در برخی مطالعات دیگر، توسط واتسون (Watson) و همکاران (۲۰۰۴)، دریر و هورویتر (Dreier & Horowitz) (۱۹۹۷) و شیوتا و لونسون (۲۰۰۷) هیچ تأییدی برای ارتباط بین این دو پیدا نشد (محمدزاده ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷).

دانش با بررسی ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی / برون‌گرایی و همانندی / تضاد آنها بر رضایت زناشویی نشان داد که همانندی زوجین در برون‌گرایی به افزایش رضایت زناشویی و همانندی آنها در درون‌گرایی به کاهش رضایت زناشویی منتهی می‌شود و تضاد هنگامی به افزایش رضایت زناشویی منتهی می‌شود که زن درون‌گرا و شوهر برون‌گرا باشد، نه برعکس آن (دانش، ۱۳۸۴). همچنین، در پژوهش مذکور بالاترین سطح رضامندی زناشویی مربوط به ازدواج درون‌گرا و برون‌گرای متوسط با یک فرد درون‌گرا است که به‌واسطه ویژگی‌های متعادل‌لی که از نظر سطح فعالیت، مردم‌آمیزی و انگیزتگی دارند، سازگاری و رضامندی زناشویی آنها افزایش می‌یابد.

عامل مهم دیگری که در رضایتمندی زناشویی تأثیرگذار است، مربوط به حوزه دینداری است. در این باره تحقیقات، رابطه مثبت و معناداری بین دینداری و مذهبی بودن با رضامندی زناشویی، سازگاری زناشویی، ثبات ازدواج،

تقدس‌نگری نسبت به ازدواج، تعهد زناشویی، کارکرد خانواده، کیفیت ازدواج، عملکرد ازدواج، همدلی زناشویی، صمیمیت زناشویی و مهارت حل‌تعارض یافته‌اند. همچنین، دریافته‌اند که دینداری و مذهبی بودن، رابطه‌ای منفی و معنادار با احتمال طلاق و تعارض زناشویی دارد (فینبرگ و لومن (Fineberg & Lowman)، ۱۹۷۵؛ لطف‌آبادی، ۱۳۸۴؛ موهانی و دیگران، ۱۹۹۹؛ مارش و دالاس (Marsh & Dallos)، ۲۰۰۱؛ باتلر (Butler) و همکاران، ۲۰۰۲).

دین می‌تواند در جایگاه نظام پیچیده اجتماعی، بر رفتار و بازخوردهای مهم از جمله برنامه‌ریزی، خانواده، کار، چگونگی تفسیر زندگی روزانه و برداشت از امور مختلف تأثیر بسزایی داشته باشد (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷). بسیاری از دانشمندان، استرس و فشارهای روانی، به‌خصوص مشکلات روان‌شناختی را در ارتباط با دورافتادگی انسان‌ها از مذهب و دین می‌دانند و معتقدند: مذهبی بودن اثر بحران‌های شدید زندگی را تعدیل می‌کند (غرابی و همکاران، ۱۳۸۷).

استاد مصباح‌یزدی می‌گوید: برای «دین» معانی اصطلاحی متعددی نیز بیان شده است. در تعریف برگزیده، دین مجموعه‌ای از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها است (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹). مذهب نیز شعبه و شاخه دین محسوب می‌شود. مقصود از «مذهب»، این است که در میان پیروان یک دین، به دلیل اندیشه‌های ویژه، یا برداشت و تفسیر خاص و جز آن، گروهی خود را از دیگران جدا می‌کنند. از این‌رو، پایبندی مذهبی، ناظر به پذیرش شناختی، هیجانی و رفتاری انسان نسبت به مذهب است.

مهوری، در مقاله‌ای که به تبیین دین، دینداری و شاخص‌های آن از نگاه علامه طباطبائی می‌پردازد، درباره حد نصاب دینداری می‌نویسد: «دینداری، همان ایمان و اعتقاد قلبی همراه با اعمال شایسته و نیکوست و لازمه ایمان، علم و آگاهی است» (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۲۳). بنابراین، علم تنها بدون التزام و دلبستگی و اینکه عملی به دنبال داشته باشد، دینداری نیست. همچنین، اعتقاد بدون عمل نیز دینداری نیست و شخص معتقدی را که عملی به جا نیاورد، نمی‌توان دیندار به‌شمار آورد، بلکه از نظر علامه طباطبائی، اعتقادی که همراه عمل نباشد، در حقیقت اعتقاد و ایمان نیست و تنها علم و آگاهی به حقانیت دین است.

شناسایی برخی اصول اخلاقی و پشتیبانی از اصول اخلاقی و ضمانت اجرایی آنها، از جمله کارکردهای دین شمرده می‌شود. دین و اعتقاد به عالم دیگر، به حیات مادی انسان معنا و مفهوم دیگری می‌دهد و اصول قابل احترامی مانند ایثار و فداکاری را تقویت می‌کند (قردان قراملکی، ۱۳۸۲). از نگاه پارگمنت (Pargament) و همکاران (۱۹۹۸)، راهکارهای مقابله دینی در انواع شخصی (مانند ایمان و دعا) و اجتماعی (مانند شرکت فعال در مسجد و طرح مشکلات با روحانی) یا مثبت (آنهايي که با هیجان‌های مثبت مانند حمایت، دلسوزی یا امید مرتبط می‌شوند) و منفی (آنهايي که با هیجان‌های منفی مانند احساس گناه یا ترس از عذاب الهی مرتبط‌اند) راهکارهای کارآمد افراد مذهبی برای مقابله با تنش‌های روانی و مشکلات زندگی است. ثمربخشی یا صرف زمان و تلاش برای سودرسانی به دیگران، با بهزیستی بیشتر به‌ویژه در سنین میانسالی و بالاتر ارتباط دارد (صالحی و عباسی، ۱۳۸۸).

رابطه دینداری و پایبندی مذهبی، با متغیرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌ها، رابطه مثبت

و معنادار این متغیر را با سلامت روان، شادکامی، رضایت از زندگی، احساس بهزیستی، هیجان مثبت، انعطاف‌پذیری، خودمهارگری و تسلط بر احساس درماندگی را تأیید می‌کند. همچنین، رابطه منفی و معنادار دینداری و پایبندی مذهبی با بحران هویت، اختلال‌های روانی، مشکلات جسمی، روان‌پریش‌خوبی، نورزگرایی در پژوهش‌ها به اثبات رسیده است (هراتیان، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵).

توجه به این مفاهیم اصول اخلاقی، دینداری و پایبندی مذهبی و ملاحظه نتایج پژوهش‌های انجام شده، نقش تقیدات مذهبی را در رضایت و سازگاری زناشویی مورد تأیید قرار می‌دهد؛ تقیداتی که در این پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارتند از: اقامه نماز، روزه، تلاوت قرآن، اهتمام به نماز، شرکت در نماز جماعت و جمعه، انجام امر به معروف و نهی از منکر، انجام واجبات دینی از روی علاقه، نوع پوشش، گرایش به مد روز، رعایت حد در پوشش، ارتباط با نامحرم، توجه به مادیات، اعتقاد به پول به‌عنوان حلال همه مشکلات، اعتماد به مذهب به‌عنوان کلید خوشبختی، میزان توکل به خدا برای حل مشکلات زندگی. بی‌تردید انسان‌های خداشناس و دین‌باور و پیروان احکام و شریعت اسلام، ملاک تدین را به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی در انتخاب برای ازدواج مورد توجه قرار می‌دهند: پوشش، حجاب و نگاه خود را محافظت می‌کنند (سه عاملی که زمینه انحرفات اخلاقی هستند)؛ همسر خود را به‌عنوان بنده خدا قبول داشته و از ظلم و ستم بر او پرهیز می‌کنند. در روابط خود با همسر، ضمن رعایت اصول بهداشتی با صداقت، عطوفت و مهربانی رفتار می‌کنند و همه رفتار و کردارشان، حتی روابط جنسی با همسر جهت‌گیری الهی دارد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که رضایت زناشویی متأثر از میزان تقیدات مذهبی افراد است. از این رو، احمدی و همکاران در پژوهشی نشان دادند که تقیدات مذهبی در میزان سازگاری زناشویی نقش دارد. نتایج این پژوهش نشان داد افرادی که دارای تقیدات مذهبی بسیار زیاد بودند نسبت به افرادی که تقیدات مذهبی‌شان زیاد بود به‌طور معناداری سازگاری زناشویی بیشتری داشتند. میزان تقیدات مذهبی به‌طور معناداری با سازگاری زناشویی رابطه مثبت داشت. بر این اساس، می‌توان میزان پایبندی مذهبی و رشد معنوی افراد را به‌عنوان عامل مهم در میزان سازگاری و رضایت زناشویی معرفی کرد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۵).

همچنین، جریگان و ناک پس از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که دین بهترین عامل ثبات و پایداری در ازدواج و زندگی زناشویی است (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷). گزار اثر عمل به باورهای دینی و عبادی بر سازگاری زندگی زناشویی را در دو نمونه متشکل از ۲۰۸ زوج، که به‌طور مساوی از چهار گروه دینی انتخاب شده بودند، بررسی کرد (گراتر، ۱۹۸۵، ص ۵۴). وی نشان داد که ارتباط مثبتی بین اعمال دینی و سازگاری در تمامی گروه‌های دینی وجود دارد. مولینر و همکاران طی پژوهشی به بررسی رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی و شادکامی پرداختند (مولینر و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۶۸). نتایج نشان داد که دینداری به‌گونه‌ای معنادار با سازگاری زناشویی و شادکامی همسران رابطه دارد. ماهونی و همکاران، پس از بررسی تحقیقات خود، به این نتیجه رسیدند که عمل به باورهای دینی موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی

و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده و در نهایت، موجب فزونی رضایت‌مندی زناشویی گردیده است (ماهونی و همکاران، ۱۹۹۹، ص ۳۳۲). کیم و همکاران به این نتیجه دست یافتند که عمل به باورهای دینی، با هیجان‌ات و عواطف مثبت مانند خوش‌حُلقی، شادکامی، مهربانی، اعتماد به نفس، توجه و آرامش رابطه مثبت دارد (کیم و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۸۶۸). مک‌نتلی و همکاران، نشان دادند که دین تأثیر قابل‌توجهی در سازگاری دارد و از آن می‌توان در کارهای بالینی و مشاوره‌ای نیز استفاده کرد (مک‌نتلی و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۹۷).

لازم است مشاوران و روان‌شناسان خانواده از یافته‌های روان‌شناختی در این حوزه سود جویند و از ازدواج‌های نافرجام پیشگیری کنند و میزان عدم رضایت زناشویی، اختلافات خانوادگی، طلاق و آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از آن بر خانواده‌ها را کاهش دهند و بدین ترتیب، بهداشت روانی خانواده‌ها را تأمین کنند.

از آنجا که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در رابطه با بررسی رضایت زناشویی و متغیرهایی مانند جهت‌گیری مذهبی و پایبندی مذهبی بر روی یکی از زوجین انجام شده است و پژوهش‌های اندکی به بررسی رضایت زناشویی زوجین پرداخته‌اند، این پژوهش در پی مطالعات انجام شده درباره نقش ویژگی‌های شخصیتی و نیز پایبندی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین در کنار یکدیگر شکل گرفته و هدف آن، کشف رابطه همانندی/ تضاد ویژگی شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی و رضامندی زناشویی و بررسی نقش پایداری مذهبی در این دو متغیر است. بنابراین، این پژوهش به دنبال آزمودن این فرضیه‌ها است:

۱. میان همانندی ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی و سطح رضایت زناشویی، همبستگی معناداری وجود دارد.
۲. میان پایبندی مذهبی با ویژگی شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی همبستگی معناداری وجود دارد.
۳. میان پایبندی مذهبی و سطح رضایت زناشویی زوجین، همبستگی معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع پژوهش‌های توصیفی به شیوه همبستگی است که به روش پس‌رویدادی انجام شده است. جامعه آماری، دانشجویان متأهل دانشگاه بجنورد و دانش‌پژوهان متأهل مقاطع تحصیلات تکمیلی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ق) قم، در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ بودند که حداقل یک سال از ازدواج آنها گذشته است. با اینکه لیندمن (Lindeman) و همکاران (۱۹۸۰)، بیان کرده‌اند که برای پژوهش‌های همبستگی، ۱۰۰ نمونه کفایت می‌کند (هومن، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹؛ هومو، ۱۳۸۵، ص ۶۸)، اما نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و به حجم ۲۳۲ نفر (۱۱۶ زوج)، بر حسب جدول تعیین نمونه حجم نمونه مورگان (نادری و سیف‌نراقی، ۱۳۹۰، ص ۷۲)، انتخاب شد. پس از توزیع پرسش‌نامه‌ها، ۹۲ نفر (۴۶ زوج) از دانشگاه بجنورد و ۱۴۰ نفر (۷۰ زوج) از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ق) قم پرسش‌نامه‌ها را به‌صورت کامل پاسخ دادند. اطلاعات حاصل به وسیله نرم‌افزار

SPSS و به کمک شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T، آزمون F، آزمون LSD و تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

آزمون شخصیت (NEO-FFI-60)، کوستا و مک‌کری (Costa & McCrae) در سه مرحله ساخت و تجدیدنظر آزمون، پرسش‌نامه‌ای را تنظیم کرده‌اند که به پرسش‌نامه «تجدیدنظر شده شخصیت» (NEO-PI-R) شهرت دارد که پنج عامل اصلی در شخصیت؛ یعنی روان‌آزرده‌خویی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق‌گرایی و باوجدان بودن را می‌سنجد (جوادی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۳۳). همچنین، ضریب آلفای این پرسش‌نامه، در عوامل مختلف تست بین $0/۸۶ - 0/۹۵$ است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰-۲۳۵). این آزمون، دارای ۶۰ بُعد بوده و پنج صفت اصلی را مورد سنجش قرار می‌دهد و برای هر عامل، ۱۲ بُعد طراحی شده است. هر بُعد، برحسب پاسخی که دریافت می‌کند، از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده است. لازم به یادآوری است که برای اجرای این تست، افراد باید بالای هفده سال سن داشته باشند. در پژوهشی با استفاده از روش همسانی درونی نتایج آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد توافق‌پذیری، باوجدان بودن، برون‌گرایی و گشودگی به تجربه به ترتیب $0/۵۵$ ، $0/۷۹$ ، $0/۶۶$ و $0/۸۴$ و $0/۵۴$ به دست آمد (امانی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۹۶). همچنین، گروسی فرشی با استفاده از روش همسانی درونی نتایج آلفای کرونباخ برای هر یک از عوامل روان‌آزردگی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری، باوجدان بودن به ترتیب $0/۸۶$ ، $0/۷۳$ ، $0/۵۶$ و $0/۶۸$ و $0/۸۷$ به دست آورده است. روایی این آزمون از همبستگی بین دو شکل گزارش شخصی (S) و شکل ارزیابی مشاهده‌گر (F) استفاده شده است که حداکثر همبستگی به میزان ۶۶ درصد در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان ۴۵ درصد در عامل توافق‌پذیری بود. اعتبار این پرسش‌نامه با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب $0/۸۳$ ، $0/۷۵$ ، $0/۸۰$ ، $0/۷۹$ و $0/۷۹$ برای عوامل C, A, O, E, N به دست آمده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۰).

آزمون رضامندی زناشویی: این آزمون، دارای ۱۰ مؤلفه و ۵۰ سؤال می‌باشد که سهم هر یک از مؤلفه‌ها پنج سؤال می‌باشد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: صفات شخصیتی، ارتباط کلامی، حل اختلاف و تعارض، پایبندی‌های مذهبی زوجین، روابط جنسی، مدیریت مالی و اقتصادی، تفریح و اوقات فراغت خانواده، رفت‌وآمدهای فAMILI، تولید فرزند و فرزندپروری و نقش زن و شوهری (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳). اعتبار این پرسش‌نامه از طریق دونیمه‌سازی و ثبات درونی مورد بررسی قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه، برابر با $0/۸۷$ بیان شده است. ضرایب اسپیرمن براون، در صورت تساوی و عدم تساوی گویه‌ها $0/۸۱۶$ و با استفاده از ضریب دونیمه‌سازی گاتمن، $0/۸۱۵$ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که پرسش‌نامه از اعتبار نسبتاً بالایی برخوردار است. برای بررسی روایی این آزمون، از دو روش روایی محتوایی و روایی وابسته به ملاک از نوع همزمان نسبت به برآورد روایی استفاده شده است. روایی محتوایی آزمون با استفاده از روش همبستگی اسپیرمن در حدود $0/۹۰$ به دست آمده است که در سطح

($P < 0/0001$) معنادار است. همچنین، روایی وابسته به ملاک از نوع همزمان نیز با استفاده از تست معادل به‌دست‌آمده است. برای بررسی این نوع روایی، ضریب همبستگی میان نمرهٔ کل آزمون مذکور با نمرهٔ کل پرسش‌نامهٔ رضامندی زناشویی انریچ محاسبه شد که ضریب همبستگی $0/726$ در سطح معناداری کمتر از $0/01$ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که پرسش‌نامه از روایی نسبتاً بالایی برخوردار است. این پرسش‌نامه، دارای دو نسخه ویژه خانم‌ها و آقایان است که در پنج سؤال مربوط به نقش زن و مرد با یکدیگر تفاوت دارند. نمره‌گذاری سؤال‌ها به‌صورت (۴، ۳، ۲، ۱ و ۰) است. حداکثر نمرهٔ آزمودنی در این پرسش‌نامه، برابر با ۲۰۰ است. نمرهٔ بالاتر، نشانهٔ رضامندی بیشتر زناشویی است (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲).

آزمون پابندی مذهبی: آزمون پابندی مذهبی بر اساس قرآن کریم و نهج‌البلاغه و برای سنجش رفتارهای مذهبی توسط جان‌بزرگی ساخته شده است. با استفاده از روش تحلیل عاملی، مشخص گردید که آزمون از همسانی درونی مطلوبی برخوردار بوده و پایایی کل آزمون (آلفای کرونباخ) برابر $0/816$ می‌باشد. برای روایی‌سازی، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل اکتشافی قرار گرفت و کفایت گروه نمونه با آزمون کیسر (Keiser)، مایر (Meyer) و ال‌کین (Olkin) (kmo) بررسی شد و عدد 897 درصد به‌دست آمد (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۹۰). این مقیاس، دارای ۶۰ سؤال است که همانند تست جهت‌گیری مذهبی آپورت، در یک طیف لیکرت چهار درجه‌ای قرار دارند. نمره‌گذاری این آزمون، بر اساس مقیاس لیکرتی است. این آزمون، چهار درجه‌ای و بدون گزینهٔ «حد وسط» می‌باشد؛ زیرا این شیوه پاسخ‌دهی از انباشته شدن نمره‌ها در حد وسط جلوگیری می‌نماید. نمرهٔ کلی پابندی مذهبی، با جمع همهٔ نمرات ۶۰ سؤال به‌دست آورده می‌شود. در نهایت، برای تقسیم آزمودنی‌ها به دو گروه «پابند به مذهب» و غیر آن، میانگین گروه نمونه را به‌دست آوردیم که افراد بالای میانگین به‌عنوان پابند به مذهب و افراد زیر میانگین به‌عنوان ناپابند به مذهب محسوب شدند (مصلحی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳).

یافته‌های پژوهش

برای بررسی رابطهٔ میان ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی و رضایت زناشویی ابتدا شاخص‌های آماری رضایت زناشویی را بر اساس حالت‌های مختلف درون‌گرایی/ برون‌گرایی تمامی آزمودنی‌ها اعم از مرد و زن در جدول ۱ مورد بررسی قرار داده شده است.

جدول ۱. توصیف شاخص‌های رضایت زناشویی بر اساس حالت‌های مختلف درون‌گرایی/ برون‌گرایی همهٔ آزمودنی‌ها

درون‌گرایی/ برون‌گرایی	تعداد	میانگین نمرهٔ رضایت زناشویی	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
درون‌گرای افراطی	۶۹	۱۴۱/۶۶۶۷	۱۸/۴۷۵۴۷	۹۶/۰۰	۱۷۹/۰۰
درون‌گرای عادی	۳۸	۱۴۵/۵۷۸۹	۱۵/۹۰۴۵۰	۱۱۳/۰۰	۱۷۵/۰۰
برون‌گرای عادی	۴۴	۱۴۶/۹۰۹۱	۱۹/۸۶۰۹۳	۸۸/۰۰	۱۷۸/۰۰
برون‌گرای افراطی	۸۱	۱۴۱/۴۶۹۱	۱۸/۳۷۹۸۳	۱۰۰/۰۰	۱۷۷/۰۰
کل	۲۳۲	۱۴۳/۲۳۲۸	۱۸/۳۱۵۳۵	۸۸/۰۰	۱۷۹/۰۰

برای بررسی میزان تفاوت حالت‌های مختلف، ویژگی شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی در سطح رضایت زناشویی، از تحلیل واریانس یک‌طرفه میان آزمودنی‌ها استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس میان ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی و رضایت زناشویی

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	بین گروه‌ها
۰/۳۰۳	۱/۲۲۱	۴۰۸/۳۴۲	۳	۱۲۲۵/۰۲۵	
		۳۳۴/۴۹۳	۲۲۸	۷۶۲۶۴/۴۰۶	
			۲۳۱	۷۷۴۸۹/۴۳۱	کل

از آنجایی که ($P > ۰/۰۵$) است، تفاوت معناداری میان حالت‌های مختلف درون‌گرایی/ برون‌گرایی و رضامندی زناشویی تأیید نمی‌شود.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیر همانندی/ تضاد ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی زوجین

متغیر	همانندی/ تضاد درون‌گرایی/ برون‌گرایی زوجین	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد
رضامندی	همانند	۵۷	۱۴۴/۶۴۹۱	۱۵/۵۱۳۸۱	۳/۰۵۴۸۵
زناشویی	متضاد	۵۹	۱۴۱/۸۶۴۴	۱۵/۰۰۶۸۵	۱/۹۵۳۷۲

جدول ۴. مقایسه میانگین نمرات آزمودنی‌ها برای تعیین تفاوت همانندی و تضاد ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی در رضایت زناشویی

آزمون T برای برابری میانگین‌ها			آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها			متغیر	
تفاوت خطای استاندارد	تفاوت میانگین	سطح معناداری دوسویه	df	T	F		
۲/۸۳۳۷۶	۲/۷۸۴۷	۰/۳۲۸	۱۱۴	۰/۹۸۳	۰/۷۸۶	۰/۰۷۴	فرض برابری واریانس‌ها
۲/۸۳۵۴۰	۲/۷۸۴۷	۰/۳۲۸	۱۱۳/۴۷۶	۰/۹۸۲			رضایت فرض نابرابری واریانس‌ها

بر اساس جداول ۳ و ۴، از آنجایی که $۰/۰۵ > ۰/۷۸۶$ است و میانگین رضامندی زناشویی زوجین همانند و متضاد در ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی مانند یکدیگر می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی میان زوجین همانند یا متضاد از نظر ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی در سطح رضایت زناشویی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۵. مقایسه شاخص‌های آماری میان همانندی/ تضاد ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی و رضامندی زناشویی زوجین

کل	همانندی/ تضاد درون‌گرایی/ برون‌گرایی زوجین		شاخص‌های آماری	متغیر	
	متضاد	همانند			
۱۱	۶	۵	فراوانی	رضامندی زناشویی زوجین	متوسط زیاد خیلی زیاد
۹/۵	۱۰/۲	۸/۸	درصد گرایش به همانندی درون‌گرایی/ برون‌گرایی زوجین		
۹۲	۴۹	۴۳	فراوانی		
۷۹/۳	۸۳/۱	۷۵/۴	درصد گرایش به همانندی درون‌گرایی/ برون‌گرایی زوجین		
۱۳	۴	۹	فراوانی	کل	
۱۱/۲	۶/۸	۱۵/۸	درصد گرایش به همانندی درون‌گرایی/ برون‌گرایی زوجین		
۱۱۶	۵۹	۵۷	فراوانی		
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد گرایش به همانندی درون‌گرایی/ برون‌گرایی زوجین		

بر اساس جدول ۵، می‌توان معنادار نبودن تفاوت همانندی یا تضاد ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی را مشاهده کرد. به این ترتیب که زوجین همانندی که در رضامندی زناشویی نمره متوسط را به دست آورده‌اند، ۸/۸ درصد کل زوجین همانند را تشکیل می‌دادند. درحالی‌که زوجین متضادی که در رضامندی زناشویی نمره متوسط را کسب کرده‌اند، ۱۰/۳ درصد کل زوجین متضاد را تشکیل می‌دادند؛ یعنی تفاوت‌چندانی با یکدیگر ندارند. همچنین، میان زوجین همانند و متضادی که نمرات زیاد و خیلی زیاد را در رضامندی زناشویی کسب کرده‌اند تفاوت خاص و معناداری دیده نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت: میان همانندی و تضاد در ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی بر حسب رضامندی زناشویی تفاوت خاصی وجود ندارد.

فرضیه بعدی این پژوهش، این است که «میان پایبندی مذهبی با ویژگی شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی رابطه‌ای معنادار وجود دارد»؛ به این معنا که میزان پایبندی مذهبی افراد با تغییر ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی متفاوت خواهد بود. برای بررسی میزان تفاوت ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی در سطح پایبندی مذهبی، از آزمون T مستقل استفاده شد. میانگین نمرات پایبندی مذهبی دو گروه درون‌گرا و برون‌گرا که در جدول ۶ آمده است، با هم مقایسه شدند که نتایج آن در جدول ۷ گزارش شده است.

جدول ۶. شاخص‌های توصیفی متغیر ویژگی شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی بر اساس پایبندی مذهبی

متغیر	درون‌گرایی/ برون‌گرایی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
پایبندی مذهبی	درون‌گرا	۱۱۷	۶۰/۲۲۲۲	۱۵/۲۱۳۴۹	۱/۴۰۶۴۹
	برون‌گرا	۱۱۵	۶۹/۸۱۷۴	۱۴/۶۴۵۸۷	۱/۳۶۵۷۳

جدول ۷. مقایسه میانگین نمرات آزمودنی‌ها برای تعیین تفاوت ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی در پایبندی مذهبی

متغیر	آزمون لویین برای برابری واریانس‌ها		آزمون T برای برابری میانگین‌ها			
	F	سطح معناداری	T	df	سطح معناداری	تفاوت خطای استاندارد
پایبندی	۰/۳۱۶	۰/۵۷۵	-۴/۸۹۳	۲۳۰	۰	-۹/۵۹۵۱۷
زوجین			-۴/۸۹۴	۲۲۹/۹۰۱	۰	-۹/۵۹۵۱۷

بر اساس جداول ۶ و ۷ و از آنجایی که $0/05 < 0/575$ است، لذا میان دو گروه درون‌گرا و برون‌گرا تفاوت معناداری وجود دارد و می‌توان گفت: افراد برون‌گرا نسبت به افراد درون‌گرا، از پایبندی مذهبی بیشتری برخوردارند.

جدول ۸. توصیف شاخص‌های رضایت زناشویی بر اساس پایبندی مذهبی زوجین

پایبندی مذهبی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
هر دو پایبند	۴۱	۱۴۹/۵۹۵۷	۱۳/۰۴۹۹۲	۱۲۸/۰۰	۱۷۴/۵۰
هر دو ناپایبند	۴۷	۱۳۴/۶۷۰۷	۱۳/۸۳۷۷۲	۹۸/۵۰	۱۵۷/۰۰
یکی پایبند و دیگری ناپایبند	۲۸	۱۴۵/۰۸۹۳	۱۵/۲۳۴۶۲	۱۱۶/۵۰	۱۷۴/۵۰
کل	۱۱۶	۱۴۳/۲۳۲۸	۱۵/۲۵۵۷۱	۹۸/۵۰	۱۷۴/۵۰

جدول ۹. نتایج تحلیل واریانس میان پابندی مذهبی و رضایت زناشویی

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	بین گروه‌ها
۰/۰۰۰	۱۲/۹۹۶	۲۵۰۲/۵۳۲	۲	۵۰۰۵/۰۶۵	
		۱۹۲/۵۶۳	۱۱۳	۲۱۷۵۹/۶۵۱	درون گروه‌ها
			۱۱۵	۲۶۷۶۴/۷۱۶	کل

بر اساس نتایج جدول‌های ۸ و ۹ و از آنجایی که ($P < ۰/۰۵$) است، تفاوت میان گروه‌های پابندی مذهبی در رضامندی زناشویی معنادار خواهد بود. پس میان پابندی مذهبی و رضامندی زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.

در جدول ۱۰ نشان داده شده است که تفاوت کدام گروه با دیگری معنادار است.

جدول ۱۰. نتایج مقایسه چندگانه آزمون پس از واقعه میان سطوح پابندی مذهبی و رضایت زناشویی

سطح معناداری	تفاوت میانگین (ج - ب)	پابندی زوجین (ج)	پابندی زوجین (ب)	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۱۴/۹۲۵۰ (*)	هر دو ناپابند	هر دو پابند	رضامندی زناشویی
۰/۳۹۹	۴/۵۰۶۵	یکی پابند و دیگری ناپابند		
۰/۰۰۰	۱۴/۹۲۵۰ (*)	هر دو پابند	هر دو ناپابند	رضامندی زناشویی
۰/۰۱۱	۱۰/۴۱۸۶ (*)	یکی پابند و دیگری ناپابند		
۰/۳۹۹	۴/۵۰۶۵	هر دو پابند	یکی پابند و دیگری ناپابند	رضامندی زناشویی
۰/۰۱۱	۱۰/۴۱۸۶ (*)	هر دو ناپابند		

بر اساس جدول ۱۰، میان زوجینی که هر دو پابند به مذهب و زوجینی که هر دو ناپابند به مذهب هستند، تفاوت معناداری وجود دارد؛ زیرا ($P < ۰/۰۵$) است. همچنین، میان زوجینی که هر دو ناپابند به مذهب هستند، با زوجینی که فقط یکی از آنها پابند به مذهب است، چون ($P < ۰/۰۵$) است، تفاوت معنادار وجود دارد. اما میان زوجینی که هر دو پابند به مذهب هستند، و زوجینی که فقط یکی از آنها پابند به مذهب است، چون ($P > ۰/۰۵$) است، تفاوت معناداری نمی‌توان پیدا کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که ویژگی شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی، تأثیر معناداری بر سطح رضامندی زناشویی ندارد. نتایج این پژوهش، با پژوهش‌های احدی و همکاران (۱۳۸۶)، فاضل و همکاران (۱۳۹۰)، بوتوین و همکاران (۱۹۹۷)، توبین (Tobin) و همکاران (۲۰۰۰)، صادقی و همکاران (۱۳۸۱) همسو است که در تبیین آن می‌توان گفت: برون‌گرایی اهمیت چندانی در شکل‌دهی کیفیت روابط نزدیک، از جمله روابط زوجین، ندارد. این عامل شخصیتی، به‌طور عمده با تأثیرگذاری اجتماعی همبسته است (توبین و همکاران، ۲۰۰۰، ص ۶۵۸). افراد برای سلیقه‌های خود ارزش قائل هستند و از معاشرت با کسانی که انتخاب‌های آنها را تأیید می‌کنند لذت می‌برند. چه‌بسا از این راه عزت نفس آنها هم تقویت می‌شود. بنابراین، کسانی را به‌عنوان همسر انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های آنها را مورد تأیید قرار دهند، تا بدین‌وسیله در محیطی قرار گیرند که خصوصیات شخصیتی‌شان ثابت و پایدار باقی بماند (محمدزاده ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۶۷).

این امر در افراد درون‌گرا با داشتن خصوصیت محافظه‌کارانه‌ای، به این شکل است که در جهت حفظ ثبات و آرامش آنها، فردی را انتخاب کنند که مشابه خودشان باشند و همانند خود روحیه‌ای محافظه‌کارانه داشته باشند. بنابراین، گرایش به افرادی همانند خود، امری طبیعی به نظر می‌رسد. اما همان‌طور که شولتز بیان کرده، افرادی که از لحاظ روانی سالم هستند، بین دو نگرش درون‌گرایی/ برون‌گرایی تعادل برقرار می‌کنند و از دنیای درونی و بیرونی خود به‌طور برابر احساس آرامش کسب می‌کنند (شولتز، ۱۹۸۹، ص ۱۰۷). افراد درون‌گرا، در عین حالی که ممکن است آرام و کناره‌گیر باشند، اما در محیط خصوصی و خانوادگی که برای آنها به‌منزلهٔ حریم فردی محسوب می‌شود، افرادی دلسوز و عاطفی هستند. *دارابی* نیز معتقد است: درون‌گرایان، برون‌گرایی را در ناهشیار شخصی خود دارند و افراد برون‌گرا نیز به‌عکس، درون‌گرایی را در ناهشیار شخصی خود همراه دارند (دارابی، ۱۳۸۴، ص ۸۷). افراد برون‌گرا نیز که خوش‌بین، فعال و پُرحرف هستند، گرایش دارند تا در حریم خانوادگی خود نیز احساساتشان را بروز دهند؛ بنابراین، همنشینی و ازدواج با افرادی که مشابه با آنها باشند امری بدیهی است. اما پروین می‌گوید: «درون‌گرایان در مقایسه با برون‌گرایان، بیشتر تحت تأثیر رویدادها واقع شده و منعیات اجتماعی را ساده‌تر فرامی‌گیرند. بنابراین درون‌گرایان با خصوصیت خودداری بیشتر نسبت به برون‌گرایان و اینکه از بروز احساسات خود بیشتر جلوگیری می‌کنند، می‌توانند گرایش برون‌گرایان را بیش از پیش به خود جلب کنند» (پروین، ۱۹۹۳، ص ۱۴۸). شولتز نیز چنین نتیجه‌گیری کرده است که برون‌گرایان، ممکن است چنین افرادی را به‌عنوان همسر انتخاب کنند تا ویژگی‌های آنها را مورد تأیید قرار دهند تا از این طریق در محیطی قرار گیرند که خصوصیات شخصیتی‌شان ثابت و پایدار باقی بماند (شولتز، ۱۹۸۹، ص ۱۰۷).

نتیجهٔ دیگر اینکه، در زوجینی که از نظر ویژگی درون‌گرایی/ برون‌گرایی با یکدیگر متفاوت بودند، پابندی آنان به مذهب نیز متفاوت می‌شد؛ به‌گونه‌ای که هر یک از آنها که برون‌گراتر باشد، پابندی بیشتری نیز به مذهب خواهند داشت. رابطهٔ مثبت میان دینداری، معنویت و برون‌گرایی با پژوهش *آنتراپنر* و همکاران (۲۰۱۰) و بخش‌هایی از پژوهش *هنینگزگارد* و *آرنوی* (۲۰۰۸) و تا حدی پژوهش *لوکن هاف* و همکاران (۲۰۰۹) همسو است؛ اما با پژوهش‌های *تیلور* و *مک‌دونالد* (۱۹۹۹)، *ملنتف* و همکاران (۱۳۸۹)، *کشاورز* و همکاران (۱۳۸۸) و *جهانگیرزاده* و *قربانی* (۱۳۸۸) مطابقت ندارد. ممکن است این امر مربوط به نوع سنجش دینداری یا حتی نمونه خاص باشد. در تبیین این رابطه، می‌توان گفت: برون‌گرایی با دربرگیری ویژگی‌هایی مانند فعال و پرانرژی بودن، اجتماعی و اهل معاشرت بودن، شاد و خوش‌بین و مهربان بودن، با یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخص دیندار از نظر اسلام؛ یعنی ایجاد روابط عاطفی با دیگران، از قبیل رابطه با مؤمنان، والدین، معلمان، اهل کتاب و افراد بشر مطابقت دارد. بنابراین، اشخاص دارای این ویژگی‌ها، ممکن است به علت داشتن آمادگی‌های زیستی، تمایل بیشتری به ایجاد روابط فردی و اجتماعی مورد نظر دین اسلام داشته باشند و به تبع آن، در خرده‌مقیاس‌های دینداری، نمره‌های بالاتری به‌دست بیاورند (داوری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۴).

همچنین، این تحقیق نشان داد که میان پایبندی مذهبی و سطح رضایت زناشویی، رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد. می‌توان همسویی این پژوهش را با مطالعات گذشته به روشنی دریافت؛ چراکه همانند آنها در این تحقیق نیز زوجین هر دو پایبند به مذهب، از زوجینی که فقط یکی از آنها پایبند به مذهب بود، از رضامندی زناشویی بیشتری برخوردار بودند و آنها نیز از زوجین هر دو ناپایبند به مذهب بیشتر از زندگی زناشویی خود رضایت داشتند. از میان تحقیقات داخلی می‌توان به پژوهش‌های موسوی (۱۳۷۴)، حیدری (۱۳۸۵)، احمدی (۱۳۸۶)، نجفی (۱۳۸۹)، منجزی و همکاران (۱۳۹۱)، مصلحی (۱۳۹۲)، حیدری خورمیزی (۱۳۹۵) و از میان پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان به تحقیقاتی از جمله مطالعات الیسون و همکاران (۱۹۸۹)، دادلی و کونینسکی (۱۹۹۰)، آنتونی (۱۹۹۳)، اسنو و کاپتن (۱۹۹۶)، گیلن (۱۹۹۷)، سالیوان (۲۰۰۱)، فیس و تامکو (۲۰۰۱)، مارش و دالاس (۲۰۰۱)، هانلر و گنچوز (۲۰۰۵) و اورتیکنال و ونستیوگن (۲۰۰۶) اشاره کرد که همگی با نتایج این تحقیق همسو است. همچنین، ناکونزی و همکاران (۱۹۹۵)، فاکس و کلی (۱۹۹۵) و برنز (۲۰۰۴)، در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که افزایش فعالیت‌های مذهبی اگر چه روابط زناشویی را بهبود نمی‌بخشد و بر میزان شادی زندگی زناشویی، بهبود تعامل میان زوجین، کاهش تعارض‌ها و مشکلات روزمره تأثیر نمی‌گذارد، اما می‌تواند با افزایش تعهد اخلاقی، احتمال توجه به طلاق را کاهش دهد (صیادپور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹).

تأثیر پایبندی به مذهب در رضامندی زناشویی، بر اساس آموزه‌های دینی نیز تأیید می‌شود؛ چراکه زندگی زمانی شیرین و آرامش‌بخش است که فرد از خداوند و یادش غافل نبوده و نعمت‌هایش را فراموش نکند و همواره در طلب رضای الهی باشد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ص ۲۸)، در چنین زندگی‌هایی، خداوند به دلیل عمل صالح زن و شوهر، آنها را با حیات طیب زنده می‌کند (نحل: ۹۷). زن و شوهری که خواستار روابطی خوب و پرعاطفه بین خود هستند، باید روابط خود را با خداوند اصلاح کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۳۰۷). اگر چنین کنند، خداوند نیز روابط آنها را اصلاح می‌کند؛ هر قدر که زن و شوهر خود را با طاعت خداوند بیشتر زینت ببخشند (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۲)، خشم خداوند را از خود دور کرده و موجبات سعادت (همان، ص ۱۸۳) خود را در دنیا و آخرت فراهم می‌آورند (مصلحی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴). در تبیین روان‌شناختی این یافته می‌توان گفت: تقیدات مذهبی به بهبود روابط و تقویت و تحکیم آن میان زن و شوهر کمک می‌کند، وظایف والدینی را تسریع می‌کند، به والدین کمک می‌کند تا در زمینه‌ی روش‌های تربیت فرزند با هم توافق داشته باشند. افزون بر اینکه روابط مناسبی با فرزندان خود برقرار کنند، زن و شوهر دیدگاه فلسفی و اهداف مشترکی را در زندگی دنبال می‌کنند. همچنین، تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کند تا اوقات فراغت آنها در پیش خانواده و به همراه خانواده باشد و برنامه‌ریزی مناسبی در این زمینه داشته باشند. علاوه بر اینکه، تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کند تا تفاوت در سلیقه‌های یکدیگر را بپذیرند و با آن سازگار شوند، روابط مناسبی با اقوام و دوستان داشته باشند و ملزم به صلح‌رحم در برنامه‌ی زندگی خود

باشند. همچنین، بتوانند تعارضات بین خود و همسر را به خوبی حل کنند، برای درآمد و هزینه‌های خود برنامه‌ریزی کنند و بالاخره، روابط جنسی متقابلاً رضایت‌بخشی داشته باشند (میراحمدی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۶۱).

همچنین، بر اساس نتایج این پژوهش، روشن شد که همانندی زوجین در پابندی مذهبی بر سطح رضایت زناشویی تأثیرگذار بوده است که در این زمینه تحقیقات/حمدهی و همکاران (۱۳۸۵)، بنی‌اسدی (۱۳۷۵)، حق‌دوست (۱۳۷۴)، شرکات (۲۰۰۴) و نیز جین و همکاران با این نتایج همسو می‌باشد.

همانندی یا تضاد زوجین در این عوامل، نکته‌ای است که می‌تواند رسیدن آنها را به کسب رضایت هر چه بیشتر از زندگی پیش‌بینی کند. در این میان، تدین یکی از ارکان اساسی زندگی سعادت‌مندانانه است. در حدیث آمده است که رسول اکرم ﷺ فرمود:

زن را برای زیبایی‌اش به همسری نگیر، چه بسا ممکن است جمال زن موجب پستی و سقوط اخلاقی‌اش شود، و همچنین به انگیزه مالش با وی پیوند زناشویی برقرار مکن؛ زیرا مال می‌تواند مایه طغیان او گردد، بلکه به سرمایه دینش متوجه باش و با زن با ایمان ازدواج کن (فیض کاشانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۸۳).

همچنین، در قرآن کریم آمده است که مرد مؤمن با زن مؤمن ازدواج کند (نور: ۲۶؛ بقره: ۲۲۱). یکسان بودن زوجین در اعتقادات مذهبی و ایمان و تقوی را می‌توان به‌عنوان عامل مؤثری در موفقیت ازدواج‌ها برشمرد. بنابراین، آموزه‌های دینی و پابندی به آنها به دلیل توجه ویژه به فطرت و تمایلات طبیعی زن و مرد و هماهنگی آنها با اهداف آفرینش، در سلامت زندگی مشترک و آرامش روانی و ارتقاء رضامندی از زندگی زناشویی مؤثر است. به هر حال، با پژوهش‌هایی که امروزه در حوزه روان‌شناسی شخصیت و خانواده صورت می‌گیرد، امید است به نتایجی برسیم تا افراد پیش از ازدواج و تشکیل خانواده، بتوانند بهترین تصمیم زندگی را بگیرند.

پژوهش مذکور، دارای محدودیت‌هایی مانند جامعه آماری آن است که افراد تحصیل کرده جامعه (طلاب و دانشجویان) می‌باشد و در تعمیم نتایج آن به جوامع دیگر باید احتیاط کرد. همچنین، تعداد زیاد سؤالات و همکاری پایین آزمودنی‌ها در تکمیل پرسش‌نامه از دیگر مشکلات این پژوهش بود.

در یک جمع‌بندی کلی با در نظر گرفتن تأثیر متغیرهای مختلف مانند ویژگی‌های شخصیتی، اختلاف سنی با همسر، پابندی‌های مذهبی و... لزوم مداخله‌های روان‌شناختی پیش از ازدواج و در طول ازدواج مطرح می‌شود. مداخله‌های پیش از ازدواج مشتمل بر بررسی الگوی روابط بین‌فردی و اجتماعی، تعیین سطح پایداری هیجانی زوجین و... است. با استفاده از ابزارهای منطبق بر دین و فرهنگ می‌توان به نقاط ضعفی که بر زندگی مشترک تأثیر خواهند گذاشت، پی برد و به استحکام بنیان ازدواج و خانواده کمک کرد. این نکته نیز باید خاطر نشان شود که به دلیل محدودیت‌های انتخاب نمونه و مشابهت‌های افراد نمونه در بسیاری از موارد، اجرای پژوهش در گروه‌های سنی گسترده‌تر و سطوح اجتماعی و اقتصادی متفاوت مفید خواهد بود.

منابع

- احمدی، بتول، ۱۳۸۶، «رابطه شخصیت و رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی معاصر*، سال دوم، ش ۲، ص ۳۱-۳۶.
- احمدی، خدابخش و همکاران، ۱۳۸۴، «بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه»، *طب نظامی*، دوره هفتم، ش ۲، ص ۱۴۱-۱۵۲.
- ، ۱۳۸۵، «بررسی رابطه تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی»، *خانواده‌پژوهی*، سال دوم، ش ۵، ص ۵۵-۶۷.
- امانی، فرزانه و همکاران، ۱۳۸۵، «رابطه سبک اسناد با عوامل پنجگانه شخصیتی نژو در تعامل با جنس»، *روان‌شناسی*، ش ۴۰، ص ۳۹۰-۴۰۶.
- بنی‌اسدی، حسن، ۱۳۷۵، *بررسی و مقایسه عوامل مؤثر اجتماعی فردی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و زوج‌های ناسازگار در تسهر کرمان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- پروین، لارنس ا. و الیور بی. جان، ۱۳۸۶، *شخصیت؛ نظریه و پژوهش*، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران، آبیژ.
- پورغفاری، سیده‌سولگ و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی اثربخشی آموزش مؤلفه‌های سبک زندگی مبتنی بر رویکرد روان‌شناسی فردی بر رضایت زناشویی در بین پرستاران متأهل زن بیمارستان دکتر گنجویان دزفول»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۲، ص ۲۷-۴۸.
- تمیمی‌امدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۸۸، «ساخت و اعتباریابی آزمون پابندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلغه»، *دوفصلنامه علمی- تخصصی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*، سال سوم، ش ۵، ص ۷۹-۱۰۶.
- جدیری، جعفر، ۱۳۸۷، *بررسی رابطه رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای دینی با ثبات هیجانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جنتی جهرمی، مهرداد و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی و مقایسه میان ویژگی‌های شخصیتی و رضایت‌مندی زناشویی در زنان شاغل شهر کازرون»، *زن و جامعه*، سال اول، ش ۲، ص ۱۴۳-۱۶۲.
- حق‌دوست، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۷۴، «بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عامل مؤثر در ازدواج»، *اندیشه و رفتار*، سال دوم، ش ۳، ص ۲۰-۳۰.
- حیدری خورمیزی، سیدحسین، ۱۳۹۵، «رابطه پابندی مردان به آموزه‌های همسرمداری اسلام با رضامندی زناشویی و کارآمدی خانواده»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، سال چهارم، ش ۷، ص ۴۳-۵۴.
- دارابی، جعفر، ۱۳۸۴، *نظریه‌های روان‌شناسی شخصیت (رویکرد مقایسه‌ای)*، تهران، آبیژ.
- دانش، عصمت، ۱۳۸۴، «تأثیر همانندی/ تضاد در ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرای/ برون‌گرای بر رضایت زناشویی»، *دانشور رفتار*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۵۷-۶۸.
- داوری، صفورا و همکاران، ۱۳۹۰، «پیش‌بینی دینداری با توجه به ابعاد شخصیت در معلمان زن و مرد»، *روان‌شناسی و دین*، سال چهارم، ش ۴، ص ۵-۲۶.
- روحانی، عباس و داود معنوی‌پور، ۱۳۸۷، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، سال دهم، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۸۹-۲۰۶.
- سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۰، «مبانی نظری مقیاس‌های دینی»، *گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صادقی، سعید، ۱۳۸۱، «بررسی عوامل شخصیتی مؤثر در سازگاری زناشویی»، *فرهنگ اصفهان*، سال هشتم، شماره ویژه‌نامه آذرماه، ص ۴۷-۵۶.

صالحی، مبین و مهدی عباسی، ۱۳۸۸، «بهبودی از دیدگاه دین و روان‌شناسی» (ترجمه و نقد مقاله ویلیام سی. کامتور تامسون)، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۶ ص ۱۸۹-۲۰۶.

صیادپور، زهره، ۱۳۸۳، «ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج در دانشجویان»، *روان‌شناسان ایرانی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۴۵-۱۵۷.
عباسی، روح‌الله و سید کاظم رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۸، «رضایت‌مندی زناشویی و تفاوت‌های فردی: نقش عوامل شخصیتی»، *علوم رفتاری*، ش ۹، ص ۲۳۷-۲۴۲.

غرابی، بنفشه و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی ارتباط سلامت روان با مذهب درونی و بیرونی در شهر کاشان»، *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (دانشگاه تبریز)*، دوره دوم، ش ۱۰، ص ۵۹-۸۳.

فاضل، امین‌الله و همکاران، ۱۳۹۰، «قدرت پیش‌بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایت‌مندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز»، *جامعه‌شناسی زنان*، دوره دوم، ش ۳، ص ۱۳۹-۱۶۲.

فیض‌کاشانی، محسن، ۱۳۸۷، *موجه‌البیضاء فی تهذیب‌الأحیاء*، قم، جامعه مدرسین.

قدردان فراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۲، «کارکرد دین در انسان و جامعه»، *قیسات*، ش ۲۸، ص ۱۶۰-۱۷۵.

قلی‌زاده، زلیخا و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه پنج عامل شخصیتی NEO-FFI با رضایت زناشویی»، *دانش‌سور رفتار*، سال هشتم، ش ۴۳، ص ۵۷-۶۶.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *اصول الکافی*، بیروت، دارالکتب الإسلامیه.

گروسی فرشی، میرتقی، ۱۳۸۰، *رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت*، تبریز، دانیال.

لطف‌آبادی، حسین، ۱۳۸۴، «جست‌وجوی مبانی نظری سنجش ویژگی‌های معنوی درمان‌جویان در تعامل با درمانگران»، گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار‌الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.

محمدزاده ابراهیمی، علی و همکاران، ۱۳۸۷، «رابطه بین مشابهت و مکمل بودن در ابعاد اصلی شخصیتی زوجین با رضایت‌مندی زناشویی»، *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، سال سوم، ش ۱، ص ۶۱-۷۰.

مصاحبی، محمدرضا، ۱۳۸۱، «ارتباط بین شباهت در ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر و رضایت از زندگی»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، سال چهارم، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۱۱۷-۱۳۴.

مصباح‌یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۸۸، *مشکات‌هدایت؛ پرسش و پاسخ در حوزه ولایت فقیه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصلحی، جواد، ۱۳۹۱، *رابطه همانندی/ تضاد ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی با توجه به پابندی مذهبی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۲، «نقش زندگی مذهبی در رضامندی زناشویی زوجین»، *روان‌شناسی و دین*، سال ششم، ش ۲۲، ص ۷۵-۹۰.
موسوی، سیداسماعیل و همکاران، ۱۳۸۶، «تأثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی

شهر تهران»، *پژوهش‌های مشاوره*، دوره ششم، ش ۲۲، ص ۲۷-۴۰.

موسوی، رقیه‌سادات، ۱۳۴۴، *بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه پرتشکان، کارمندان، کارگران شهیر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشاوره و راهنمایی، تهران، دانشگاه تربیت معلم.

میراحمدی‌زاده، علیرضا و همکاران، ۱۳۸۲، «رضامندی زناشویی و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن در شیراز»، *روان‌پژوهی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال هشتم، ش ۴، ص ۵۶-۶۳.

نادر، عزت‌الله و مریم سیف نراقی، ۱۳۹۰، *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزیابی آن در علوم انسانی*، تهران، ارسباران.

نظری، علی محمد، ۱۳۸۸، *مبانی زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی*، تهران، علم.
 نوابخش، مهرداد و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی میزان پایبند مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار»، *پژوهش‌نامه علوم/اجتماعی*، ش ۳، ص ۶۱-۹۱.
 هراتیان، عباس علی، ۱۳۹۲، *رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به پایبندی مذهبی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۵، *تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری*، تهران، پیک فرهنگ.
 —، ۱۳۸۶، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، سمت.

- Botwin, M.D, et al, 1997, Personality and mate preferences: Five factors in mate selection and marital satisfaction, *Journal of Personality*, v. 65, p. 107-136.
- Bradbery, T.N, et al, 2000, Research on the nature and determinants of marital satisfaction:A decade in review, *Journal of marriage and family*, v. 62, p. 964-980.
- Butler, M.H, et al, 2002. Prayer as a conflict resolution ritual: Clinical implications of religious couples' report of relationship softening, healing perspective, and change responsibility, *American Journal of Family Therapy*, v. 30, p. 19-37.
- Donnellan, B.M, et al, 2004, The big five and enduring marriages, *Journal Research Personality*, v. 38, p. 481-504.
- Ellison C.G, et al, 1989, Does religious commitment contribute to individual life satisfaction, *Social Forces*, v. 68, p. 100-123.
- Fineberg, B.L, & Lowman, J, 1975, Affect and status dimensions of marital adjustment, *Journal of Marriage and the Family*, v. 37, p. 155-160.
- Kim, Y.M, et al, 2004, Spirituality and affect: a function of changes in religious affiliation, *Personality and Individual Differences*, 37(4), p. 247-258.
- Mahoney, A, et al, 1999, Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning, *Journal of Family Psychology*, v. 13, p. 321-338.
- Marsh, R, & Dallos, R, 2001, Roman Catholic couples: wrath and religion, *Journal of Family Process*, 40(3), p. 343-360.
- Mculty, K, et al, 2004, Perceived Uncertainty, Spiritual Well-Being, and Psychosocial Adaptation in Individuals With Multiple Sclerosis, *Rehabilitation Psychology*, 49(2), p. 91-99.
- Mullins, L.C, et al, 2001, Marital adjustment and religiosity: A comparison of those under age 65 with those age and older, *Journal of Social Science Research*, 2(1), p. 68-77.
- Pargament, K.I, et al, 1998, Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37(4), 710-724.
- Pervin, Lawrence.A, 1993, *Personality: theory and research*, Singapore, John Wiley & Sons, Inc.
- Schultz, d, 1989, *Theories of Personality. Fourth edition*, California. Brooks/Cole Publishing Company.
- Sherkat, D.E, 2004, Religious intermarriage in the United States: trends, patterns, and predictors, *Rehabilitation Psychology*, 33(4), p. 606-625.
- Tobin, R.M, et al, 2000, Personality, emotional experience, and efforts to control emotions, *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, p. 656-669.

پیش‌بینی اختلالات رفتاری کودکان بر اساس روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دینداری مادران

هادی زینال‌زاده / کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

ali.11041@yahoo.com

monirpoor1357@yahoo.com

نادر منیرپور / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی * jahangirzademr@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

چکیده

این پژوهش، از نوع همبستگی است که با هدف بررسی ارتباط بین دینداری و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان در یک نمونه غیربالینی اجرا شد. بدین منظور، نمونه‌ای به حجم ۳۸۶ نفر از دانش‌آموزان ابتدایی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش سیاهه رفتاری کودک (CBCL)، پرسش‌نامه دینداری و پرسش‌نامه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF) بودند. هر سه پرسش‌نامه توسط مادر دانش‌آموزان تکمیل شد. نتایج نشان دادند که بین دینداری مادران و مشکلات رفتاری کودکان و نیز بین روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران و مشکلات رفتاری کودکان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که بُعد اخلاق دینداری مادران و نیز حوزه‌های بریدگی و طرد و خودمختاری و عملکرد مختل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران به صورت معناداری مشکلات رفتاری کودکان را پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ها ضمن پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان بر پیامدهای منفی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران و ضرورت طرح برنامه‌های درمانی و حمایتی تأکید می‌کند و نقش دینداری مادران را در کاهش مشکلات رفتاری کودکان مورد تأیید قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مشکلات رفتاری کودکان، دینداری، طرح‌واره، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، طرح‌واره‌های ناکارآمد، مادران.

در بیست و پنج سال اخیر، مشکلات رفتاری کودکان به‌عنوان یکی از موضوعات عمده روان‌پزشکی و روان‌شناسی در مطرح بوده است (طهماسبیان و همکاران، ۱۳۹۱) با این حال، سهم این قشر از سلامتی روانی بسیار کم است و به ازای هر پنج کودک، یک کودک در معرض خطر بوده یا بالفعل دارای مشکلات رفتاری یا عاطفی روانی است (استورمونت و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین ۷۰ تا ۸۰ درصد آنان مداخله مناسب را دریافت نمی‌کنند (زارع و احمدی، ۱۳۸۶). این اختلالات موجب بروز ناتوانی‌هایی نظیر عزت‌نفس پایین، فراخوانی توجه کم، ناکامی در ارتباط با اعضای خانواده و اطرافیان، در کودکان می‌شود (پورحسین و همکاران، ۱۳۹۴). این اختلالات همچنین قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده اختلالات در بزرگسالی هستند (اسکالیسکا و همکاران، ۲۰۱۵) به‌طوری‌که بیش از سه چهارم جوانان مبتلا به اختلالات روان‌پزشکی، اولین نشانه‌های تشخیصی اختلال را از دوران کودکی و نوجوانی داشته‌اند (کوپلند و همکاران، ۲۰۰۹).

«مشکلات رفتاری»، به رفتارهایی گفته می‌شود که از نظر اجتماعی یک مشکل و منبع نگرانی محسوب می‌شود، یا با توجه به نرم‌هنجارهای اجتماعی نامطلوب ارزیابی می‌شوند (جیسور و جیسور، ۱۹۷۷ نقل از: دونووان و جیسور، ۱۹۸۵). تاکنون طبقه‌بندی‌های مختلفی برای اختلالات رفتاری صورت گرفته است. از جمله آنها تقسیم‌بندی مشکلات به دو دسته، اختلالات رفتاری درونی‌سازی شده و اختلالات رفتار برونی‌سازی شده است. این تقسیم‌بندی، اولین بار توسط آخنباخ (۱۹۶۶) مطرح شد (لوسک (Levesque)، ۲۰۱۱).

عوامل مختلفی موجب شکل‌گیری مشکلات رفتاری در کودکان می‌شود. در این بین، نقش خانواده بسیار مهم می‌باشد. به‌گونه‌ای که عوامل خانوادگی ارتباط نزدیکی با سلامت روانی کودکان دارد (وانگ و زئو، ۲۰۱۵). ادبیات پژوهشی قابل توجهی از وجود رابطه قوی میان رفتار والدین و رفتار کودکان حمایت می‌کند (مانتیما و همکاران، ۲۰۱۲). مطالعات نشان می‌دهند که سلامت روانی والدین و چگونگی برخورد آنها با کودکان، یکی از مهم‌ترین عوامل بروز اختلالات روانی در کودکان است (کیلینگ و همکاران، ۲۰۱۱). برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد مادران در مقایسه با پدران، به میزان ۵ به ۱ در شکل‌گیری مشکلات کودکان نقش دارند (مکوندی و همکاران، ۱۳۷۷). از این‌رو، مادر به‌عنوان کانون سلامتی یا بیماری کودک محسوب می‌شود (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۱).

پژوهش‌ها این امر را به‌خوبی نشان می‌دهد که سلامت روان مادران با مشکلات عاطفی رفتاری کودکان رابطه دارد (گائو و همکاران، ۲۰۰۷؛ لیریا و والک، ۲۰۱۳؛ وانگ و زئو، ۲۰۱۵) مانند رابطه مثبت میان افسردگی والدین و مشکلات برونی‌سازی شده کودکان (ناکس (Knox) و همکاران، ۲۰۱۱). برخی پژوهش‌ها نیز بیانگر رابطه بسیار قوی سلامت روانی مادران با مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کودکان است (استونه و همکاران، ۲۰۱۵). با این حال، اکثر تحقیقات در بررسی نقش مادر، بیشتر وضعیت فعلی مادر را مورد مطالعه قرار می‌دهند و تحقیقات اندکی مشکلات مادر - کودک را در بستر خانواده‌ای که مادر در آن رشد یافته بررسی کرده‌اند. درحالی‌که برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد در بروز مشکلات فعلی مادر - کودک، بیشتر از حالت افسردگی مادر، روابط سابق

موجود در خانواده پدری آن مادر تأثیر دارد (ماش و جانستون، ۱۹۹۶؛ ومبولد و همکاران، ۲۰۱۵). در مدل روان‌بنه‌درمانی یانگ چنین مشکلاتی که به‌طور عمده در خانواده پدری به وجود می‌آید، در قالب روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مورد بررسی قرار می‌گیرند. یانگ معتقد است: روان‌بنه‌های ناشی از تجارب ناگوار دوران کودکی می‌تواند هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش‌شناختی خفیف‌تر و بسیاری از اختلالات مزمن محور I را شکل دهد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهش‌های کمی درباره تأثیر روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه والدین بر فرزندان وجود دارد. در حالی که، وجود روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در مادران حاکی از وجود برخی اختلالات روانی است. مطالعات نشان می‌دهد که سلامت روانی والدین و نحوه برخورد آنها با کودکان یکی از مهم‌ترین عوامل بروز اختلالات روانی می‌باشد (کیلینگ و همکاران، ۲۰۱۱). مطابق برخی مطالعات فرزندان مادرانی با افکار غیرمنطقی، بیشتر از فرزندان سایر مادران در معرض مشکلات جدی رفتاری قرار دارند. همچنین، باورهای غیرمنطقی موجب رفتار و احساسات نامناسب مثل خشم و پرخاشگری در والدین و موجب بدرفتاری والدین با فرزندان می‌شود (سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸). ویژگی‌های نابهنجار مادر نقش مؤثری در اثرات روانی کودک به‌خصوص تحول شخصیت کودک دارد (بابایی و همکاران، ۱۳۸۷) مانند وجود رابطه میان منفی‌گرایی بیش از حد مادرانه و سردی روابط والد - کودک (فرزادفرد و هومن، ۱۳۸۷).

از جمله عوامل دیگری که در رابطه مادر - کودک، کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است، دینداری مادران است. از این میان، سهم پژوهش‌های مربوط به دین اسلام بسیار اندک است. یکی از نقات ضعف موجود در تحقیقات مربوط به دینداری کم بودن پژوهش‌ها در حوزه ادیان غیرمسیحی از جمله اسلام است (مارکس، ۲۰۰۶). مطالعات متعددی در مورد تأثیر دینداری والدین بر ابعاد مختلف والدگری انجام شده است، اما عمدتاً آمریکایی هستند (ورمر، ۲۰۱۱). دینداری، در صورت شکل دادن به باورهای اساسی و رفتارها می‌تواند در سلامت روان افراد نقش داشته باشد (جاگت-جلسما و همکاران، ۲۰۱۱؛ شاتن‌باوئر و همکاران، ۲۰۰۷). دینداری مادران یک پیش‌بین قوی برای سازگاری مادر و کودک است (برت، ۲۰۱۰؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۹). بر مبنای نظریه کنترل اجتماعی، دینداری والدین نقش محافظ در برابر ناسازگاری کودکان‌شان داشته و موجب نظارت آگاهانه و مؤثر بر کودکان می‌شود (کیم و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین، تعامل دو متغیر روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دینداری مادران مهم است. از سویی، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، علاوه بر به خطر انداختن سلامت روان، می‌تواند سلامت معنوی فرد را نیز تحت تأثیر قرار دهد (جان‌بزرگی و دائمی، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، دینداری با تقویت ویژگی‌های فضیلت‌پرور در تقویت سلامت روان مؤثر است (باقری و همکاران، ۱۳۹۰) و تأثیر عمیقی بر فرزندپروری و نقش والدین می‌گذارد (یونگ و همکاران، ۲۰۱۶). براین اساس، با توجه به خلأ پژوهشی در رابطه میان مشکلات رفتاری کودکان با مادران، در سطح روان‌بنه‌ها و دینداری، این پژوهش رابطه دینداری و روان‌بنه‌های مادران با مشکلات رفتاری کودکان را در قالب فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. دینداری مادر، مشکلات رفتاری کودک را پیش‌بینی می‌کند.

۲. روان‌بنه‌های ناسازگار مادر، مشکلات رفتاری کودک را پیش‌بینی می‌کند.

۳. دینداری و روان‌بنه‌های مادران در یک مدل ترکیبی، مشکلات رفتاری کودکان را پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است که در آن رابطه متغیرهای روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران، دینداری مادران با مشکلات رفتاری کودکان مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور، همه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های اول تا چهارم مقطع ابتدایی شهر قم در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ و مادران آنان به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. بر اساس آمار اداره کل آموزش و پرورش استان قم تعداد دانش‌آموزان مقاطع مذکور ۷۸۲۱۱ نفر بود. نمونه‌گیری، به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای صورت گرفت. بدین منظور، از هر یک از نواحی چهارگانه شهر قم دو مدرسه (یکی دخترانه و یکی پسرانه) به‌صورت تصادفی انتخاب گردید. در مرحله بعدی از میان کلاس‌های مدارس مذکور، یک کلاس به‌صورت تصادفی برگزیده شد. پس از توجیه دانش‌آموزان پرسش‌نامه‌ها از طریق ایشان در اختیار مادران قرار گرفت. در نهایت، با حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، تعداد ۳۸۶ پرسش‌نامه به‌عنوان نمونه این پژوهش انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

سیاهه رفتاری کودک آخنباخ ۶ تا ۱۸ سال (CBCL): در این پژوهش، از فرم گزارش والدین فهرست رفتاری کودک که یکی از چهار مؤلفه سیاهه رفتاری کودک (CBCL) است، استفاده شده است. این پرسش‌نامه از ۱۱۳ سؤال تشکیل یافته است. نمره کل مشکلات رفتاری از طریق جمع نمرات دو گروه عمده درونی‌سازی، برونی‌سازی به همراه جمع نمرات چهار خرده‌مقیاس باقیمانده (مشکلات تفکر، مشکلات اجتماعی، مشکلات توجه و سایر مشکلات) به‌دست می‌آید. به هر سؤال حداقل صفر و حداکثر ۲ نمره تعلق می‌گیرد (مینایی، ۱۳۸۴). در ایران یزدخواستی و عریضی (۱۳۹۰) نسخه والدین CBCL را در اصفهان در نمونه ۱۸۸۰ نفری دختر و پسر ۷ تا ۱۱ ساله اجرا کردند و ضریب پایایی CBCL را به دو روش آلفای کرونباخ و همبستگی نسخه‌های هم‌تا بررسی کردند. روش آلفای کرونباخ نشان داد که پایایی نسخه پدر/مادر، برای پسران از ۰/۳۵ تا ۰/۴۴ در بخش فعالیت‌ها و از ۰/۳۵ تا ۰/۹۰ در بخش مشکلات رفتاری - هیجانی متغیر بود. این میزان، برای دختران از ۰/۴۲ تا ۰/۵۶ در بخش مهارت‌ها و از ۰/۴۰ تا ۰/۸۰ در بخش مشکلات رفتاری - هیجانی متغیر بود.

فرم کوتاه پرسش‌نامه روان‌بنه ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF): فرم کوتاه این پرسش‌نامه با ۷۵ آیتم در سال ۱۹۹۸ توسط یانگ برای اندازه‌گیری روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه ساخته شد که ۱۵ روان‌بنه غیرانطباقی اولیه را ارزیابی می‌کند (صدوقی و همکاران، ۱۳۸۷). هر روان‌بنه توسط پنج سؤال سنجیده می‌شود و به هر گویه، نمره‌ای بین ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد. برای به‌دست آوردن نمره خرده‌مقیاس میانگین نمره پنج سؤال محاسبه می‌شود و چنانچه بالاتر از ۳ باشد، آن روان‌بنه ناکارآمد خواهد بود (زارع و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱). این پرسش‌نامه، در ایران توسط دیوانداری و

همکاران (۱۳۸۸) در نمونه ۵۹۳ نفری از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر (۳۷/۴۴ درصد زن و ۶۲/۵۶ درصد مرد) اجرا گردید. میزان آلفای کرونباخ کل محاسبه شده با ۷۵ آیتم برابر با ۰/۹۴ محاسبه شد. ضرایب همسانی درونی در دامنه ۰/۶۵ تا ۰/۹۲ بیانگر همسانی درونی بالای خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه می‌باشد.

پرسش‌نامه دینداری آذربایجانی: این پرسش‌نامه، دارای دو زیرمقیاس عقائد و اخلاق - مناسک دینی است (آذربایجانی، ۱۳۸۰). از ویژگی‌های بارز و مثبت این پرسش‌نامه ارائه الگوی ده مؤلفه‌ای است که برای هر مقوله بین ۵ تا ۱۷ ماده تهیه شده است (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۲۰). پاسخ هر سؤال، بین ۱ تا ۴ نمره دارد. نمره شخص در این مقیاس، در دامنه ۷۰ تا ۲۸۰ متغیر است. با جمع نمرات، نمره کلی آزمودنی در مورد دینداری اسلامی و در دو مقوله کلی عقاید، مناسک و اخلاق به‌دست می‌آید. نمرات بالا بیانگر گرایش‌های مذهبی قوی‌تر است (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۳). این مقیاس را در ایران *آذربایجانی* (۱۳۸۰) اعتباریابی کرده است. اعتبار سازه آن از طریق نمونه‌ای به حجم ۳۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران و طلاب حوزه علمیه قم مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، پایایی آن برای زیرمقیاس عقاید و مناسک ۰/۹۴ و برای زیرمقیاس اخلاق ۰/۷۹ و برای کل مقیاس ۰/۹۳ به‌دست آمد. همچنین، در بررسی روایی محتوای این آزمون از طریق جمع‌آوری نظرات کارشناسان اسلامی، میزان ۰/۷۶ به‌دست‌آمده است (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹).

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱، ماتریس همبستگی میان نمره کل و زیرمقیاس‌های دینداری مادران با نمره کل مشکلات رفتاری کودکان ارائه شده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی میان نمره کل و زیرمقیاس‌های دینداری مادران با نمره کل مشکلات رفتاری کودکان

مشکلات رفتاری کودکان	
مشکلات رفتاری کودکان	۱
نمره کل دینداری	۰/۲۲۷- **
زیرمقیاس عقاید - مناسک	۰/۲۰۱- **
زیرمقیاس اخلاق	۰/۳۳۹- **
	۰/۰۰۱ < P **

چنانچه در جدول نیز ملاحظه می‌شود، میان نمره کل مشکلات رفتاری کودک با نمره کل دینداری مادران، یک رابطه معنادار معکوس وجود دارد. از میان دو زیرمقیاس دینداری، زیرمقیاس اخلاق رابطه معکوس قوی‌تری را در برابر زیرمقیاس عقائد - مناسک نشان می‌دهد. همچنین، میان نمره کل مشکلات رفتاری کودکان با نمره کل روان‌بنه‌های ناسازگار مادران نتایج، یک رابطه معنادار مستقیم با شدت بالا را نشان می‌دهد. رابطه حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان در دامنه‌های بین $T=0/۳۶۰$ تا $T=0/۴۵۳$ قرار دارد و بیانگر رابطه معنادار و مثبت با شدت متوسط تا قوی میان مشکلات رفتاری کودکان با هر یک از حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران می‌باشد. مادرانی که دارای روان‌بنه‌های ناسازگار بیشتری هستند، کودکان‌شان مشکلات رفتاری بیشتری دارند.

در جدول ۲، برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان توسط زیرمقیاس‌های دینداری (زیرمقیاس عقائد - مناسک و اخلاق) از رگرسیون چندگانه (مدل همزمان) استفاده گردید.

جدول ۲. تحلیل رگرسیون چندگانه در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان از روی دینداری مادران

متغیر پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P	F _۲ و ۳۸۳	R	R ²	R تعدیل شده
زیرمقیاس عقائد - مناسک	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۴۷	۰/۷۲۶	۴۶۸	۲۵/۱۰۲	۰/۳۴	۰/۱۱۶	۰/۱۱۱
زیرمقیاس اخلاق	-۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	-۰/۳۷۰	-۵/۷۲۲	۰/۰۰۰۵	<۰/۰۰۰۵			

زیرمقیاس عقائد - مناسک (مادران) در این مدل پیش‌بینی کننده، معنادار نبود. اما تحلیل رگرسیون یک رابطه خطی منفی را بین زیرمقیاس اخلاق (مادران) و مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد که می‌تواند ۱۳/۶ درصدی از واریانس مشکلات رفتاری کودکان را تبیین کند. از آنجاکه دینداری مادران در مجموع می‌تواند ۱۱/۶ درصد از مشکلات رفتاری کودکان را در سطح معناداری پیش‌بینی کند، بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد.

در جدول ۳، ماتریس همبستگی میان نمره کل و حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان آمده است:

جدول ۳ ماتریس همبستگی میان نمره کل و حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان ($P < ۰/۰۰۱$)

مشکلات رفتاری کودکان	مشکلات رفتاری کودکان
۱. مشکلات رفتاری کودکان	۱
۲. کل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه	**/۵۱۵
۳. حوزه بریدگی و طرد	**/۴۵۳
۴. حوزه خودمختاری و عملکرد مختل	**/۴۳۶
۵. حوزه دیگر جهت‌مندی	**/۳۹۵
۶. حوزه بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی	**/۳۶۰
۷. حوزه محدودیت‌های مختل	**/۳۸۲

نتایج، یک رابطه معنادار مستقیم با شدت بالا را نشان می‌دهند. رابطه حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران با مشکلات رفتاری کودکان در دامنه‌ای بین $r = ۰/۳۶۲$ تا $r = ۰/۴۹۳$ قرار دارد و بیانگر رابطه معنادار و مثبت با شدت متوسط تا قوی میان مشکلات رفتاری کودکان با هر یک از حوزه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران می‌باشد. مادرانی که دارای روان‌بنه‌های ناسازگار بیشتری هستند، کودکان‌شان مشکلات رفتاری بیشتری دارند.

در جدول ۴، برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان از روی پنج حوزه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران (حوزه بریدگی و طرد، خودمختاری و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی و محدودیت‌های مختل)، از رگرسیون چندگانه (مدل همزمان) استفاده گردید.

جدول ۴. رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان توسط حوزه‌های پنج‌گانه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران

متغیر پیش‌بین	B	SE	Beta	t	P	F _۵ و ۳۸۰	R	R ²	R تعدیل شده
۱. حوزه بریدگی و طرد	۰/۲۵۹	۰/۰۸۴	۰/۲۰۱	۳/۰۹۴	۰/۰۰۲	۲۷/۷۰۱ <۰/۰۰۰۵	۰/۵۱	۰/۲۶۷	۰/۲۵۷
۲. حوزه خودمختاری و عملکرد مختل	۰/۲۲۹	۰/۰۸۴	۰/۱۷۰	۲/۷۱۱	۰/۰۰۷				
۳. حوزه دیگر جهت‌مندی	۰/۰۹۴	۰/۰۶۷	۰/۰۸۹	۱/۴۰۹	۰/۱۶۰				
۴. حوزه بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی	۰/۰۵۰	۰/۰۵۹	۰/۰۵۶	۰/۸۵۴	۰/۳۹۳				
۵. حوزه محدودیت‌های مختل	۰/۱۱۰	۰/۰۵۶	۰/۱۱۴	۱/۹۷۰	۰/۰۶۱				

ارزیابی مدل نشان می‌دهد که از میان پنج حوزه، سه حوزه «حوزه دیگر جهت‌مندی»، «حوزه بازداری و فزونی گوش‌به‌زنگی» و «حوزه محدودیت‌های مختل»، در این مدل پیش‌بینی‌کننده معناداری نبودند. اما تحلیل رگرسیون یک رابطه خطی مثبت را بین روان‌بنه‌های ناسازگار مادران در حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل» با مشکلات رفتاری کودکان نشان می‌دهد که در مجموع ۲۶/۷ درصد از واریانس مشکلات رفتاری کودکان را تبیین می‌کنند. در این میان، هر یک از حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل»، به ترتیب بیشترین درصد پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان را دارند. با توجه به اینکه پنج حوزه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران می‌تواند ۲۶/۷ درصد از مشکلات رفتاری کودکان را در سطح معناداری پیش‌بینی کند، فرضیه دوم تأیید می‌شود.

برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان از روی دینداری و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران، در یک مدل ترکیبی، زیرمقیاس‌هایی که از هر دو متغیر پیش‌بین، مطابق دو فرضیه قبلی دارای رابطه معنادار بودند در یک مدل رگرسیون چندگانه به روش همزمان وارد شدند و مدل معناداری به‌دست آمد که در جدول ۶ قابل مشاهده است:

جدول ۶. رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان توسط زیرمقیاس اخلاق و حوزه‌های بریدگی و طرد و خودمختاری و عملکرد مختل

متغیرهای پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P	F _(۳,۲۸۲)	R	R ²	R تعدیل شده
۱. زیرمقیاس اخلاق	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	-۰/۱۳۸	-۲/۷۳۹	۰/۰۰۲	۴۲/۵۵۱	۰/۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۴۵
۲. حوزه بریدگی و طرد	۰/۳۱۵	۰/۰۸۱	۰/۲۴۴	۳/۸۹۲	<۰/۰۰۰۵	<۰/۰۰۰۵			
۳. حوزه خودمختاری و عملکرد مختل	-۰/۲۸۷	۰/۰۸۲	-۰/۲۱۳	۳/۴۹۷	<۰/۰۰۰۵	<۰/۰۰۰۵			

بررسی مدل نشان می‌دهد که هر سه متغیر پیش‌بین در یک مدل ترکیبی اولاً، همچنان دارای قدرت پیش‌بینی معنادار هستند. اگر چه قدرت پیش‌بینی زیرمقیاس اخلاق نسبت به مدلی که در فرضیه اول مطرح بود بیش از نصف کاهش یافته است ($\beta = ۰/۳۷۰ \rightarrow ۰/۱۳۸$)، همچنین، قدرت پیش‌بینی حوزه بریدگی و طرد ($\beta = ۰/۲۲۴ \rightarrow ۰/۲۰۱$) و حوزه خودمختاری و عملکرد مختل ($\beta = ۰/۱۷۰ \rightarrow ۰/۲۱۳$) افزایش یافته است. ثانیاً، دو حوزه از روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه دارای قدرت پیش‌بینی بالاتری نسبت به زیرمقیاس اخلاق هستند. در مجموع، ۲۵ درصد از تغییر در مشکلات رفتاری کودکان توسط بُعد اخلاقی دینداری مادران و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران در حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل» قابل تبیین است و به ترتیب، حوزه‌های «بریدگی و طرد»، «خودمختاری و عملکرد مختل» و سپس زیرمقیاس اخلاق بیشترین سهم را در پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان دارا می‌باشند. بنابراین، فرضیه سوم نیز تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دینداری می‌تواند به نحو معناداری، مشکلات رفتاری کودکان را پیش‌بینی کند و مادرانی که از اخلاق اسلامی بیشتری بهره‌مند هستند، کودکانشان مشکلات رفتاری کمتری دارند. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش از پژوهش با یافته‌های چگنی (۱۳۸۹) و شانن باوئر و همکاران (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت: دینداری مادر با سازمان‌دهی یکسری رفتارهای مذهبی و ایجاد مقابله مذهبی و

مهم‌تر از همه سبک والدگری خاص، موجب بهبودی کودک گشته و می‌تواند با جلوگیری از بروز مشکلات رفتاری تأثیر مثبت و معناداری را بر کودک داشته باشد (شانتن باور و همکاران، ۲۰۰۷). بُعد اخلاقی پرسش‌نامه دینداری - که بر اساس منابع اسلامی تهیه شده است - شامل مؤلفه‌هایی است که می‌تواند در پیشگیری و کنترل مشکلات رفتاری کودک مؤثر باشد (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۱۷). از جمله می‌توان به: ۱. امانتداری؛ ۲. سفارش به گفتار نرم؛ ۳. رواداری؛ ۴. رعایت حقوق دیگران اشاره کرد که با توجه به آموزه‌های غنی اسلامی در مورد این مؤلفه‌ها، هر یک می‌تواند به‌عنوان بازدارنده قوی در برابر آن دسته از رفتارهای مادرانه باشد که بر مشکلات رفتاری کودک دامن می‌زند. برای نمونه، از منظر اسلامی یکی از امانت‌هایی که یک مسلمان در برابر آن باید پاسخگو باشد، کودک است (قباچی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۳۸). در روایتی تأکید شده است که معیار دینداری، صرفاً انجام مناسک دینی نیست، بلکه امانتداری و راستگویی میزان دینداری است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۵). امانت چیزی است که در روز قیامت نسبت به آن بازخواست صورت می‌گیرد و امانتداری شامل پاداش اخروی است و در مقابل، عدم امانتداری عذاب اخروی را در پی خواهد داشت. بنابراین، مراقبت و برخورد صحیح با کودک از نگاه مادر مسلمان اهمیت ویژه‌ای دارد و این دقت در برخورد و مراقبت می‌تواند به نحو مؤثری از بروز مشکلات رفتاری در کودک جلوگیری کند. همچنین، بر اساس نتایج این تحقیق میان بُعد عقائد - مناسک دینداری با مشکلات رفتاری کودک رابطه معناداری به‌دست نیامد. این یافته، همسو با پژوهش یعقوبی‌دوست و عنایت (۱۳۹۲) است که انجام دادن مناسک دینی رابطه‌ای با رفتارهای خشونت‌آمیز والدین نداشته است. این نتیجه، ناشی از باورهایی است که نتوانسته‌اند از مرحله بینش و نگرش به مرحله عمل و رفتار برسد. از منظر اسلامی، تا زمانی که دین از مرحله اعتقاد به عمل نرسد، نمی‌تواند کارکرد خود را داشته باشد (طباطبائی، ۱۳۶۸، ص ۱۳).

مطابق بخشی از یافته‌های این پژوهش، مشکلات رفتاری کودک رابطه معناداری را با پنج حوزه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه مادران دارد. از این میان، تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد که روان‌بنه‌های ناسازگار مادران در حوزه‌های «بریدگی و طرد» و «خودمختاری و عملکرد مختل»، مشکلات رفتاری کودکان را در یک رابطه خطی مثبت پیش‌بینی می‌کنند. این یافته، با نتایج پژوهش‌های ریاحی و همکاران (۱۳۹۱) و سلیمی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته باید گفت: پژوهش فریمن نشان می‌دهد که داشتن روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه پیش‌بینی‌کننده ناسازگاری بین‌فردی است. این ناسازگاری در رابطه مادر - کودک می‌تواند منجر به بروز مشکلات رفتاری گردد (ر.ک: یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). به این صورت که تعامل ضعیف مادر - کودک و رفتارهای ضعیف والدینی به‌عنوان میانجی‌هایی در ارتباط مابین سلامت روانی مادران و مشکلات درونی و بیرونی کودکان عمل می‌کنند (وانگ و زئو، ۲۰۱۵). به باور یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، افرادی که روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه‌شان در حوزه بریدگی و طرد قرار دارد غالباً دارای بیشترین آسیب هستند، دوران کودکی تکان‌دهنده‌ای داشتند و نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت بخشی با دیگران برقرار کنند. درحالی‌که در خانواده کودکانی که دچار مشکلات رفتاری هستند، منفی‌گرایی بیش از حد مادرانه و سردی روابط والد - کودک گزارش شده است (فرزادفرد و هومن،

۱۳۸۷). این امر می‌تواند حاکی از وجود روان‌بنه‌های این حوزه در چنین مادرانی باشد.

همچنین، در تبیین فرضیه سوم، جان‌بزرگی و دائمی (۱۳۹۵) معتقدند: با توجه به اینکه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه الگویی برای عمل هستند؛ این الگو می‌تواند یادگیری مذهب را - به‌ویژه زمانی که مذهب از مسیر افرادی آموزش داده می‌شود که در شکل‌دهی روان‌بنه‌های ناسازگار سهیم‌اند - با مشکل جدی مواجه کند. البته از آنجایی که اصلاح روان‌بنه‌ها با افزایش آگاهی امکان‌پذیر است (احمدوند، ۱۳۸۳)، دین می‌تواند با دادن آگاهی درست به فرد تا حدی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه را مهار کند. باورهای معنوی و اعمال دینی روش‌های مواجهه با سختی، تجربه درد و رنج و معنای نشانگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین می‌تواند باورهای مربوط به فرضیات علی و نگرش افراد را تحت تأثیر قرار دهد (والش، ۲۰۰۹). بر اساس نظریه مبتنی بر اعتقاد انتخاب‌های نگرشی و رفتاری افراد به شدت تحت تأثیر باورهایشان قرار دارد (یونگ و همکاران، ۲۰۱۶). ویژگی‌های دینی فرد از جمله عواملی است که در جهت‌گیری کنش، واکنش و تعامل افراد نقش دارد. این ویژگی‌ها در طی سال‌ها روان‌بنه‌هایی را شکل می‌دهد که به‌طور مستقیم بر رفتار و خصامشی‌های کلی ما تأثیر می‌گذراند و برای به‌دست آوردن معنایی در دنیای فرد کمک می‌کنند (فریمن و فریمن، ۲۰۰۵).

پژوهش چگتی (۱۳۸۹)، نشان می‌دهد که میان نگرش مذهبی و اختلالات روانی رابطه منفی معناداری وجود دارد. برخی از مؤلفه‌های اخلاقی اسلام مانند صبر و پایداری، عزت‌نفس، رعایت حقوق دیگران - که در پرسش‌نامه نیز لحاظ شده است - می‌تواند به نحو مؤثری در حوزه‌های روان‌بنه‌های مذکور تأثیرگذار باشد. برای نمونه، اسلام توصیه‌های ویژه و فراوانی را برای رعایت حقوق دیگران دارد. از منظر دینی ضایع کردن حقوق دیگران به قدری اهمیت دارد که با صرف توبه نیز قابل جبران نیست و باید حتماً حق از دست رفته به صاحبش بازگردانده شود. در قرآن کریم (مطففین: ۴)، توجه به پیامدهای حق الناس به‌عنوان یک عامل بازدارنده و مهارکننده در برابر تضییع حقوق معرفی شده است (ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۶). توجه دادن دین به رعایت حق دیگران به‌خصوص اطرافیان باعث می‌گردد تا مادرانی که در حوزه‌های بریدگی و طرد و خودگردانی و عملکرد مختل روان‌بنه‌های ناسازگار دارند؛ با ایمان به آموزه‌های دینی، تمام تلاش خود را در عدم فعال شدن روان‌بنه‌های ناسازگار - به‌خصوص در ارتباط با کودک - به‌کار گیرند.

از سوی دیگر، جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌تواند موجب شود تا دین تأثیر مطلوب مورد انتظار را در زندگی فرد نداشته باشد. با توجه به اینکه پرسش‌نامه دینداری مورد استفاده در این پژوهش، جهت‌گیری مذهبی را نشان نمی‌دهد، خود می‌تواند تبیینی بر پایین بودن سهم دینداری در برابر روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در مدل ارائه شده در فرضیه سوم باشد.

محدودیت‌ها: به دلیل وجود برخی ویژگی‌های فرهنگی - مذهبی در جامعه آماری این پژوهش، به نظر می‌رسد سطح دینداری نسبت به سایر شهرها بالاتر باشد. این امر می‌تواند نتایج و تعمیم آن را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، تکمیل پرسش‌نامه‌ها با واسطه‌مندی مدارس صورت گرفت که می‌تواند موجب سوگیری در گزارش مادران گردد.

پیشنهادها: پژوهش مشابه در سایر شهرها انجام شود. همچنین، در پژوهش‌های بعدی سایر مقاطع تحصیلی نیز مورد پژوهش قرار گیرد و نمونه‌ها از محیط‌هایی غیر از مدارس انتخاب شوند و مادران به‌صورت مستقیم نسبت به پژوهش توجیه شوند.

منابع

- آذربایجان، مسعود، ۱۳۸۰، «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، *روشن‌شناسی علوم انسانی*، سال هفتم، ش ۲۹، ص ۳۵-۶۰
- احمدوند محمدعلی، ۱۳۸۳، «تأثیر تحصیلات بر تغییر ساختار طرحواره‌های تبعیض جنسی»، *دانشور رفتار*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۱۵-۲۴.
- بابایی، انسیه و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی رابطه ابعاد شخصیتی مادر با اضطراب در کودکان»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان*، دوره پنجم، ش ۱، ص ۱-۱۴.
- باقری، مسعود و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه «دینداری» و «ابعاد شخصیت» با «سلامت روان» معلمان شهرستان رودان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۹، ص ۷-۳۹.
- پورحسین، رضا و همکاران، ۱۳۹۴، «میزان شیوع اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی»، *اصول بهداشت روانی*، سال هفدهم، ش ۵، ص ۲۳۴-۲۳۹.
- جان‌بزرگی، مسعود و فاطمه دائمی، ۱۳۹۵، «تأثیر روان‌بنه‌های ناسازگار نخستین بر تحول روانی معنوی: یک متغیر تعدیل‌گر در روان‌درمانگری»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال دهم، ش ۱۸، ص ۷-۲۶.
- چگنی، ذبیح‌الله بهرامی، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه بین دینداری با اختلالات روانی دانشجویان دانشگاه آزاد خرم‌آباد»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۲، ص ۹۶-۱۰۲.
- خدایاری‌فرد، محمد و همکاران، ۱۳۹۰، «مبانی نظری و روش‌شناسی مقیاس‌های دینداری به انضمام پرسش‌نامه‌های دینداری»، تهران، آوای نور.
- دیوانداری، حسن و همکاران، ۱۳۸۸، «فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ (SQ-SF): بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و ساختار عاملی بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر سال تحصیلی ۱۳۸۵-۸۶»، *پژوهش‌نامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد*، سال پنجم، ش ۲۰، ص ۱۰۳-۱۳۳.
- ریاحی، فروغ و همکاران، ۱۳۹۱، «مشکلات رفتاری کودکان و ارتباط آن با سلامت روان مادران»، *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی چهارم*، دوره دهم، ش ۱، ص ۴۶-۵۲.
- زارع، حسین و حسن عبدالزاده، ۱۳۹۱، «مقیاس‌های اندازه‌گیری در روان‌شناسی شناختی»، تهران، آبیژ.
- زارع، مهدی و سونیا احمدی، ۱۳۸۶، «اثربخشی بازی‌درمانی به شیوه رفتاری شناختی در کاهش مشکلات رفتاری کودکان»، *روان‌شناسی کاربردی*، دوره اول، ش ۳، ص ۱۸-۲۸.
- سلیمی، سیدحسین و همکاران، ۱۳۸۸، «ارتباط باورهای غیرمنطقی مادران با مشکلات رفتاری دختران دبیرستانی آنها»، *روان‌شناسی کاربردی*، سال سوم، ش ۱، ص ۴۵-۵۶.
- صدوقی، زهره و همکاران، ۱۳۸۷، «مقاله علمی کوتاه: تحلیل عاملی نسخه کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ در نمونه غیربالینی ایرانی»، *روان‌پژوهی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، ش ۲، ص ۲۱۴-۲۱۹.
- صدیقی، اکرم و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین»، *دین و سلامت*، دوره دوم، ش ۱، ص ۴۹-۵۶.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۸، *آموزش دین*، قم، جهان آرا.
- طهماسبیان، کارینه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی ویژگی‌های مادرانه مؤثر در مشکلات رفتاری کودکان ۲-۶ ساله»، *پژوهش‌های نوین*، سال هفتم، ش ۲۶، ص ۹۴-۱۰۹.
- فرزادفرد، سیده‌زینب و حیدرعلی هومن، ۱۳۸۷، «نقش آموزش مهارت‌های فرزندپروری بر کاهش تنیدگی مادران و مشکلات

- رفتاری کودکان»، *روان‌شناسان ایرانی*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۲۷۷-۲۹۲.
- قیانچی، حسن، ۱۴۲۲ق، *تشریح رساله‌ی الحقوق للإمام زین‌العابدین*، بیروت، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مظاهری، حسین، ۱۳۸۶، *عوامل کنترل‌گرایی در زندگی انسان*، تهران، ذکر.
- مکوندی، بهنام و همکاران، ۱۳۷۷، «نقش پدر و مادر در آسیب‌شناسی روانی کودک و نوجوان»، *اندیشه و رفتار*، سال چهارم، ش ۱، ص ۴۶-۵۶.
- مینایی، اصغر، ۱۳۸۵، «انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتاری کودک آفتاب، پرسش‌نامه خودسنجی و فرم گزارش معلم»، *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال ششم، ش ۱، ص ۵۲۹-۵۵۸.
- یانگ، جفری و همکاران، ۲۰۰۳، *طرح‌واره درمانی، راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*، ترجمه‌ی حسن حمیدپور و زهرا اندوز، چ سوم، تهران، ارجمند.
- یزدخواستی، فریبا و حمیدرضا عریضی، ۱۳۹۰، «هنجاریابی سه نسخه کودک، پدر/مادر و معلم سیاهه رفتار کودک در شهر اصفهان»، *روان‌پژوهی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال هفدهم، ش ۱، ص ۶۰-۷۰.
- یعقوبی‌دوست، محمود و حلیمه عنایت، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه‌ی بین میزان دینداری والدین با خشونت خانگی آنها نسبت به فرزندان»، *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال چهارم، ش ۱۱، ص ۱۳۳-۱۶۰.
- Bert, S. C., 2010, The Influence of Religiosity and Spirituality on Adolescent Mothers and Their Teenage Children, *Journal Of Youth And Adolescence*, v. 40(1), p. 72-84.
- Copeland, W. E, ET AL, 2009, Childhood and adolescent psychiatric disorders as predictors of young adult disorders, *Archives Of General Psychiatry*, v. 66(7), p. 764-772.
- Donovan, J. E, & Jessor, R, 1985, Structure of problem behavior in adolescence and young adulthood, *Journal Of Consulting And Clinical Psychology*, v. 53(6), p. 890-904.
- Freeman, A, & Freeman, S, 2005, *Understanding Schemas*, In Encyclopedia of Cognitive Behavior Therapy A. Freeman, S. H. Felgoise, C. M. Nezu, A. M. Nezu, & M. A. Reinecke (Eds.), (pp. 421-426). Springer US.
- Jagt-Jelsma, W, et al, 2011, The relationship between parental religiosity and mental health of pre-adolescents in a community sample: the TRAILS study, *European Child & Adolescent Psychiatry*, v. 20(5), p. 253-260.
- Kieling, C, et al, 2011, Child and adolescent mental health worldwide: evidence for action, *Lancet (London, England)*, v. 378(9801), p. 1515-1525.
- Kim, J, et al, 2009, Parents' and Children's Religiosity and Child Behavioral Adjustment among Maltreated and Nonmaltreated Children, *Journal Of Child And Family Studies*, v. 18(5), p. 594-605.
- Knox, M, et al, 2011, Parental Hostility and Depression as Predictors of Young Children's Aggression and Conduct Problems, *Journal Of Aggression, Maltreatment & Trauma*, v. 20(7), p. 800-811.
- Levesque, R. J. R. (Ed), 2011, *Encyclopedia of Adolescence*, New York, NY: Springer New York.
- Mantymaa, et al, 2012, Predicting Internalizing and Externalizing Problems at Five Years by Child and Parental Factors in Infancy and Toddlerhood, *Child Psychiatry & Human Development*, v. 43(2), p. 153-170.
- Marks, L, 2006, Religion and Family Relational Health: An Overview and Conceptual Model, *Journal Of Religion And Health*, v. 45(4), p. 603-618.
- Mash, E. J, & Johnston, C, 1996, Family Relational Problems Their Place in the Study of Psychopathology, *Journal Of Emotional And Behavioral Disorders*, v. 4(4), p. 240-254.
- Remschmidt, H, & Belfer, M, 2005, Mental health care for children and adolescents worldwide:

- a review, *World Psychiatry*, v. 4(3), p. 147–153.
- Schottenbauer, M. A, et al, 2007, Relationship between family religious behaviors and child well-being among third-grade children, *Mental Health, Religion & Culture*, v. 10(2), p. 191–198.
- Skalicka, V, et al, 2015, Reciprocal Relations between Student-Teacher Relationship and Children's Behavioral Problems: Moderation by Child-Care Group Size, *Child Development*, v. 86(5), p. 1557–1570.
- Stone, L, et al, 2015, Relations between Internalizing and Externalizing Problems in Early Childhood, *Child & Youth Care Forum*, 44(5), p. 635–653.
- Stormont, M, et al, 2011, Teachers' Knowledge of Evidence-Based Interventions and Available School Resources for Children with Emotional and Behavioral Problems, *Journal Of Behavioral Education*, v. 20(2), p. 138–147.
- Vermeer, Paul, 2011, The impact of parental religiosity on parenting goals and parenting style: a Dutch perspective, *Journal of Beliefs & Values*, v. 32(1), p. 69–84.
- Walsh, F, 2009, *Religion and Spirituality in Couple and Family Relations*, In: The Wiley-Blackwell Handbook of Family Psychology. J. H. Bray & rk S. ABPP (Eds.), (pp. 600–612). Blackwell Publishing Ltd.
- Wamboldt, M, et al, 2015, Parent-Child Relational Problem: Field Trial Results, Changes in DSM-5, and Proposed Changes for ICD-11, *Family Process*, v. 54(1), p. 33–47.
- Wang, Q, & Zhou, T, 2015, The Impact of Family Functioning and Mental Health Condition on the Child's Behavioral Problems, *Social Behavior And Personality: An International Journal*, v. 43(7), p. 1135.
- Yeung, et al, 2016, Parents' Religiosity, Family Socialization and the Mental Health of Children in Hong Kong: Do Raters Make a Difference? *Journal of Family Studies*, v. 22(2), p. 140–161.

عوامل شناختی انگیزش اخلاقی قرآن کریم؛ مبثنی بر منبع انگیزش «نفی ناهماهنگی شناختی»

محمد رضا کریمی / دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی دانشگاه باقرالعلوم*
 محمد کاویانی / دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
 حسن بوسلیکی / استادیار گروه تربیت اخلاقی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
 دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۷

چکیده

این پژوهش به دنبال استخراج عوامل انگیزش اخلاقی در ساحت شناختی، مرتبط با منبع انگیزش درونی «نفی ناهماهنگی شناختی» از منظر قرآن کریم است. ساحت شناختی و منبع انگیزش مذکور به دلیل اهمیت بالای انگیزشی آن، در این پژوهش در اولویت قرار گرفت. شیوه این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیل محتوای متن است. عوامل انگیزش اخلاقی، وسیله و مسبب عمل است. این عوامل برای به حرکت درآوردن انسان، با گرایش‌های درونی انسان (منابع انگیزش اخلاقی) ارتباط برقرار کرده و با تکیه بر آنها، بستر لازم برای فرایند رفتار را رقم می‌زنند. روش مطالعه و پژوهش در خصوص واژه روان‌شناختی عوامل و منابع انگیزش اخلاقی در قرآن کریم، عمدتاً بر اساس رفتارهای اخلاقی انسان در قرآن کریم بوده است. اوامر، نواهی الهی به رفتارهای اخلاقی / ضد اخلاقی در پیچه ورود به بحث انگیزش اخلاقی بود و آیه مربوط از نظر ترغیب به این رفتار و یا ترک آن بررسی شد. تعقل و اندیشه‌ورزی، مواجه کردن انسان با علم و قطع خود، ایجاد هویت اخلاقی با پنج زیرعنوان خطابات قرآنی، نکوهش‌های قرآنی، مراقبت و مسئولیت انسان نسبت به خود، افزایش خودکارآمدی و حشر و بازگشت انسان به سوی خدا به عنوان منابع انگیزش اخلاقی شناختی از قرآن کریم استخراج گردید. در نهایت، فرایند نظری عوامل شناختی، در ارتباط با منبع انگیزش «نفی ناهماهنگی شناختی» در قالب یک نمودار بازنمایی شد.

کلیدواژه‌ها: عوامل انگیزش اخلاقی، انگیزش اخلاقی، روان‌شناسی اخلاق، منبع انگیزش نفی ناهماهنگی شناختی.

«انگیزش» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث علم روان‌شناسی، دارای اهمیت بسزایی است. به‌گونه‌ای که برخی روان‌شناسان معتقدند که چون انگیزش علت و چرایی رفتار را تبیین می‌کند و روان‌شناسی هم علم مطالعه رفتار است، پس تمام مطالعات این علم، باید معطوف به انگیزش شود (گورمن، ۱۳۸۷، ص ۱۴). در این میان، انگیزش اخلاقی نیز جای خود را در علم روان‌شناسی اخلاق باز کرده و مهم‌ترین مبحث این علم را تشکیل می‌دهد. انگیزش اخلاقی به دنبال چرایی و علت رفتار اخلاقی است. انسان موجودی پیچیده و دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است که برای انگیزه‌مندشدن و فراهم کردن بستر لازم برای بروز رفتار اخلاقی، بر اساس یک الگوی چندسطحی، با ابعاد مختلف خود پیوند برقرار می‌کند.

انگیزش اخلاقی، فرایندی درونی با عامل یا منبع بیرونی است که تحت تأثیر عوامل مختلف شناختی (ارزش‌ها و...) عاطفی (امیال، هیجانات، سائق‌ها و محرک‌ها) و رفتاری، به انسان نیرو و انرژی داده و او را به‌سوی رفتار، یا ترک رفتار اختیاری هدفمند، قابل ارزش‌گذاری، تعمیم‌پذیری و قابل توصیه رهنمون می‌سازد. «عوامل یا داعیه‌ها اشیاء یا هدف‌هایی هستند که رفتار انگیزه‌شده فرد، متوجه آنهاست. به‌عبارت دیگر، آنها را می‌توان وسیله یا مسبب عمل دانست» (لسلی مان، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۴۵۸). منبع نیز به‌طور کلی، به معنی خاستگاه هر فرایند یا رویداد است (صلیبی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹). در این مقاله، عوامل انگیزش اخلاقی ساحت شناختی استخراج شده از قرآن کریم و چگونگی ارتباط آن با منابع انگیزش (گرایش‌های درونی انسان)، در قالب ساحت‌های انسان، در قالب یک فرایند بازنمایی می‌شود.

فرایند رفتار اخلاقی انسان، مانند مراحل فلسفی هر رفتاری، شامل تصور رفتار اخلاقی، تصدیق به فایده آن رفتار، شوق انجام آن رفتار، اراده و در نهایت، صدور آن رفتار اخلاقی است. تصدیق به فایده یک رفتار اخلاقی، در بیشتر موارد، در ارتباط با منابع انگیزش (گرایش‌های درونی انسان) رخ می‌دهد. یک عامل انگیزش اخلاقی، با گرایش‌های درونی انسان ارتباط برقرار کرده و با تکیه بر آن، سازه انگیزه‌مند کردن انسان، برای بروز رفتار اخلاقی را کامل می‌کند. در واقع، انسان برای بروز یک رفتار اخلاقی، دارای یک سامانه اخلاقی است؛ همه عوامل انگیزش اخلاقی معرفی شده از سوی قرآن کریم، به‌خوبی با ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انسان و نیز با منابع انگیزش ارتباط برقرار کرده و بدین ترتیب، الگوی انگیزش اخلاقی انسان را رقم می‌زند. عوامل انگیزش، منابع انگیزش، ساحت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری و فرایند کنش و رفتار (تصور، تصدیق، شوق، اراده و عمل)، به‌صورت یک پازل چندبُعدی عمل کرده و در یک ارتباط دیالکتیک موجب بروز رفتار اخلاقی می‌شود. این ارتباط وثیق بیانگر تناسب ساختار تربیت اخلاقی قرآن کریم، با ساختار وجودی انسان است.

یکی از گرایش‌های درونی انسان، «نفی ناهماهنگی شناختی» است. انسان ذاتاً نسبت به رفتار متضاد با باورهای خود، حساس بوده و نسبت به آن، واکنش روانی نشان می‌دهد. انسان به دنبال رفع تعارض و تراجم شناخت‌های خود، برای انجام رفتار متناسب با آن است. خداوند متعال در قرآن کریم، با دعوت به تعقل و اندیشه‌ورزی، انسان را با این

دوگانگی و ناهماهنگی شناخت و رفتار روبرو کرده و او را دچار چالش نموده تا به دنبال این تنش شناختی، انسان از نظر معرفتی رشد کرده و به سوی رفتار اخلاقی سوق داده شود. خداوند متعال، معجزات متعددی به بنی‌اسرائیل نشان داد؛ به گونه‌ای که بهانه‌ای برای برگزیدن خدایی غیر از خدای واحد، برای آنان نبود. زمانی که آنها گوساله‌ای را به‌عنوان «الله» برگزیده و داده‌های شناختی و دیده‌های مسلم خود را نادیده گرفتند (بقره: ۵۴)، سرزنش خداوند شامل حال آنان شد. این نکوهش، ناشی از ناهماهنگی شناختی و نادیده گرفتن باورها و عمل برخلاف آن بود. برخی مردم می‌گویند: «ایمان آوردیم درحالی که ایمان نیاورده‌اند. اینان در قلب‌هایشان مرض است» (بقره: ۸-۱۰). با توجه به مغایرت و ناهماهنگی گفته این افراد (رفتار)، با آنچه در دل دارند (باور)، می‌توان فهمید که این افراد دچار تناقض میان رفتار و باور هستند. این افراد، کسانی هستند که با خداوند و اهل ایمان نیز خدعه می‌کنند (بقره: ۹). براینده نهای تناقض میان رفتار و باور، که به نفاق منجر می‌شود، و خدعه اینان، مرض قلب است که هم زمینه‌ساز و عامل بروز رفتار ضداخلاقی و هم مانع انگیزه برای صدور رفتار اخلاقی ارزشمند قرآنی خواهد شد.

نظریه ناهماهنگی شناختی، از اثر انگیزش بر روابط بین مؤلفه‌های شناختی بحث می‌کند. منظور از «مؤلفه‌های شناختی»، اعتقادات و معرفت فرد است. به‌موجب نظر فستیگر (۱۹۵۷)، دو شناخت وقتی ناهماهنگ است که از عکس یک مؤلفه، به دیگری پی ببریم. برای مثال، یک فرد سیگاری، که با اطلاع از ضرر سیگار، همچنان به کشیدن آن ادامه می‌دهد، در ناهماهنگی شناختی به سر می‌برد. وقتی فرد با علم به نامرغوب بودن یک نوع ماشین سواری، آن را خریداری می‌کند؛ در یک وضعیت ناهماهنگی شناختی قرار دارد (خدایپناهی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱). فستیگر معتقد است: ناهماهنگی شناختی، حالت انگیزشی است که موجب می‌شود فرد، رفتاری برای کاهش ناهماهنگی شناختی از خود نشان دهد (همان). به عبارت دیگر، فرد برای رفع یا کاهش ناهماهنگی شناختی خود، یا باید معرفت خود را تغییر دهد و یا اینکه، رفتار خود را عوض کند. فردی که در موقعیت حقیقی انفاق، بخل می‌ورزد، برای کاهش ناهماهنگی شناختی، ممکن است به دنبال این باشد که موقعیت انفاق را برای عدم انفاق توجیه کند، یا اینکه معرفت خود را تغییر دهد و با خود بگوید: انفاق هم همیشه خوب نیست و نباید به همه انفاق کرد. این موارد، برای کاهش ناهماهنگی شناختی صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد، تأکید قرآن کریم بر مقارنت حداکثری زوج مفهومی ایمان و عمل صالح، برای رفع ناهماهنگی شناختی در انسان صورت گرفته است؛ چراکه ایمان بدون عمل و عمل بدون ایمان، به‌معنای ناهماهنگی و عدم سختیت باور و رفتار است. همچنین، مؤمنانی که به لوازم ایمانشان پایبند نبودند و یا ایمانشان سطحی بود، توسط خداوند متعال به ایمان حقیقی دعوت شده‌اند (نساء: ۱۳۶). از اهداف مهم آشکارسازی ناهماهنگی شناختی، ایجاد تنش شناختی، برای رشد اخلاقی و شناختی است. پیژره، تعادل جویی را محرک اصلی رشد شناختی می‌داند (فلاول، ۱۳۷۷، ص ۲۱). تعادل جویی، با ساختار هماهنگ شناخت‌ها به‌دست می‌آید. با ایجاد ناهماهنگی و تنش شناختی برای انسان، ارگانیزم، برای از میان برداشتن تنش و ایجاد تعادل شناختی، به مرحله بالاتری ارتقاء می‌یابد؛ چراکه ناسازگاری‌های یک مرحله شناختی، با ساختار شناختی مرحله بالاتر حل می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش، به شیوه کیفی و از نوع تحلیل محتوای متن، به بررسی عوامل انگیزش اخلاقی از منظر قرآن کریم و ارتباط آن با منابع انگیزش اخلاقی می‌پردازد. از آنجاکه بحث انگیزش اخلاقی از منظر قرآن کریم، به گونه‌ای است که پژوهشگر می‌تواند از همه آیات، برداشت انگیزشی کند، برای احتراز از نظرات شخص وابسته و ذهن وابسته، باید مسیر علمی و قابل دفاعی برای انتخاب آیات و استخراج عوامل و منابع انگیزش اخلاقی ترسیم شود. در همین راستا، اصطلاح روان‌شناختی «انگیزش اخلاقی» در قرآن کریم، با روشی ابداعی و مبتنی بر رفتارهای اخلاقی انسان، مورد بررسی قرار گرفت. اوامر یا نواهی الهی، به رفتارهای اخلاقی یا ضد اخلاقی، در چرخه ورود این پژوهش به بحث انگیزش اخلاقی بودند. در آیات مشتمل بر امر و نهی الهی به رفتار اخلاقی، عامل انگیزشی، نسبت به این رفتار اخلاقی شناسایی و ارتباط آن، با منبع انگیزش (گرایش درونی) متناسب، مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب، ابتدا «عوامل شناختی انگیزش اخلاقی» از قرآن کریم استخراج و در مرحله بعد، عواملی که مرتبط با منبع انگیزش (گرایش درونی) «نفی ناهماهنگی شناختی» بودند متمایز شد. لازم به یادآوری است که در برای شناسایی عوامل شناختی انگیزش اخلاقی، نکوش‌ها و تشویق‌های خداوند متعال نسبت به برخی رفتارهای اخلاقی نیز به اوامر و نواهی اخلاقی ملحق شدند.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش، درصدد معرفی منابع انگیزش اخلاقی، مبتنی بر منبع انگیزش درونی «نفی ناهماهنگی شناختی»، با توجه به آیات قرآن کریم است. آنچه در ذیل می‌آید، یافته‌های این پژوهش است:

۱. تعقل و اندیشه‌ورزی

یکی از عوامل بنیادین انگیزش اخلاقی از منظر قرآن کریم، دعوت به اندیشه‌ورزی به اشکال مختلف است. چه بسا عابدانی که پس از مدتی، در چرایی رفتار عبادی‌شان تردید کردند. اغلب اندیشمندان، یک ادعای کلی را مطرح می‌کنند که «کار درست را انجام بده»؛ درحالی که به نظر نمی‌رسد، این ملاک کلی دارای فرایندی مبتنی بر فکر و اندیشه باشد (توما و بیبو، ۲۰۱۳، ص ۵۳)؛ درحالی که قرآن کریم، بر تفکر و اندیشه‌ورزی تأکید بسیار کرده است. تأکید بسیار بر تفکر و برتری آن، بر عبادت در آموزه‌های اسلامی (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴)، به همین دلیل است که با تفکر، رفتار اخلاقی انسان تثبیت شده و به دنبال ارتقاء بُعد شناختی و اصلاح نیت، بالاترین ارزشمندی اخلاقی را خواهد یافت.

در یکی از آیات قرآن کریم، خداوند متعال، صاحبان خرد را مورد خطاب قرار داده و سفارش به تقوا کرده است (بقره: ۱۹۷)؛ چراکه این صاحبان خرد هستند که با توجه به اندیشه خود و ایجاد هماهنگی میان باورها و رفتارها، خود را شایسته توصیه الهی به تقوا ساخته‌اند. در آیه‌ای دیگر، خداوند متعال بنی‌اسرائیل را مورد خطاب و نهی قرار داده و می‌فرماید: «آیا مردم را به خیر و نیکی امر می‌کنید، درحالی که خودتان را فراموش می‌کنید؛ درحالی که شما کتاب تلاوت می‌کنید؛ آیا نمی‌اندیشید؟» (بقره: ۴۴). توصیه نیکی به مردم و فراموشی خود، ذیل

اخلاق اجتماعی است و خداوند متعال با دعوت به تفکر، درصدد احیای نوعی انگیزش درونی برای انسان، برای ترک این رفتار ضداخلاقی است. دعوت به تفکر و اندیشه، برای ارتقاء شناختی انسان صورت می‌گیرد. جمله نهایی آیه و استفهام «آیا نمی‌اندیشید؟»، ناظر به کسانی است که اهل تلاوت کتاب است؛ اما به باورهای خود بر اساس کتاب الهی عمل نمی‌کند و به نوعی، ناهماهنگی شناختی مبتلاست. خداوند متعال، می‌خواهد با جمله «أفلا تعقلون»، انسان را به تعقل در کتاب الهی ترغیب کند. چنین فردی، اگر با تعقل و اندیشه در کتاب الهی، ارتقاء شناختی پیدا کند، امید است که بر این ناهماهنگی شناختی غلبه کرده و بتواند با نیروی تشخیص خطای اخلاقی، به یک عامل اخلاقی تبدیل شده و رفتار اخلاقی خود را بر اساس علم انجام دهد. در این صورت، او همراه با توصیه دیگران به نیکی، خود را فراموش نخواهد کرد.

اصولاً با تعقل و اندیشه، قرار است انسان از وادی جهل، به عرصه علم وارد شده و گام در محدوده‌ای بگذارد که شک و تردید در آن راه ندارد. در این مسیر، درک اخلاقی انسان ارتقاء یافته و علم و قطع انسان برای بروز رفتار اخلاقی و ترک رفتار غیراخلاقی نیز افزایش می‌یابد. البته، رابطه بین درک اخلاقی و انگیزش اخلاقی در طول سلسله مراحل ثابت نبوده، بلکه با رشد و تحول قوی‌تر می‌شود (توما و بیو، ۲۰۱۳، ص ۴۹). انسان متعقل، انگیزه بیشتری برای بروز رفتار اخلاقی خواهد داشت. تعقل، راهی برای خوب شناختن است و خوب شناختن، مقدمه خوب عمل کردن؛ شناخت خوب نوعی تجویز را نیز به همراه دارد و می‌تواند یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های انگیزش اخلاقی باشد (همان). تعقل و اندیشه‌ورزی در فرایند عمل، تصور و تصدیق به خیر و فایده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

۲. مواجه کردن انسان با علم و قطع خود

خداوند متعال، علاوه بر دعوت به اندیشه‌ورزی، انسان را از انجام برخی رفتارهایی که با باورهای او مغایرت دارد، نهی کرده است. در آمیختن حق و باطل، همراه با علم (بقره: ۴۲؛ آل عمران: ۷۱)، همتا قرار دادن برای خداوند (بقره: ۲۲)، اکل مال به باطل و فرستادن مال نامشروع به قاضیان، برای خوردن بخشی از مال مردم (بقره: ۱۸۸)، خیانت به خدا و رسول و خیانت در امانت (انفال: ۲۷) و بحث و جدال در مورد چیزی که به آن علم ندارید (آل عمران: ۶۶)؛ نمونه‌هایی از این رفتارهای ضداخلاقی است. برای نمونه، در آمیختن عمدی حق و باطل، رفتار ضداخلاقی است که گاهی، انسان برای اثبات مدعا و رفتار نادرست خود به آن، متوسل می‌شود. چنین فردی که دست به در آمیختن حق و باطل می‌زند، از اثبات مدعای خود از مسیر حق و از روی علم و تعقل ناتوان است. بنابراین، دست به مطالب باطل زده و از این مطالب، برای اثبات مدعای خود استفاده می‌کند. مسیر صحیح این است که انسان همواره بر اساس علم، قطع و یقین عمل کند، اما گاهی اوقات، منافع ظاهری انسان، او را به سمتی می‌برد که با علم به نادرست بودن یک فعل (مانند در آمیختن حق و باطل)، آن را انجام می‌دهد. در آیات مزبور، خداوند متعال پس از نهی از در آمیختن حق و باطل و کتمان حق، با آوردن «واو» حالیه، انسان را با علم و قطع خود روبرو کرده و از او می‌خواهد با وجود علم و قطع به چیزی، آن را با باطل نیامیزد و حق را کتمان نکند. خداوند با این هشدار، درصدد

است تا ناهماهنگی شناختی درونی انسان را برجسته نموده، تا مسیر انسان به سمت وسوی سازگاری این ناهماهنگی هموار گردد. خداوند متعال، درصدد است تا به انسان‌ها تذکر بدهد که این فعل شما، از سر اشتباه و جهل نیست، بلکه شما از سر ضعف اخلاقی و از روی علم و دانسته، این کار را انجام می‌دهید. خداوند متعال با این کار، راه توجیه را بر افرادی که به دنبال موجه کردن رفتار خود هستند، بسته و با آنان اتمام حجت می‌کند. علاوه بر اتمام حجت، خداوند متعال قصد دارد تا مسیر خودفریبی انسان را برای او روشن کند. نقض خودفریبی یا آگاهانه کردن خودفریبی، هم از کارکردهای مواجه کردن انسان با علم خود است.

مواجه کردن انسان با علم و قطع خود، در فرایند عمل و در ساحت شناختی، بخش تصدیق به فایده را مورد تأثیر قرار خواهد داد. انسانی که برای انگیزه‌مند شدن به سوی رفتار اخلاقی، باید با علم و قطع خود مواجه شود، در تصور خود مشکلی ندارد؛ او پس از عبور از مرحله تصور، نمی‌تواند در مرحله تصدیق به خیر و فایده به نتیجه برسد.

۳. ایجاد هویت اخلاقی

از دیگر شیوه‌های قرآن کریم، برای انگیزش اخلاقی، ایجاد هویت اخلاقی در افراد است. از رویکردهای نسبتاً متأخر، که می‌توان آن را در دسته رویکردهای شناختی در نظر گرفت، رویکرد «هویت اخلاقی» است. کسانی همچون هارت، دامون، بلازی و نیسان تلاش کرده‌اند، نشان می‌دهند که خودانگاره اخلاقی افراد در تصمیم‌گیری‌ها و انگیزش اخلاقی آنها نقش محوری دارد و اساساً هدف رشد اخلاقی، شکل‌گیری هویت اخلاقی است (رک: لاپسلی و ناروازه، رشد اخلاقی، خود و هویت). هاگان بیان می‌دارد: یک مرحله اساسی که میان دوره‌های نوجوانی و بزرگسالی پل می‌زند، مرحله رشد احساس هویت است؛ احساسی که به فرد می‌گوید کیست و در قبال جامعه بزرگسالان، چه جایگاهی دارد. /ریکسون معتقد است: «مشکل هویت نوعاً زمانی برطرف می‌شود که جوان، یک ایدئولوژی - نگرش سیاسی، مذهبی، یا تاریخی - را بپذیرد. این ایدئولوژی، تعریفی از شخص اخلاقی به دست داده و شخص را به یک هویت اخلاقی تجهیز می‌نماید» (هوگان و املر، ۱۹۹۵، ص ۲۱۵).

خداوند متعال برای ایجاد هویت اخلاقی، از تکنیک‌های متنوعی استفاده کرده است:

۳-۱. خطابات قرآنی

یکی از تکنیک‌های ایجاد هویت اخلاقی، خطابات قرآنی نسبت به اهل ایمان است. خداوند متعال، با خطابات مناسب اهل ایمان، به جهت‌دهی خودانگاره انسان مؤمن و شکل‌گیری هویت اخلاقی وی کمک می‌کند. خودپنداره شامل همه جنبه‌های هستی و تجربیاتی می‌شود که فرد در آگاهی درک می‌کند (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۲۴). تصویر اخلاقی شخص از خود، محرک بسیار مهم برای انجام رفتار اخلاقی است؛ چراکه انسان‌ها تمایل اولیه به مطابقت رفتار با خودانگاره دارند. از این رو، ایجاد یک خودانگاره اخلاقی، به شکل‌گیری هویت اخلاقی و آن نیز منجر به انگیزش اخلاقی درونی می‌شود (بوسلیکی، ۱۳۹۷، ص ۷۱). به موازات جهت‌دهی خودانگاره مؤمنان، خداوند متعال در

موارد متعددی، انسان را به باد تازیانه انتقاد گرفته و او را با صفاتی همچون ظلوم و جهول (احزاب: ۷۲)، بسیار جدال کننده (کهف: ۵۴)، کفران کننده نعمت‌ها (عبس: ۱۷)، عجول (اسراء: ۱۱) و حریص (معارج: ۱۹) یاد می‌کند. به نظر می‌رسد، ظاهر این خطاب‌های منفی قرآنی، با ایجاد هویت اخلاقی مناسب برای انسان، سازگاری نداشته باشد. اما خداوند متعال در قرآن کریم، درصد ارائه خودنگاره واقعی به انسان است. انسان دارای خودِ آرمانی است. خودِ آرمانی، نظر فرد در مورد خود، به گونه‌ای است که دوست دارد و شامل همهٔ نگرش‌هایی است که معمولاً مثبت هستند و افراد آنها را آرزو دارند. شکاف عمیق میان خودِ آرمانی و خودپنداره، بیانگر ناهمخوانی و شخصیت ناسالم است (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۲۴). خودِ آرمانی یا ایدئال، خودپنداره‌ای است که انسان دوست دارد از خود داشته باشد. خود ایدئال، شامل تمام ادراکات و معانی‌ای می‌شود که فرد برای آنها ارزش زیادی قائل است و بالقوه با خویشتن او هماهنگ و مرتبط است. اگر چه خویشتن دائماً تغییر می‌کند، اما همیشه در هر فرد، نوعی سازمان، هماهنگی، ثبات، تجانس و شکل‌یافتگی خاص خود را دارد. خودپنداره شخص، جریانی آگاهانه، مداوم و نسبتاً ثابت است (شاملو، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳). خودِ آرمانی معمولاً با خودپنداره فاصله داشته و اعتماد بر آن آسیب‌زا است. قرآن کریم با ارائه خودنگاره واقعی، درصد رفع ناهماهنگی شناختی ناشی از خودنگاره آرمانی انسان است.

در قرآن کریم، به اوصاف والای مؤمنان اشاره شده است و تصویری اخلاقی از آنها ترسیم می‌شود. این اوصاف، وقتی در کنار خطابات مکرر «یا ایها الذین آمنوا» قرار می‌گیرد، بیانگر این هستند که خداوند متعال، می‌خواهد آن تصویر اخلاقی را به عنوان خودپنداره به مسلمانان القا کند. این خطابات، ابتدا به مؤمنان، در مورد وضعیت خودشان، آگاهی می‌دهد. بدون آگاهی، خودپنداره و خودِ آرمانی وجود نخواهند داشت (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۲۴). پس از این آگاهی، روند ایجاد هویت اخلاقی آغاز خواهد شد. نشان دادن ایمان در انسان، می‌تواند در او امیدواری ایجاد کند (علی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۷۰). این جریان در روایات - به خصوص در توصیف اهل بیت علیهم‌السلام - از شیعیان - نیز وجود دارد. تصویری که اهل بیت علیهم‌السلام از شیعیان ترسیم می‌کنند، بسیار اخلاقی است. در واقع افزودن عزت و کرامت نفس به خودپنداره، عاملی برای رشد و سپس، انگیزش اخلاقی است. در این چارچوب، ارتکاب رذایل اخلاقی، نوعی پستی تلقی می‌شود. البته در این چارچوب، کسب و حفظ حیثیت اجتماعی در راستای جلب توجه مثبت دیگران عامل انگیزش است. انسان دارای نوعی ویژگی روان‌شناختی است که اگر دیگران مهم (از والدین، اجتماع و دوستان و همسالان گرفته تا خداوند متعال)، او را مورد ارج و احترام قرار دهند، او نیز به سوی رفتارهای اخلاقی بیشتر انگیزه‌مند خواهد شد. البته، از مدح بی‌مورد و بی‌جا باید پرهیز شود؛ همان گونه که خداوند متعال، در کنار خطابات مدح‌گونه از اهل ایمان، انسان را نیز به صورت واقع‌نمایی، توصیف کرده و مذمت بسیار نموده است. صفاتی مانند ظلوم و جهول، بسیار جدال کننده، کفران کننده نعمت‌ها، عجول و حریص، از این نمونه است. در روایات نیز نقاط ضعف انسان به صورت واقع‌نمایی معرفی شده است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مدح نهی می‌کرد و فرمود: «به صورت کسی که مدح می‌کند، خاک پاشید» (مجلسی، ۱۱۱ق، ج ۷۰، ص ۲۹۴). برخورد منفی با مدح افراد، به دلیل افراطی بوده که در این ستایش‌ها

پیش می‌آمده و به دروغ می‌افتاده؛ چه بسا صاحب مدح نیز آن را باور می‌کرده است (همان، ص ۲۹۵). در روایت دیگری، توصیه شده که مدح و ستایش افراد را قبول نکرده و او را تکذیب کنید؛ چراکه او با این کار به شما ظلم کرده است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۵۷). برخورد امیرالمؤمنین^ع نیز با مردم شهر انبار، که به استقبال او آمده بودند و پای پیاده به دنبال مرکب حضرت حرکت می‌کردند، گویای همین مطلب است (نهج البلاغه، ج ۳۷).

به هر حال، تصویری که قرآن کریم از انسان تصویر می‌کند، بیشتر جنبه منفی دارد. خداوند، مطلق انسان را با صفاتی مانند ظلم و جهول، بسیار جدال‌کننده، کفران‌کننده نعمت‌ها، عجول و حریص یاد می‌کند. با توجه به غرایز و نیازهای پایه‌ای انسان، می‌توان گفت: ظرفیت‌های منفی انسان بالفعل است، اما ظرفیت‌های مثبت را انسان باید فعال کند. در روایتی از امام علی^ع آمده است که خودت را به فضایل وادار و ملزم کن؛ به درستی که ردایل در طبیعت تو نهاده شده است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۸۶؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۹). علامه طباطبائی نیز عدالت اجتماعی را از اقتضائات اولیه طبع انسان به‌شمار می‌آورد و معتقد است: اگر عدالت اجتماعی از اقتضائات اولیه طبع انسان نباشد، باید عدالت و حسن تشریک مساعی و مراعات برابری بر همه شئون اجتماعات حاکم می‌بود، درحالی‌که آنچه مشاهده می‌کنیم، دائماً خلاف آن است و اعمال قدرت و غلبه تحمیل خواسته‌های قوی بر ضعیف و غالب مغلوب را به بردگی می‌کشد، تا مقاصد و خواسته‌های شخصی‌اش برسد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۸).

یکی از خطابات قرآنی مهم، «صادق خطاب کردن برخی بندگان» است. خداوند متعال، بعد از بیان رفتارهای اخلاقی فراوانی، از جمله ایمان به خدا و روز قیامت و ملائکه و کتاب و پیامبران، دادن مال با وجود علاقه به آن، به خویشاوندان و یتیمان و مساکین و...، اقامه نماز، دادن زکات، وفای به عهد و صبر در هنگام وسعت و تنگی، عاملان این رفتارهای اخلاقی را مورد اشاره قرار داده و می‌فرماید: «آنان کسانی هستند که صدق ورزیدند و آنان پرهیزکاران‌اند» (بقره: ۱۷۷). به نظر می‌رسد، خداوند متعال با بیان صادق بودن این افراد، علاوه بر اهداف دیگر، با توجه به گرایش به خیر و فضیلت درونی انسان، درصدد اعطای هویت اخلاقی و انگیزه‌بخشی به این افراد، از این طریق برای ادامه و تکرار رفتارهای اخلاقی ذکر شده است. به نظر می‌رسد، صدق، نتیجه و برآیند رفتارهای اخلاقی ذکر شده در آیه است؛ چراکه صادقان هستند که به وعده خودشان عمل کرده و مطابق دستورات الهی عمل نموده و قدمی خارج از حدود الهی برنمی‌دارند. اینان، میان باور و رفتارشان دوگانگی وجود ندارد و این یگانگی، همان صدق و راستی است که از آن تعبیر به «وفا» شده است. صادق خطاب کردن خداوند، انسان را دارای عزت‌نفس و کرامت نفس می‌کند. چنین انسانی، دیگر به خود اجازه نمی‌دهد پای در وادی غیر از وادی صدق بنهد. به نظر می‌رسد، جایگاه صادقان جایگاه کسانی است که به ثبات رسیده‌اند؛ چراکه خداوند می‌فرماید:

بعضی از مؤمنان کسانی هستند که به عهد الهی صادق بودند و برخی از آنان (عهد خود را تا به شهادت رسیدن) به انجام رساندند و برخی (شهادت را)، انتظار می‌برند و به هیچ‌وجه (عهدشان را) تغییر ندادند، برای اینکه خداوند صادقان (وفاکنندگان به عهد) را به خاطر صدقشان (وفاپیشان) پاداش دهد (احزاب: ۲۳-۲۴).

عدم تغییر در عهد و ثابت قدم بودن بر آن، تا شهادت، نشانه تثبیت ایمان و جاری شدن آن در ساختار وجودی آنان است. طبق آیات قرآن، کسی که از خدا و رسولش اطاعت کند، هم‌نشین پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان خواهد بود (نساء: ۶۹). خداوند متعال در آیه‌ای، علت میثاق خود از پیامبران را محک زدن صدق آنان بیان نموده، تا برای کافران حجت باشد (احزاب: ۷-۸). بنابراین در این آیه، صدق از ویژگی‌های پیامبران عنوان شده و در آیه قبل، صدیقان هم‌ردیف پیامبران بیان شده‌اند. این آیات، بیانگر این است که جایگاه صدیقان مرتبه‌ای والا است که اگر کسی به این مرتبه برسد، رستگار خواهد شد. خداوند متعال در توصیف روز قیامت می‌فرماید: «این روزی است که صدق صادقان سودشان دهد» (مائده: ۱۱۹). این امر، بیانگر رستگار شدن این افراد است. انسان مؤمن، برای اینکه به این رستگاری برسد و در زمره صدیقان قرار گیرد، انگیزه‌مند می‌شود تا رفتارهای اخلاقی ذکر شده در آیه اصلی را در خود متجلی کند. انسان مؤمن نیز با توجه به منبع میل و گرایش به خیر و فضیلت، که نوعی کمال است، با عمل انگیزش اخلاقی «صادق خطاب کردن خداوند»، در او ایجاد انگیزه کرده است.

در جمع‌بندی این بخش، می‌توان گفت: خداوند متعال از یک‌سو، با بیان خطابات مثبت برای اهل اسلام و اهل ایمان، احساس عزت و کرامت نفس به آنان بخشیده، تا آنها را به سوی رفتار اخلاقی و اهل اسلام و ایمان شدن، انگیزه بیشتری بدهد. از سوی دیگر، انسان را با واقعیت‌های روان‌شناختی خود مواجه کرده، تا بیراهه نرود و حس عزت و کرامت نفس کاذب پیدا نکند.

۲-۳. نکوهش‌های قرآنی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در انگیزش اخلاقی، نکوهش‌های خداوند متعال است. بسیاری از آیات قرآن، به‌گونه‌ای است که خطاب مستقیم آیه به عهدشکنان، کفار، منافقان و سایر افرادی است که رفتار ناهنجار اخلاقی دارند. انسان مؤمن، بر اساس تربیت قرآنی، خود را از این عیوب و از این خطاب‌ها بری نمی‌داند (یوسف: ۵۳). به‌طور طبیعی، با مفهوم مخالف این خطاب‌ها ارتباط برقرار کرده و آن را با خود همانندسازی می‌کند، تا به عاقبت این خطاب‌ها دچار نشود. یکی از آثار این همانندسازی، رسیدن انسان به مفهوم «خوف و رجا» است؛ انسان مؤمن باید همواره در بین خوف از عقاب و هلاکت و رجا و امید به رحمت و مغفرت و هدایت الهی باشد. از آثار این توازن بین خوف و رجا، میرا ندانستن نفس از افتادن در ورطه گناه و رفتار غیراخلاقی است.

خداوند متعال، در آیه‌ای از قرآن کریم، فاسقان را کسانی می‌داند که عهد الهی را پیوسته نقض کرده و آنچه را خداوند به پیوند با آن فرمان داده، قطع کرده و پیوسته در زمین فساد و تبهکاری می‌کنند. خداوند متعال، این افراد را به شدت نکوهش کرده و آنان را از تبه‌کنندگان سرمایه وجودی خویش و از خسران‌کنندگان می‌داند (بقره: ۲۶-۲۷). انسان مؤمن، با شنیدن این آیه نمی‌تواند خود را مخاطب آیه شریفه نداند. سخن انگیزه‌بخشی این آیات، از نوع اجتنابی است. وقتی انسان با این آیه برخورد می‌کند، با خود می‌گوید: «من نباید عهد الهی را بشکنم و جزو فاسقان و خسران‌کنندگان باشم. این نکوهش الهی، در انگیزش اجتنابی انسان برای دور ماندن از خطاهای اخلاقی فاسقان

تأثیر می‌گذارد. همچنین، انسان مؤمن با مشاهده آیاتی که وعده خلود در آتش دوزخ را به کافران و تکذیب‌کنندگان آیات الهی داده» (بقره: ۳۹)؛ به خویشتن رجوع کرده و در پی تحقق مفهوم مخالف این آیه است. او می‌خواهد جزو کافران و تکذیب‌کنندگان آیات الهی نباشد، تا خلود آتش شامل حال او نشود. این توجه، به مفهوم مخالف، عاملی برای انگیزه‌مند شدن او برای خودداری از تکذیب آیات الهی و سایر رفتارهای ضداخلاقی است. خداوند متعال، در آیه‌ای دیگر در بیان قساوت برخی افراد می‌فرماید: اینان از سنگ هم سخت‌تر هستند. در ادامه، خداوند متعال که گویا می‌خواهد استدراک کند، می‌فرماید: «بعضی از سنگ‌ها از درون آنها نهر می‌جوشد، بعضی از سنگ‌ها از درون آنها چشمه می‌جوشد و بعضی از سنگ‌ها از خشیت الهی سقوط می‌کنند...» (بقره: ۷۴). گویا خداوند می‌خواهد بفرماید: شما از سنگ هم کمتر هستید! به این طریق، به اینان و بعضی انسان‌های دیگر انگیزه می‌دهد. انسان مؤمن تنبیه و نکوهش این افراد را برای خود همانندسازی نموده و از آن دوری می‌گزیند.

تقویت مستقیم، تقویت جانشینی و خودنظم‌دهی، سه منبع انگیزشی هستند که بنمور/ برای رفتار بیان می‌کند. وقتی الگوی مشاهده شده برای انجام کاری تقویت می‌شود، مثلاً مورد تشویق قرار می‌گیرد، احتمال تکرار همان رفتار، توسط مشاهده‌کننده افزایش یافته و تقویت جانشینی اتفاق افتاده است.

وقتی ببینیم رفتار الگو به پاداش می‌انجامد یا به تنبیه عامل آن منتهی می‌شود، این انتظار در ما به وجود می‌آید که عملکرد ما در همان مورد به پیامدهای مشابهی منجر می‌شود. در مدتی که الگو مشاهده می‌شود تقویت به صورت جانشینی تجربه می‌شود و تجربه مستقیم آن لازم نیست. برای درونی‌سازی هنجارهای اخلاقی، نه تنها تقویت یا تنبیه ضرورت ندارد، بلکه تجربه مستقیم آنها نیز برای آن لازم نیست و تقویت و تنبیه جانشینی برای این منظور کفایت می‌کند (کریم‌زاده، ۱۳۸۹).

در مواردی که قرار است رفتاری ترک و یا انجام نشود، تقویت جانشینی تبدیل به مفهوم تنبیه جانشینی خواهد شد؛ بدین معنا که وقتی رفتار یا صفتی در قرآن کریم مورد نکوهش قرار گرفته و تنبیهی هم برای آن در نظر گرفته شده، موجب می‌شود تا عملکرد انسان در آن مورد، به تضعیف آن رفتار یا صفت منجر شود؛ چراکه او خود را جانشین آن تنبیه در نظر گرفته و برای رهایی از آن، ترک آن فعل نموده است. خداوند متعال، انسان را با صفاتی همچون ظلوم و جهول، بسیار جدال‌کننده، کفران‌کننده نعمت‌ها، عجول، حریص و... یاد می‌کند. این صفات، ظاهر منفی و ادبیات نکوهشی دارند. انسان مؤمن، این را می‌فهمد و سعی می‌کند تا خود را از این صفات دور نگاه دارد. بیان نکوهشی این صفات، انسان را در موضعی قرار می‌دهد که برای دوری از پیامدهای این صفات، تنبیه مورد نظر را برای خود «درون‌کنی» کرده و آن را برای خود در نظر گرفته و برای رهایی از آن مسیر عدم ارتکاب را انتخاب کند.

۳-۳. مراقبت و مسئولیت انسان نسبت به خود

یکی از عوامل انگیزش اخلاقی، که در آموزه‌های قرآن کریم مطرح شده، «مراقبت و مسئولیت انسان نسبت به خود» است. خداوند متعال، بعد از خطاب قراردادن اهل ایمان، آنها را به مراقبت از خود امر کند (مائده: ۱۰۵). مراقبت از خود، به این معنا است که انسان، خود مسئول هدایت فکری، رفتارها، عقاید، اهداف و سایر برنامه‌های خودش است

(فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۷۰). خداوند متعال، در کنار اوامر و توصیه به رفتارهای اخلاقی، بهترین عامل انگیزه‌بخش برای انجام یا ترک آن رفتار را نیز مطرح می‌کند تا مسیر انجام یا کناره‌گیری از آن رفتار را نیز به انسان بیاموزد. در این آیه، خداوند متعال انسان را با عبارت «علیکم انفسکم»، به مراقبت از خود دعوت می‌کند. واژه «انفسکم» را خداوند متعال با عنایت به بحث مسئولیت انسان نسبت به خود، مطرح فرموده است. عبارت «ظلمتم انفسکم» (بقره: ۵۴)، که خداوند آن را پس از برگزیدن گوساله، به‌عنوان خدا توسط قوم بنی‌اسرائیل به آنان می‌فرماید، بیانگر این است که آنان مسئول اعمال خویش هستند و به خودشان ظلم کردند (بقره: ۵۱ و ۵۴)؛ نه اینکه به خدا ظلم کرده باشند (بقره: ۵۷). ظلم به نفس، رفتار ضد اخلاقی مشترک بین حوزه اخلاق بندگی و اخلاق فردی است. عاملی که موجب بازگشت انسان از این رفتار ضد اخلاقی به حساب می‌آید، توجه به خود است. این توجه، انسان را به اندیشه وامی‌دارد که انتخاب خدایی غیر از خدای واحد، ظلم به خداوند نبوده و خداوند در اینجا متضرر نمی‌شود؛ بلکه این من انسان هستم که دچار ضرر و خسران خواهم شد. به نظر می‌رسد، ظلم به نفس در ادبیات قرآنی با مراقبت از خود ارتباط دارد. فردی که از خود مراقبت می‌کند، مرتکب ظلم به خود نخواهد شد. مراقبت از خود، ارتباط وثیقی با خودانگاره اخلاقی ما دارد. ما انسان‌ها، بر اساس تصویری که از شخصیت اخلاقی خودمان داریم، رفتارمان را تنظیم می‌کنیم. گویا خداوند متعال با توصیه به مراقبت از خود و هشدار در خصوص ظلم به خود، قصد دارد سطح خودانگاره اخلاقی ما انسان‌ها را ارتقاء دهد تا رفتار ما نیز بر اساس همین ارتقاء سطح، به‌سوی رفتار اخلاقی سوق پیدا کرده و هویت اخلاقی ما به‌صورت صحیح شکل بگیرد. برای ایجاد خودانگاره اخلاقی، در فرایند عمل و رفتار، باید بخش تصور و تصدیق به خیر و فایده‌مورد تأثیر قرار بگیرد، تا هویت اخلاقی به شکل کامل ایجاد شود.

۳-۴. افزایش خودکارآمدی

یکی از عوامل انگیزش اخلاقی قرآنی، افزایش خودکارآمدی است. خداوند متعال با برخی مفاهیم، درصدد اعتماد به نفس دادن به مؤمنان است تا خودکارآمدی آنان را افزایش دهد. خداوند متعال، در برخی آیات، پس از امر به عدم سستی در برابر دشمن و امر به عدم حزن، با بیان اینکه مؤمنان، مشروط به داشتن ایمان، برتر هستند (آل عمران: ۱۳۹)، به آنان اعتماد به نفس داده و آنان را برای ترک رفتار غیر اخلاقی، «سستی در برابر دشمن» و «ترک حزن» انگیزه‌مند می‌کند. در آیهای دیگر نیز پس از امر به عدم سستی در برابر دشمن و امر به عدم دعوت دشمنان به آشتی و صلح، برتری مؤمنان و همراهی خداوند با آنان را مطرح می‌کند (محمد: ۳۵). انسان مؤمن، با دادن وعده همراهی خداوند سرشار از اعتماد به نفس شده و از نظر شناختی، و در مرحله بعد از نظر عاطفی، برای انجام، تکرار و تثبیت رفتارهای اخلاقی مورد رضایت خداوند متعال آماده می‌شود. خداوند متعال، با عبارت «انتم الاعلون»، درصدد ارائه اعتماد به نفس واقعی و پاک کردن ذهنیت فردی است که تا به حال، گمان می‌کرد هر کسی عده و عده بیشتری داشته باشد، پیروز است و جایی برای ایمان به خدا در ذهنشان باز نکرده بود. با ارتقاء خودکارآمدی، خطای شناختی که در ذهن او بود و گمان می‌کرد که از عهده فلان کار بر نمی‌آید و موجب ناسازگاری شناختی شده بود،

برطرف شد و حقیقتاً دریافت که از عهده آن کار برمی‌آید. بنابراین، نقش خودکارآمدی در فرایند انگیزش اخلاقی انسان در بُعد شناختی و در مرحله تصور و تصدیق به خیر و فایده است.

۳-۵. حشر و بازگشت به سوی خدا

یکی از مفاهیم شناختی قرآن کریم، در راستای انگیزه‌بخشی اخلاقی به انسان، مفهوم «بازگشت و حشر انسان‌ها به سوی خداوند» است که از آن، به‌عنوان «عامل انگیزش اخلاقی» یاد شده است. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، رفتن به سوی خداوند متعال و ملاقات با او، امری قهری است (انشقاق: ۶) و همه مردم در روز قیامت در پیشگاه خداوند احضار خواهند شد (یس: ۳۱-۳۲). این مفهوم (بازگشت به سوی خداوند)، با عبارات متنوعی در قرآن کریم بیان شده است. خداوند متعال در دست‌های آیات، پس از توصیه انسان به تقوا، بلافاصله مفهوم «حشر به سوی خود» را مطرح نموده و از این مفهوم برای انگیزه‌بخشی به رفتار اخلاقی تقوا، که خود منشأ بسیاری از رفتارهای اخلاقی است، استفاده کرده است. همچنین، خداوند متعال پس از امر به اجابت خواسته‌های حیات‌بخش خدا و رسول نیز مفهوم «حشر به سوی خدا» را مطرح می‌کند (انفال: ۲۴). خداوند متعال، پس از بیان نکوهش افرادی که مؤمنان را پس از سفر یا شرکت در جنگ مورد شماتت قرار می‌دادند و می‌گفتند: اگر نزد ما بودید نمی‌مردید و کشته نمی‌شدید، مغفرت و رحمت خود را بعد از کشته شدن در راه خدا و مرگ، مطرح نموده و در انتها نیز حشر به سوی خود را بیان می‌دارد (آل عمران: ۱۵۶-۱۵۸). شاید مراد این باشد که انتهای انسان، چه با مرگ و چه کشته شدن در راه خدا، حشر به سوی خداوند است. خداوند در آیه‌ای بعد از بیان فعل اخلاقی تقوا، بر مفهوم «ملاقات با خداوند» تأکید کرده (نساء: ۲۲۳) و در ادامه، از رسول خدا ﷺ خواسته که به مؤمنان بشارت دهد که هنگام لقاء پروردگار، به پاداش اعمال نیک صالح خود خواهید رسید (امین، ۱۳۶۱، ص ۳۱۰). به نظر می‌رسد، بیان حشر و بازگشت به سوی خدا، با این هدف است که انسان، به‌عنوان یکی از سه ضلع مهم خدا، جهان و انسان، هویت اصلی خود را بازشناسد. خداوند می‌خواهد غایت قصوای انسان را به او نشان دهد و مسیر او را به گونه‌ای ترسیم کند که فراتر از محدوده دنیا را هم متصور شود و انتهای مسیر خود را بداند و بر اساس همان نیز برنامه‌ریزی کند. در مسیرهای مادی، انتخاب انتهای مسیر برای سالک و مسافر، از نیازهای مهم و اصلی است. انتخاب انتهای مسیر، به انسان آمادگی ذهنی برای پیمودن آن را می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که تمام قوای انسان برای همان مقدار تعیین‌شده ذهنی مهیا خواهد شد. در یک مسیر معنوی نیز باید ابتدا و انتهای مسیر مشخص باشد. خداوند متعال، ابتدا و انتهای مسیر کلی انسان را «الله» معرفی نموده (بقره: ۱۵۶) و ابتدای شروع عملی این حرکت و سیر انسان را با آفریدن انسان در زمین (مؤمنون: ۷۹) قرین می‌داند. خداوند متعال، با بیان رجوع نهایی و حشر به سوی خود، درصدد ارائه این چشم‌انداز به انسان و اصلاح انگاره او در مورد جایگاه انسان در جهان هستی است. بازنمای نهایت مسیر انسان، او را متوجه عناصر مهم این مسیر نموده و تذکار و یادآوری برای سالم رسیدن و سالم رساندن اندوخته معنوی انسان، به مقصد خواهد بود. شاید بیان حشر به سوی خدا، پس از تقوا و اجابت دعوت خدا

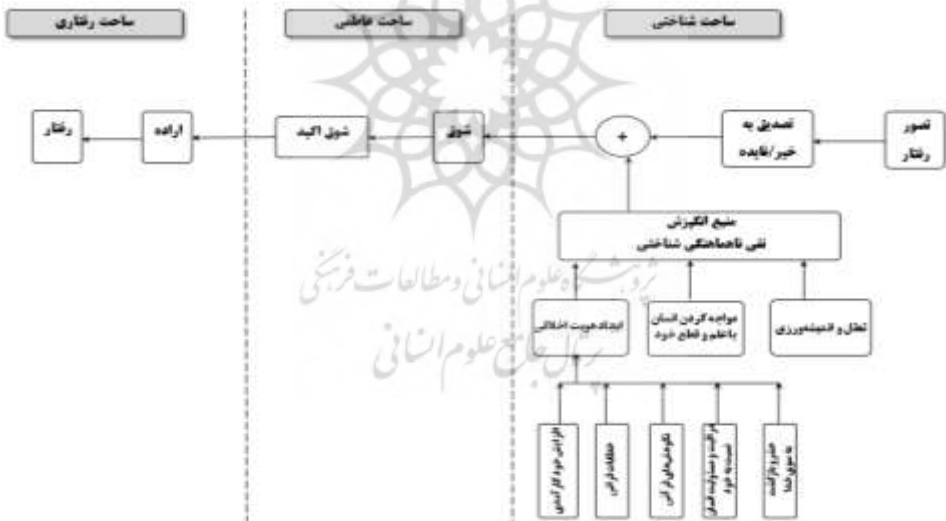
و رسول، به این دلیل باشد که این دو (تقوا و اجابت دعوت خدا و رسول)، مهم‌ترین عناصری هستند که انسان می‌تواند با آنها، مسیر خود به سوی مقصد، که همانا خداوند متعال است، را به بهترین شکل ببیند. با توجه به بافت آیاتی که مفهوم «ملاقات با خداوند» بعد از بیان اوامر الهی، به رفتارهای اخلاقی، و یا نواهی خداوند - به رفتارهای ضد اخلاقی - می‌آید، می‌توان گفت: انسان برای دفع خسارت جبران‌ناپذیر آن روز و برای اینکه در مقابل خداوند سرافکننده نباشد، درصدد ترک رفتارهای ضد اخلاقی برآمده و به سوی رفتارهای اخلاقی عزیمت کند. انسان از درون گرایش دارد تا به هنگام ملاقات با موجود برتر واجب و کامل، حتی الامکان در بهترین حالت و کامل ظاهر شود تا احساس شرمندگی نکند و از ضرر وارده جلوگیری نماید.

خداوند متعال می‌فرماید: «چگونه به خدا کافر می‌شوید درحالی که شما مرده بودید. پس خدا شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را زنده می‌کند، سپس به سوی او بازگشت می‌کنید» (بقره: ۲۸). انتهای آیه، برای تمام انسان‌ها عمومیت داشته و وجهی برای اختصاص به کافران ندارد؛ چراکه او خدایی است که همه انسان‌ها را از هیچ آفرید و در ادامه، هم آنان را می‌میراند و دوباره زنده می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست. این سنخ آیات، که خطاب آیه با کافران و بدکاران است، در انسان مؤمن نقش بازدارندگی دارد؛ به این شکل که انسان مؤمن این مفهوم (بازگشت به سوی خداوند) را در خود بازتاب داده و درون‌فکنی می‌کند و برای اینکه از ضرر آن روز ایمن باشد، به سوی رفتار اخلاقی انگیزه‌مند می‌شود. هنگامی که انسان می‌داند به زودی باید به سوی خداوندی رجوع کند که به انسان مسئولیت‌ها و وظایفی را سپرده و از او توقع عمل داشته و لوازم و مقتضیات عمل به این وظایف را نیز به او عطا کرده، احساس عمیق دل‌کندن از دنیا پیدا کرده و نگاه خود را متوجه آن روز واپسین خواهد نمود. خداوند متعال در این مورد، می‌خواهد انگاره انسان در مورد دنیا را تغییر دهد. این دنیا، مسیر و محل گذر است. خداوند، نهایت مسیر انسان را برجسته می‌کند تا از دنیا دل‌کنده شود. حشر و بازگشت به سوی خدا، عاملی برای کنترل حب دنیا است.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، استخراج عوامل شناختی انگیزش اخلاقی قرآن کریم، مبتنی بر منبع انگیزش «نفی ناهماهنگی شناختی» درونی انسان‌ها است. پیش‌فرض این مقاله، این است که هر عامل انگیزش اخلاقی (شناختی، عاطفی یا رفتاری)، باید با منبع انگیزش اخلاقی متناسب خود (گرایش‌های درونی انسان که از سوی خداوند در انسان به ودیعه نهاده شده) ارتباط برقرار کند تا بتواند مقدمات ترغیب انسان برای صدور فعل اخلاقی را فراهم کند. ارتباط وثیق عوامل انگیزش اخلاقی قرآن کریم، با منابع انگیزش و همچنین، ارتباط این دو با زنجیره عمل انسان، سامانه‌ای را به دست می‌دهد که همه ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری آن قابل تأمل است. تمام این سامانه، در راستای بروز رفتار اخلاقی انسان بوده و با توجه به معرفی آن از سوی خالق انسان، باید بهترین الگو باشد. با توجه به نکات فوق و هدف این پژوهش، سه عامل «تعقل و اندیشه‌ورزی»، «مواجه کردن انسان با علم و

قطع خود» و «ایجاد هویت اخلاقی» استخراج شد. ذیل عامل ایجاد هویت اخلاقی، پنج زیر عنوان «خطابات قرآنی»، «تکوهش‌های قرآنی»، «مراقبت و مسئولیت انسان نسبت به خود»، «افزایش خودکارآمدی» و «حشر و بازگشت انسان به سوی خدا»، به‌عنوان عوامل هویت‌ساز شناختی انسان قرار دارد. برای نمونه، انسانی فعل دروغ‌گفتن را تصور کرده و در مرحله بعد، فایده این دروغ‌گفتن را نیز در نظر می‌گیرد. دروغ‌گفتن، به علت نوعی تضاد میان واقعیت و آنچه شخص دروغگو می‌کند، نوعی ناهماهنگی شناختی در انسان به وجود می‌آورد. خداوند متعال، با سفارش به اندیشه‌ورزی، به‌عنوان عامل انگیزش اخلاقی، انسان را با منبع انگیزش مربوط به آن مرتبط می‌کند. در وجود انسان، میل به هماهنگی میان باور و رفتار وجود دارد و در صورتی که تناسب باور و رفتار از میان برود، تعادل انسان نیز بر هم می‌ریزد. بر پایه همین برهم‌ریختگی تعادل، انسان نیز متمایل به برقراری تعادل است. میان منبع و عامل انگیزش، رابطه دیالکتیک و دوطرفه برقرار است و صرفاً رابطه از عامل به منبع تعریف نمی‌شود. سایر عوامل انگیزش نیز در ارتباط با منبع انگیزش، «نفی ناهماهنگی شناختی» به همین شکل، سعی در برقراری هماهنگی شناختی میان باور و رفتار دارند.



فرایند عوامل شناختی انگیزش اخلاقی ذیل منبع نفی ناهماهنگی شناختی

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۲۲ق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- امین، سیده نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نشر نهضت زنان مسلمان.
- بوسلیکی، حسن، ۱۳۹۷، *مدلی برای عوامل و سازوکارهای تأثیر خانواده و رسانه در رشد اخلاقی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و سنت در تفسیر المیزان و بحار الانوار*، پایان نامه دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی، قم، دانشگاه معارف.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات.
- خدایپناهی، محمد کریم، ۱۳۸۵، *انگیزش و هیجان*، تهران، سمت.
- شاملو، سعید، ۱۳۹۰، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران، رشد.
- صلیبی، ژانست، ۱۳۸۲، *فرهنگ توصیفی روان‌شناسی اجتماعی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- علی‌زاده، حمید، ۱۳۸۲، *الفرد ادلر (گستره نظریه شخصیت و روان‌درمانی)*، ویراستار ع. ح. سازمند، تهران، نشر دانژه.
- فضل‌الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالاملاک للطباعة و النشر.
- فلاول، جان اچ، ۱۳۷۷، *رشد شناختی*، ترجمه فرهاد ماهر، تهران، رشد.
- فیست، جس و همکاران، ۱۳۹۵، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر روان.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، *الأصول من الکافی*، تهران، نشر اسلامی.
- کریم‌زاده، محمد صادق، ۱۳۸۹، «سازوکارهای روان‌شناختی فرایند درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی»، *روان‌شناسی و دین*، سال سوم، ش ۲، ص ۵-۲۸.
- گورمن، تام، ۱۳۸۷، *انگیزش*، ترجمه سینا قربانی، تهران، مبلغان.
- لسلی مان، نرمان، ۱۳۵۶، *اصول روان‌شناسی*، ترجمه محمود ساعتچی، تهران، امیرکبیر.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۱۱۱ق، *بحار الانوار*، تهران، اسلامی.
- Stephen J, et al, 2013, *Moral Motivation And The Four Cmpponent Model*, Handbook of Moral Motivation, Edited by; Karin Heinrichs, Fritz Oser & Terence Lovat, Published by: Sense Publishers.
- Hogan, R, & Emler, Nicholas, 1995, "*Personality and Moral Development*", In William M. Kurtines and Jacob L. Gewirtz (eds.), *Moral development: an introduction*, Allyn & Bacon.

راهنمای اشتراک نشریات تخصصی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱. اشتراک به صورت آنلاین پذیرفته می‌شود؛ ۲. در صورت تمایل به اشتراک وجه اشتراک را به حساب ۰۱۰۵۹۷۳۰۰۰۰۱۰۰۰ به نام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره واریز و اصل فیش بانکی یا فتوکی آن را به همراه فرم اشتراک و مشخصات کامل خود به نشانی مجله ارسال نمایید؛ ۳. در صورت تغییر نشانی، اداره نشریات تخصصی را از نشانی جدید خود مطلع نمایید؛ ۴. کلیه مکاتبات خود را با شماره اشتراک مرقوم فرمایید؛ ۵. بهای اشتراک خارج از کشور با احتساب هزینه پست سالانه ۲۰ دلار و یا معادل آن می‌باشد؛ ۶. لطفاً در ذیل نوع نشریه و مبلغ واریزی و نیز مدت اشتراک خود را مشخص فرمایید. <http://eshop.iki.ac.ir> فروشگاه الکترونیک

ردیف	عنوان نشریه	رتبه	تک‌شماره (ریال)	یک‌ساله (ریال)	از شماره تا شماره
	دو فصل نامه «معرفت اقتصاد اسلامی»	علمی - پژوهشی	۳۰۰.۰۰۰	۶۰۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «تاریخ اسلام در آینه پژوهش»	علمی - پژوهشی	۲۲۰.۰۰۰	۴۴۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «قرآن شناخت»	علمی - پژوهشی	۲۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «معرفت سیاسی»	علمی - پژوهشی	۲۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «معرفت کلامی»	علمی - پژوهشی	۲۷۰.۰۰۰	۵۴۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «اسلام و پژوهش‌های تربیتی»	علمی - پژوهشی	۲۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «معارف منطقی»	علمی - پژوهشی	۲۲۰.۰۰۰	۴۴۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «انوار معرفت»	علمی - پژوهشی	۱۹۰.۰۰۰	۳۸۰.۰۰۰	
	فصل نامه «روان‌شناسی و دین»	علمی - پژوهشی	۲۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	
	فصل نامه «معرفت ادیان»	علمی - پژوهشی	۲۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	
	فصل نامه «معرفت فرهنگی اجتماعی»	علمی - پژوهشی	۲۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	
	فصل نامه «معرفت فلسفی»	علمی - پژوهشی	۲۲۰.۰۰۰	۴۴۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «اسلام و پژوهش‌های مدیریتی»	علمی - ترویجی	۲۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «معارف عقلی»	علمی - ترویجی	۲۲۰.۰۰۰	۴۴۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «معرفت اخلاقی»	علمی - ترویجی	۱۹۰.۰۰۰	۳۸۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «عیار پژوهش در علوم انسانی»	علمی - ترویجی	۲۳۰.۰۰۰	۴۶۱۲۰.۰۰۰	
	ماهنامه «معرفت»	علمی - ترویجی	۲۳۰.۰۰۰	۲.۷۶۰.۰۰۰	
	دو فصل نامه «اندیشه‌های حقوق عمومی»	علمی - ترویجی	۲۰۰.۰۰۰	۴۰۰.۰۰۰	

نام نشریه: و و و و
 مدت اشتراک: و و و و
 مبلغ واریزی: و و و و

فرم درخواست اشتراک

اینجان نام: استان: شهرستان: خیابان: کوچه: پلاک:
 صندوق پستی: کد پستی:
 تلفن: (ثابت)..... (همراه).....
 ۰۹ تقاضای دریافت مجله / مجلات فوق می‌باشم.
 لطفاً از شماره‌های ذکر شده مجلات به مدت به آدرس فوق ارسال فرمایید.
 در ضمن فیش بانکی به شماره: مبلغ: ریال به پیوست ارسال می‌گردد.
 امضا

Cognitive Factors of Moral Motivation of the Holy Quran based on the Source of Motivation "Denial of Cognitive Discord"

✉ **Mohammad Reza Karimi** / PhD in Islamic Education, Islamic Ethics, Baqerul Uloom University

mrk1353@gmail.com

Mohammad Kaviani / Associate Professor, Department of Psychology, Research Center and University

m_kavyani@rihu.ac.ir

Hassan Boslaiki / Assistant Professor of Moral Education Department, Research Institute of Islamic Sciences and Culture

bosaliki@yahoo.com

Received: 2018/05/04 - **Accepted:** 2018/10/29

Abstract

This study seeks to extract the factors of moral motivation in the cognitive field, related to the source of internal motivation "denial of cognitive inconsistency" from the perspective of the Holy Quran. In this study the cognitive field and the source of the mentioned motivation were given priority, due to its high motivational importance. The research method is qualitative and analyzes the content of the text. The factors of moral motivation are the means and the cause of action. These factors communicate with man's inner attitude (sources of moral motivation) in order to get move human beings and, relying on them to determine the conditions necessary for the process of behavior. The method of study and research on the psychological term of factors and sources of moral motivation in the Holy Quran has been mainly based on human beings moral behaviors in the Holy Quran. Commandment and injunction divine on moral and non-moral behaviour were the way to reach discussion of moral motivation, and the relevant verse was examined in terms of persuading to this behavior or abandoning it. Reasoning, confronting man with his knowledge and certainty, creating moral identity with five subheadings, i.e. what Qur'an addresses, what Qur'an reproaches, man's responsibility towards himself, increasing the self-productivity, and man's return to God as ethical sources of motivation were deduced from the Qur'an. Finally, the theoretical process of cognitive factors was represented in relation to the source of motivation for "denial of cognitive discord" in the form of a graph.

Key words: factors of moral motivation, moral motivation, ethical psychology, source of motivational denial of cognitive discord.

Predicting Childhood Behavioral Disorders from Mother`s Early Maladaptive Schemata and Religiosity

Hadi Zeinalzadeh / Graduated from Institute of Higher Educational Ethics and Postgraduate Studies in Islamic Psychology
ali.11041@yahoo.com

✉ **Nader Monirpour** / Assistant Professor of Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch
monirpour1357@yahoo.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh / Instructor, Department of Psychology, Imam Khomeini Research Institute
Received: 2017/04/13 - Accepted: 2017/10/07
jahangirzademr@gmail.com

Abstracts

This research, which is a kind of correlation, seeks to investigate the relationship mothers' of religiosity and early maladaptive schemata with childhood behavioral disorders in a non-clinical sample. For this purpose, the sample consists of 386 elementary school students selected by cluster sampling. The research instruments were child behavior Inventory (CBCL), a questionnaire about religiosity and a questionnaire about early maladaptive schemata Questionnaire (YSQ-SF). All the three questionnaires were completed by the students' mothers. The results show that there is a significant relationship between mothers' religiosity and early maladaptive schemata and between mothers' early maladaptive schemata and children's behavioral problems, as well. The results of multiple regression analysis show that the dimension of mothers' religiosity as well as mothers' regions of rejection, self-determination, disruptive performance of early maladaptive schemata significantly predict children's behavioral problems.

Key words: children's behavioral problems, religiosity, schema, early maladaptive schemata, inefficient schema, mothers.

The Role of Similarity Contradiction in Personality Traits of Introversion and Extroversion and Religious Adherence of Couples in Predicting Marital Satisfaction

✍ **Javad Moslehi** / Student of Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Iran, Qom
javadmoslehi1@gmail.com
Hossein Rezaeian Bilondi / Student of Psychology, Imam Khomeini Educational Research Institute, Iran, Qom
h.rezaeiyan60@gmail.com
Amin Rahmati / Student of Quran and Psychology, Al-Mustafa International University, Iran, Qom
Rahmaty2000@gmail.com
Received: 2017/06/27 - **Accepted:** 2017/12/23

Abstract

The aim of this study was to examine the role of similarity contradiction in personality traits of introversion, extroversion and religious adherence of couples in predicting marital satisfaction. This research is a kind of correlational research and has been done by postoperative method. The 232 students (116 couple) was examined in using the "neo-personality" questionnaire of Costa and McCrackie, the "religious commitment" of Janzi Zengari and Rezai Islamic from Bojnourd University and Imam Khomeini University students who had lived together for at least a year. Data were analyzed using central indices, scatter indices, Pearson correlation coefficient, T test, F test, LSD test and variance analysis. Data analysis shows that personality traits of introversion and extroversion do not have a specific and significant effect on the level of marital satisfaction. There was no relationship between the similarity and contradiction of this personality trait with marital satisfaction. Therefore, it is not possible to provide the desired combination of couples to predict the highest level of marital satisfaction. Another result was that in couples who were different in terms of introversion and extroversion, their adherence to religion also varied. there is a significant positive relationship between the couple's religious commitment and marital satisfaction but introverts and extroverts also differ in their religious affiliation

Key words: marital satisfaction, personality traits, introversion, extroversion, religious adherence. This study is a quasi-experimental and a pre-test-post-test design and were used control group.

Providing a Model of Mental Health Based on Positive Psychological factors

✉ **Ali Karimian Sokhlani** / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Guilan

a.karimiyan110@yahoo.com

Bahman Akbari / Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran

Drbahmanakbari@yahoo.com

Received: 2017/06/18 - **Accepted:** 2017/11/24

Abstract

University professors, whose task is to extend knowledge and whom students hold as an example, have their effect on the youth. Therefore, attending to the health of can have a crucial role in pursuing the goals of society and achieving prosperity and collective perfection. The purpose of this study is to provide a model of mental health based on the positive psychological factors considered by the professors of Rasht Islamic Azad university for the academic year 2014-2015. The statistical sample consists of 150 people selected from among the statistical universe of the survey. The research instruments include Drogatis, Lipman & Korey's questionnaire on mental health, Palotzin and Ellisons' questionnaire on spiritual well-being, Schneider Hope Scale, Milk Optimism Test, Carver, and Barton Hardiness Questionnaire. The method of structural equations and LISREL software 8.18 was used for analyzing the data. The results show that mental health can be explained through positive psychological factors including spiritual well-being, hope, and commitment.

Key words: mental health, positivism, spiritual well-being, hope, commitment.

A comparative study of Adolescents' Mental Well-Being according to Patterns of Mother-Child Relationship (an Attempt to Expand the Pattern of Islamic- Iranian Parenting)

Soheila Javidnia / PhD Student in Clinical Psychology, Islamic Azad University, Roodehen Branch, Iran
Soheila.Javidnia@gmail.com

✉ **Fariborz Bagheri** / Associate Professor, Department of Clinical and General Psychology, Islamic Azad University, Tehran Research Branch, Iran
bagheri@srbiau.ac.ir

Received: 2017/05/27 - **Accepted:** 2017/11/18

Abstract

An effective parenting which results in having happy, healthy, and productive children demands showing an affective native pattern base on Iranian culture. The purpose of this study is to compare adolescents' mental well-being according to mother-child relationship patterns including 14-18-year-old high school students in Tehran. For this purpose, 219 students were selected by available sampling method for the comparative study based on a casual descriptive method. And Baqiri's questionnaires about parent-child relationship and Reif's psychological well-being were prepared to assess the psychological well-being and mother-child relationship style. One-way ANOVA and Fisher's exact test were used for analyzing data. The results of data analysis show that adolescents' mental well-being with respect to mother-child relationship patterns is significantly different so that the scores of mental well-being graded from high to low are related to the style of steady relationship, security centeredness, freedom centeredness and finally inconsistent style.

Key words: mother-child relationship, mental well-being, adolescents, students.

The Empirical Method and Its Position in Islamic Psychology

Ali Mesbah / Associate Professor of Philosophy, Imam Khomeini Institute of Education and Research
a-mesbah@qabas.net

✉ Ali Abotrabai / Assistant Professor of Psychology, Imam Khomeini Institute of Education and Research
Received: 2018/04/06 - Accepted: 2018/10/07
aliabootorabi@yahoo.com

Abstract

In addition to explaining the empirical method used in contemporary psychology and exposing shortcomings, limitations, and advantages; this article explores the role and position which empirical method has in Islamic psychology. Using a descriptive-analytical method and a library-based technique, this study is the outcome of an inquiring to authentic Islamic psychological sources and reliable methods. The findings show that, first, the empirical method based on sensory findings is the only way by which man acquires knowledge and there are three other methods by which one can grasp human psychological realities: intuitive method, revealed method and rational method; secondly, psychology considers man as a multidimensional creature and an especial method should be used for exploring every human. considering human nature, dimension. Man's deep interested in physical phenomena, and his strong reliance on sensory findings in his everyday life, Islamic sources also emphasize on the experience of sensory findings. In some cases, when the researcher fails to achieve reassured realism by using other methods, the empirical method can be used to increase the level of reality. Therefore, the empirical method along with the other three main methods used for examining the psychological organization form the underlying bases and their behavioral aspects.

Key words: Islamic psychology, research methods, empiricism, and empirical methods.

Investigating the Effect of the Short Period of Praying on the Position of Accepting excitement on mood and depletion myself in the non-clinical sample

✦ **Nematullah Yaralahi** / PhD Student of Clinical Psychology, Shiraz University

na.Yarollahi@shirazu.ac.ir

Mohammad Reza Shairi / Associate Professor, Department of Psychology, Shahed University

Received: 2017/06/29 - **Accepted:** 2017/12/23

Shairigm@gmail.com

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of the short period of praying on the position of accepting excitement on mood and depletion myself in the non-clinical sample. 52 students were randomly selected and replaced in three groups: admission / prayer (group 1), admission, control (group 2) and control, control (group 3). The individual's self-control (strop test) was measured after completing the public health questionnaires, religious attitudes, and acceptance and action, the level of mood and performance. Then, emotional clips were played for the subject, during which the first two groups had to accept their emotions, and the third group watched the clips as usual. In the next step, the first group prayed, while the other group members did not do anything special. the results did not show a significant difference in the self-control performance of the three groups after reassessing the creation and performance of Strop's self-control. Also, the groups did not differ significantly from each other in the negative dimension of the scale of creation, but the rate of positive creation, peace and happiness in the group of acceptance and prayer was higher than the other two groups.

Key words: praying, accepting emotion, depletion myself, self-control, mood.

Abstracts

Quantifying the Concept of Persistence according to Islamic Sources and Examining the Properties of the Psychometry Questionnaire about It

Rahim Mirdrikondi / Assistant Professor of Psychology, Imam Khomeini Institute of Education and Research
mirderikvandi@qabas.net

Mehdi Abbasi / Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, Quran and Hadith Research Institute
Ym.abbasi@gmail.com

✉ **Hojjatollah Safari** / PhD Student of Psychology, Imam Khomeini Institute of Education and Research
Received: 2018/04/04 - Accepted: 2018/09/30
h.a.safaripsy@gmail.com

Abstract

The purpose of this study is to provide a questionnaire about quantifying the concept of persistence according to Islamic sources and determine its psychometrics properties. A content analysis method was used for extraction the conceptual components of persistence and a survey method was used for investigating the characteristics of the questionnaire. In the content analysis method, religious teachings were collected, classified and analyzed and seven components were extracted from Islamic sources. A survey method was used to evaluate the validity and reliability of the questionnaire in a sample of 200 people selected by cluster sampling from the statistical universe of Najaf Abad theological school students. The results show that in terms of content validity measurement, criterion and structure, the questionnaire on persistence has high and essential validity. exploratory factor analysis shows that there are five factors: deceives, adherence to values, transcendent purposefulness, patience, and sustained effort. The validity of this questionnaire with Cronbach's alpha was 0.845. therefore, the questionnaire about Islamic stability can be used as a tool of reliable psychometric properties in Islamic and psychological. research works.

Key words: stability, questionnaire, Islamic resources, psychology, credibility, Validity.

Table of Contents

Quantifying the Concept of Persistence according to Islamic Sources and Examining the Properties of the Psychometry Questionnaire about It / Rahim Mirdrikondi / Mehdi Abbasi / Hojjatollah Safari	7
Investigating the Effect of the Short Period of Praying on the Position of Accepting excitement on mood and depletion myself in the non-clinical sample / Mohammad Reza Shairi / Nematullah Yaralahi	23
The Empirical Method and Its Position in Islamic Psychology / Ali Mesbah / Ali Abotrabi	41
A comparative study of Adolescents' Mental Well-Being according to Patterns of Mother-Child Relationship (an Attempt to Expand the Pattern of Islamic- Iranian Parenting) / Soheila Javidnia / Fariborz Bagheri	55
Providing a Model of Mental Health Based on Positive Psychological factors / Ali Karimian Sokhlani / Bahman Akbari	73
The Role of Similarity Contradiction in Personality Traits of Introversion and Extroversion and Religious Adherence of Couples in Predicting Marital Satisfaction / Javad Moslehi / Hossein Rezaeian Bilondi / Amin Rahmati	93
Predicting Childhood Behavioral Disorders from Mother's Early Maladaptive Schemata and Religiosity / Hadi Zeinalzadeh / Nader Monirpour / Mohammad Reza Jahangirzadeh	111
Cognitive Factors of Moral Motivation of the Holy Quran based on the Source of Motivation "Denial of Cognitive Discord" / Mohammad Reza Karimi / Mohammad Kaviani / Hassan Boslaiki	123

In the Name of Allah

Ravanshenasi va Din

A Quarterly Journal of Psychological inquiry

Vol.13, No.2

Summer 2020

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mohammad Naser Saqaie Bi-Ria*

Editor in chief: *Mohammad Reza Ahmadi*

Executive manager: *Sajad Solgi*

Editorial Board:

- ☒ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Assistant Professor, IKI*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Arafai:** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ☒ **Dr. Qulam Ali Afruz:** *Professor, Tehran University*
- ☒ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor, Beheshti University*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria:** *Assistant Professor, IKI*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli:** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ☒ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ☒ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir
